

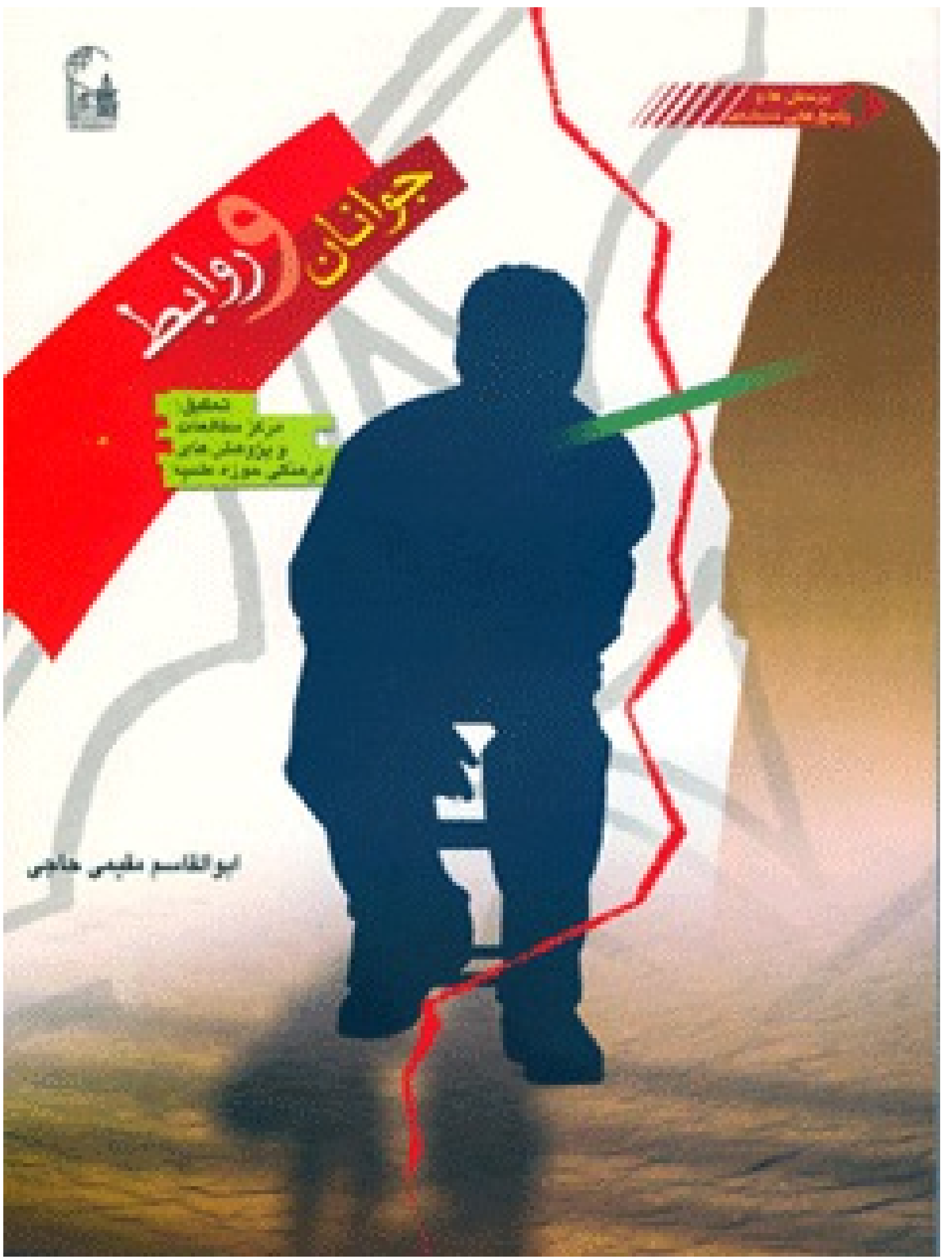


# جوانان و لفظ

تعمیر  
میراث مظلومان  
و بروز عین عالم  
بر فکلی مولد فلسفہ



ایوب القاسم علیہی عالمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جوانان و روابط

نویسنده:

ابوالقاسم مقیمی حاجی

ناشر چاپی:

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	جوانان و روابط
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۱۶	پیش درآمد
۱۹	پیش گفتار
۲۳	گفتار اول
۲۴	زیربنای روابط
۲۷	مکانیزم جذابیت جنس های مخالف
۳۱	رفتار و احساس دختر و پسر نسبت به یکدیگر در سنین مختلف
۳۵	آزادی مطلق روابط در غرب هیجان جنسی را مضاعف ساخته است
۳۶	اوج هیجان و التهاب جنسی در جوانی و کنترل آن
۴۰	گفتار دوم
۴۰	ارتباط، چرا و چگونه؟
۴۳	دلایل توجیه کنندگان روابط آزاد
۴۳	۱. احترام به عشق
۵۶	۲. آرامش روانی و کاهش التهاب ها
۶۳	۳. استواری اجتماع
۶۷	۴. استحکام پیوند خانوادگی
۸۶	۵. احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت
۹۲	۶. احترام به شخصیت دختر و پسر و شکوفایی استعدادها
۹۵	۷. لزوم اختلاط میان دختر و پسر در مدارس و دانشگاه ها
۱۰۲	۸. افزایش مفاسد و جرم و جنایات
۱۱۲	گفتار سوم

۱۱۲	روابط از منظر دین و اخلاق
۱۱۵	اسلام و حضور زن در اجتماع
۱۱۸	صحبت و مشورت کردن زن و مرد
۱۲۰	راه های ارضای غریزه ی جنسی
۱۲۰	اسلام و آرامش غریزه ی جنسی
۱۲۴	دیدگاه اسلام درباره ی مسائل جنسی چیست؟
۱۲۷	اهداف ازدواج
۱۴۴	گفتار چهارم
۱۴۴	آثار ارتباط و پیامدهای آن
۱۶۶	سخن آخر: چگونگی ارتباط «اصل حریم»
۱۶۸	۱. چگونگی روابط اجتماعی زن و مرد
۱۷۰	۲. کیفیت سخن گفتن در روابط اجتماعی
۱۷۴	گفتار پنجم
۱۷۴	احکام روابط
۱۷۷	احکام صحبت کردن صحبت کردن مرد با زن نامحرم چه حکمی دارد؟
۱۸۰	احکام نگاه به نامحرم نگاه مرد به زن مسلمان با چه شرایطی جایز است؟
۱۸۴	نگاه به عکس و فیلم آیا نگاه کردن به عکس کسانی که برای انسان جالب است اشکال دارد؟
۱۸۷	احکام تماس ها تماس بدنی زن و مرد نامحرم چه حکمی دارد؟
۱۹۱	احکام ازدواج و نامزدی
۱۹۴	کتاب نامه
۱۹۸	روزنامه ها و مجلات
۱۹۹	درباره مرکز

## جوانان و روابط

### مشخصات کتاب

سرشناسه : مقیمی حاجی، ابوالقاسم

عنوان و نام پدیدآور : جوانان و روابط / ابوالقاسم مقیمی حاجی

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی، 1380.

مشخصات ظاهری : ص 175

شابک : 964-93001-7-107000 ریال ؛ 964-93001-7-107000 ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : Youth.

یادداشت : کتابنامه: ص. 175 - 171؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : جوانان -- جنبه های جامعه شناختی

جوانان -- جنبه های اخلاقی

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

رده بندی کنگره : HQ799/5/م 7 ج 9

رده بندی دیویی : 305/23

شماره کتابشناسی ملی : م 7010-82

### فهرست مطالب

پیش درآمد \*\*\* پنج

پیش گفتار \*\*\* هشت

گفتار اول

زیربنای روابط \*\*\* 3

مکانیزم جذابیت جنس های مخالف<sup>4</sup>

رفتار و احساس دختر و پسر نسبت به یکدیگر در سنین مختلف<sup>8</sup>

آزادی مطلق روابط در غرب هیجانانگیزی را مضاعف ساخته است<sup>12</sup>

اوج هیجان و التهاب جنسی در جوانی و کنترل آن<sup>13</sup>

گفتار دوم

ارتباط چرا و چگونه؟<sup>19</sup>

دلایل توجیه کنندگان روابط آزاد<sup>20</sup>

1. احترام به عشق<sup>20</sup>

ردّ این دلیل<sup>20</sup>

عشق اصیل و حقیقی<sup>20</sup>

عشق اولین قربانی روابط<sup>21</sup>

روابط قبل از ازدواج و عدم تعهد در زندگی زناشویی<sup>24</sup>

عشق در عرفان اسلامی<sup>26</sup>

عشق عقیق، پل عشق حقیقی<sup>27</sup>

رابطه ی عشق های خیابانی و عشق عقیق و پاک<sup>30</sup>

عشق در فرهنگ اسلامی<sup>31</sup>

2- آرامش روانی و کاهش التهاب ها<sup>33</sup>

ردّ این دلیل<sup>33</sup>

تأثیر روابط آزاد بر انحراف اذهان و آشفتگی فکر<sup>33</sup>

روابط آزاد و سرکش شدن غریزه های جنسی<sup>34</sup>

رابطه ی قیود اجتماعی و ناکامی ها<sup>36</sup>





ردّ این دلیل \*\*\* 40

ترویج روابط آزاد و فلج شدن نیروی اجتماع \*\*\* 40

ضابطه مندی روابط و سلامت اجتماع \*\*\* 43

4- استحکام پیوند خانوادگی \*\*\* 44

ردّ این دلیل \*\*\* 44

آزادی روابط و بی وفایی به همسر \*\*\* 46

نگرانی از افشای روابط گذشته و متلاشی شدن زندگی زناشویی \*\*\* 48

تزلزل خانواده ها در غرب به روایت آمار \*\*\* 49

روابط آزاد هیچ گاه منجر به شناخت صحیح نمی شود \*\*\* 52

روش رسیدن به شناخت صحیح \*\*\* 53

1- ارزش یابی کفایت ادله \*\*\* 53

2- برخورداری از علم \*\*\* 53

3- کنترل حب و بغض \*\*\* 53

سرانجام آشنایی های تلفنی و ازدواج های خیابانی \*\*\* 55

عقد موقت، راهی شرعی برای شناخت کامل \*\*\* 57

تأثیر جداسازی دختر و پسر بر سن ازدواج \*\*\* 58

تفاوت جامعه ی ضابطه مند و جامعه ی آزاد در روابط جنسی \*\*\* 60

5- احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت \*\*\* 63

ردّ این دلیل \*\*\* 63

روابط آزاد و شکست های عاطفی و شخصیتی \*\*\* 64

6- احترام به شخصیت دختر و پسر و شکوفایی استعدادها \*\*\* 69

ردّ این دلیل \*\*\* 69

7- لزوم اختلاط دختر و پسر در مدارس و دانشگاه ها \*\*\* 72

ردّ این دلیل \*\*\* 73

مخالفت با اختلاط دختر و پسر در دانشگاه در جوامع غربی \*\*\* 73

دلایل موافقان اختلاط \*\*\* 74

ص: 2

ردّ دلایل مذکور\*\*\* 75

دلایل مخالفان اختلاط\*\*\* 77

8- افزایش مفاسد و جرم و جنایت\*\*\* 79

ردّ این دلیل\*\*\* 79

آمار خودکشی ها و سقط جنین ناشی از روابط آزاد در آمریکا\*\*\* 80

محدودیت روابط دختر و پسر و رابطه ی آن با هم جنس بازی\*\*\* 82

ریشه ی شیوع هم جنس بازی\*\*\* 84

ساختار غلط خانواده\*\*\* 84

ساختار روحی روانی نامطلوب نوجوان\*\*\* 85

قبیح هم جنس بازی در اسلام\*\*\* 85

هتك حرمت ها و خشونت های فیزیکی ناشی از روابط آزاد در آمریکا\*\*\* 87

گفتار سوم

روابط از منظر دین و اخلاق\*\*\* 91

اسلام و حضور زن در اجتماع\*\*\* 92

صحبت و مشورت کردن زن و مرد\*\*\* 95

راه های ارضای غریزه ی جنسی\*\*\* 97

1. ازدواج قانونی و شرعی\*\*\* 97

2. بی بندوباری و هرج و مرج جنسی\*\*\* 97

اسلام و آرامش غریزه ی جنسی\*\*\* 97

الف. ارتباط قانونی و انضباط جنسی\*\*\* 97

ب. هدایت و حمایت جوان\*\*\* 100

دیدگاه اسلام درباره ی روابط جنسی مشروع \*\*\* 101

اهداف و فواید ازدواج \*\*\* 104

1. ایجاد محیطی خصوصی برای آرامش و آسایش \*\*\* 104

2. تأمین نیازهای جنسی \*\*\* 104

3. دوستی و محبت و عشق \*\*\* 105

ص: 3

4. تکمیل و تکامل \*\*\* 105
5. بقای نسل و سلامت آن \*\*\* 106
6. سلامت و امنیت فردی و اجتماعی \*\*\* 106
- نظر جامعه شناسان غربی در مورد فواید ازدواج \*\*\* 107
- ازدواج و فرایند بلوغ \*\*\* 108
- بهترین زمان ازدواج \*\*\* 112
- روابط شرعی برای آشنایی قبل از ازدواج \*\*\* 114
- دوستی قبل از ازدواج \*\*\* 118
- گفتار چهارم
- آثار و پیامدهای ارتباط \*\*\* 123
1. آثار دنیایی \*\*\* 125
2. آثار معنوی و اخروی \*\*\* 126
- آثار منفی روابط از جهت اجتماعی \*\*\* 127
- آیا می توان در حرمت روابط دوستانه تشکیک نمود؟ \*\*\* 131
- ارتباط زن و مرد نامحرم در مکان خلوت و غیر خلوت \*\*\* 133
- ازدواج دائم و موقت در اسلام \*\*\* 135
- تأثیر چشم چرانی بر ایمان و اعتقادات \*\*\* 136
- ساخت و پخش فیلم های عاشقانه \*\*\* 141
- سخن آخر: چگونگی ارتباط «اصل حریم» \*\*\* 144
1. چگونگی روابط اجتماعی زن و مرد \*\*\* 145
2. کیفیت سخن گفتن در روابط اجتماعی \*\*\* 147

احکام روابط \*\*\* 153

احکام صحبت کردن زن و مرد نامحرم \*\*\* 154

احکام نگاه به نامحرم \*\*\* 157

نگاه به عکس و فیلم \*\*\* 161

احکام تماس ها \*\*\* 164

احکام ازدواج و نامزدی \*\*\* 168

کتاب نامه \*\*\* 171

روزنامه ها و مجلات \*\*\* 175

ص: 4

زن و مرد دو جنس متفاوتند که نوع آدمی را تحقق بخشیده و در حیات دنیوی، با برطرف کردن نیازهای جسمی و روحی، مکمل یک دیگر شده و آرامش و امنیت روحی را پدید آورده اند؛ قرآن از این حقیقت به لباس تعبیر کرده و زن و مرد را لباس یک دیگر معرفی نموده است؛ به همین دلیل، نوعی کشش و جاذبه از سوی هر دو جنس، مشاهده و احساس می شود. این نکته سبب شد تا روان شناسان و فیلسوفان و عالمان اخلاق درباره مکانیزم جاذب جنس های مخالف، سخن بگویند و به این مباحث پردازند که آیا جذب شدن دختر و پسر به یک دیگر برخلاف سرشت و نهاد آن هاست و نوعی انحراف از طبیعت اولیه ی انسانی به شمار می رود؟ آیا کشش دوستانه و تمایلات غریزی، تنها زائیده ی شهوت حیوانی و سرکش است، یا به بُعد انسانی نیز ارتباط دارد؟ اگر این جاذبه ها و کشش ها، طبیعی و زائیده ی بُعد انسانی است، پس چرا در اسلام روابط دختر و پسر محدود شده است؟ و آیا این محدودیت به ویژه در محیط جامعه و دانشگاه، در آینده ی جوانان، خسارت های جبران ناپذیری را فراهم نمی آورد؟ آیا هر نوع ارتباط دختر و پسر، ارتباط آلوده است و نمی توان از ارتباط معمولی و پاک و دور از

مسائل جنسی سخن گفت؟ و اصولاً ارتباط چرا و چگونه؟ آیا روابط دختر و پسر، همان احترام گذاشتن به عشق و محبت است؟ آیا ارتباط برای شناخت قبل از ازدواج یا برای جلوگیری از فساد، مؤثر است؟ اگر عشق زمینی، پیش درآمد عشق الهی است، پس چرا با آن مخالفت می شود؟ برخی بر این باورند که تفکیک دختر و پسر در مدارس، آمادگی زندگی را منتفی می سازد و يك مشت دختر افسرده و پسر عقده ای تحویل جامعه می دهد، آیا این خسارت ها واقعی است؟ پس چرا بسیاری از روان شناسان از خدشه دار شدن بهداشت روانی جوانان بی بندوبار و افزایش مفاسد و جرم و جنایت خبر داده اند؟ و یا سرانجام نگران کننده ی دوستی های تلفنی و ازدواج های خیابانی را گوشزد نموده اند؟ اینها نمونه ای از پرسش هایی است که نسل معاصر را به خود مشغول ساخته و عالمان را وادار به پاسخ دادن کرده است؛ اما اسلام عزیز، هم در مورد مسائل جنسی و هم در زمینه ی ارتباط دختر و پسر، دیدگاه و راه حل دارد. نه حبس زنان در خانه را توصیه می کند و نه روابط بی ضابطه و نامشروع را تجویز می نماید. حریم ها را با عشق و محبت سالم و شرعی، جمع نموده و بر آثار و فواید و اهداف ازدواج تأکید می ورزد. نوشتار حاضر که به همت محقق محترم جناب آقای ابوالقاسم مقیمی حاجی نگاشته شده است به چالش ها و چاره جویی های روابط جوانان پرداخته و پرسش های فوق را پاسخ داده است. امیدوارم این پژوهش،



راهنمای مفیدی برای نسل جوان و آگاه ما باشد و تا حدودی دغدغه های آنها را کاهش دهد. تا به راحتی بتوانند به زندگی سالم و معنوی دست یابند. در پایان از تمام همکاران مرکز که در سامان دادن این اثر تلاش نمودند تشکر می نمایم، به ویژه از جناب آقای طوسی، مدیر محترم گروه مشاوره و تربیت و نیز آقایان کریمی، آل غفور، صدرالسادات، داعی نژاد و مخصوصاً جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین سید هاشم حسینی بوشهری، مدیر محترم مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه. عبدالحسین خسروپناه جانشین مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه 21 جمادی الثانی 1422 / بهمن 1380 سال گشت پیروزی انقلاب اسلامی

ص: 7

در جامعه‌ی کنونی با پیشرفت علم و صنعت و فن آوری، روش زندگی به گونه‌ای دیگر تغییر یافته است. اجتماع كوچك روستا به شهر تبدیل شده، شهرها وسیع تر و جهان به سوی دهکده‌ی بزرگ در حرکت است. و انسان از زندگی فردی و وابسته به افراد محدود خارج گردیده و در ارتباطی فراگیر با يك جامعه روبه‌رو است. قلم سرنوشت در زندگی فردی و تحصیلات و شغل انسان امروزی، که جزئی كوچك در این خانواده‌ی بزرگ می‌باشد، ارتباط با صدها نفر را رقم زده است. هر انسانی که در تکاپوی دست‌یابی به سعادت و خوش بختی است، باید هزینه‌ی بسیاری در چگونگی روابط خود در زندگی فردی و اجتماعی صرف نماید. امروزه ارتباط زن و شوهر، پدر و مادر با فرزندان و سایر اعضای خانواده با يك دیگر و ارتباط آن‌ها با افراد پیرامون خود، دست خوش تغییرات زیادی شده و آنچه بیش‌تر از همه به خصوص در جامعه‌ی اسلامی، قابل توجه است، ارتباط زن و مرد نامحرم و به ویژه دختر و پسر در زندگی روزمره‌ی کنونی است. در این وضعیت دختر و پسر، بی‌توجه و غافل از

يك ديگر رشد نمي كنند، بلكه هر يك از ابتدای زندگي و تحصيلات از درون خانه و روابط فاميلي گرفته تا دانشگاه و محل كار با اين پديده ي جديد و ارتباط ناخواسته روبروست. و بديهي است طبيعت جواني و جاذبه هاي ظاهري بر التهاب و حساسيت آن مي افزايد. نکته ي اساسي در ارائه ي راه كارهاي مناسب و عملي براي سوق دادن جامعه به سوي تكامل و بالندگي است. بحث روابط دختر و پسر در مجلات و روزنامه ها به بهانه هاي مختلفي مطرح شده كه در بيش تر موارد، تنها به طرح اين مسئله به عنوان يكي از دغدغه هاي ذهني جوانان اکتفا شده است. از آن جا كه اين بحث از حساسيت ويژه اي برخوردار است و نگاهی دقيق و علمي را مي طلبد، زماني مي توان به راه كاري صحيح و شيوه اي عقلايي دست يافت كه به همه ي يافته هاي علمي از قبيل معارف ديني و نظرات كارشناسان علوم تربيتي و علوم اجتماعي توجه نمود و با منطقي درست و گويابا نسل جوان به گفت و گو نشست. اين نسل با همه ي ويژگي و استعدادهايش نقش ارزنده اي در شكل گيري جامعه ي انساني دارد و رشد و بالندگي اجتماع در گرو چگونگي رشد و تعالي او است.

آنان خواستار آشنايي بيش تر با فرهنگ اصيل اسلامي بوده، به دنبال شناسايي حدود و احكام روابط زن و مردند و پرسش هاي گوناگوني درباره ي مسائل

مربوط به ارتباط و دل بستگی ها و مانند آن دارند که باید با بیانی روشن و شیوا و نگاهی جامع و مستند و با بهره گیری از مدل ارتباطی مناسب، به آن ها پاسخ گفت. در این مجموعه سعی شده با استفاده از آیات و روایات و متون دینی و با استناد به نظرات کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی و با ارائه ی آمار و ارقام، به مسئله ی رابطه ی دختر و پسر پرداخته، دلایل ارتباط و اختلاط، راه کارهای پیشنهادی، انواع روابط، همچون: رابطه ی عاشقانه، دوستی خیابانی، رفاقت های معمولی و ارتباط تلفنی و... را بررسی کنیم و آن را از زوایای مختلفی مورد ارزیابی قرار دهیم. در پایان با سپاس از آن یگانه محبوب که این توفیق را نصیبم نمود، از همه ی عزیزانی که در تهیه و تنظیم این کتاب بنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم. امیدوارم این مجموعه گامی در جهت تحکیم هم اندیشی و در راستای ترویج و تبیین تعالیم تربیتی اسلام برداشته باشد و مورد قبول حضرت دوست و همه ی صاحبان اندیشه قرار گیرد. ابوالقاسم مقیمی حاجی 26 / دی / 1380 / ذی قعدة / 1422. سالروز میلاد حضرت فاطمه ی معصومه (س).











1 زیربنای روابط زندگی ارزش آن را دارد که با چشم باز و دلی آگاه به آن نگاه کنی و اگر در پی «آب» هستی، گرفتار «سراب» نشوی. دل بستن به اندیشه های رؤیایی و زیستن در عالم خیال، شایسته ی عاقلان فرزانه نیست. تو در پی خوش بختی هستی، همه ی آنان که در اطراف تو زندگی می کنند، دنبال سعادتند و می خواهند خوب زندگی کنند؛ ولی ... خوش بختی چیست؟ خوب زیستن کدام است و خوب کیست؟ بعضی ها ندانسته، زندگی را به جهنمی سوزان تبدیل می کنند که هیزم آن خودشانند این دوزخ هولناک گاهی از يك زاویه ی كوچك انحراف یا اشتباه آغاز می شود. زندگی های آلوده به هوس، خرمن خشکی است که جرّقه ی بیگانگان در يك لحظه آن را آتش می زند و خاکستر می کند؛ این جاست که نگاه روشن و زاویه ی دید صحیح، کارساز است. ما دو بار عمر نمی کنیم که در یکی تجربه بیندوزیم و در دیگری به کار بریم. در همین يك نوبت باید چنان زندگی کنیم که به حسرت گذشته

ص: 3

گرفتار نشویم. (1) خداوند انسان را آمیزه ای از ظرفیت ها و استعدادهاى مختلف آفرید و او برای رسیدن به کمال حقیقی و سعادت واقعی، باید در جهت شکوفایی همه ی استعدادها گام بر دارد و به تمام جهات مادّی و معنوی زندگی پردازد.

### مکانیزم جذابیت جنس های مخالف

نکته ی مهم، شناخت صحیح نیاز طبیعی انسان و درك درست آن است تا در ارائه ی راه حل ها به خطا نرویم. مکانیزم جذابیت جنس های مخالف نسبت به هم بر چه اساس است؟ آیا جاذبه ی دختر و پسر برای يك دیگر بر خلاف سرشت و نهاد آن هاست و نوعی انحراف از طبیعت اولیه ی انسان به حساب می آید؟ (2) نیاز طبیعی دختر و پسر به يك دیگر: در خلقت بشر، زن و مرد مکمل نیازمندی های روحی و روانی يك دیگرند و هر يك بدون دیگری احساس فقر و نیاز نموده، به آرامش واقعی دست نمی یابند. انسان به عنوان موجودی طبیعی و با داشتن بعد مادی و جسمانی، ناچار با جهان طبیعت در ارتباط حیاتی و وابستگی متقابل است؛ به صورتی که قطع این وابستگی ها مساوی با نابودی او خواهد بود. اگر انسان می توانست بدون وابستگی به طبیعت و علایق مادی، به مقصود نهایی خویش در خلقت نایل شود، قطعاً پروردگار حکیم نیز او را به دامن طبیعت جسمانی نمی سپرد. خصوصیات جسمانی، علایق روحی

ص: 4

---

1- جواد محدثی، نگاه تا نگاه، ص 5، با کمی تصرف.

2- از پرسش های رسیده به مرکز.

و روانی، جدّابیت های متقابل بین طرفین (زن و مرد) به خصوص در سنین جوانی، از این قاعده ی کلی مستثنا نیست. البتّه هر کدام از دو طرف دارای جدّابیت ها و ویژگی هایی است که به طور اجمال بدان اشاره می کنیم. دختر بنا به لطف الهی، بعد از بلوغ به آرامش و تعادل روحی عمیقی دست می یابد و تجلّی گاه زیبایی های الهی می شود. صورت معصوم و چشمان نکته سنج و اندام ظریفش و از این مهم تر عفت و حیا و افتادگی نگاهش، خرامان راه رفتن و وقار زیبای او و هر کلام و حرکتش، سرشار از چنان جدّابیت سحرآمیزی است که هر مرد خشن و بی احساسی را تحت تأثیر قرار می دهد. (1) زن شاه کار آفرینش و سرچشمه ی جوشان مهر و محبت است و در ساختار وجودی خود، متمایل به مرد آفریده شده و به دنبال تکیه گاه محکمی است که در فراز و نشیب زندگی یار و یاورش باشد. او طالب آن است که توجه مرد را به شخصیت و موقعیت عاطفی و ابعاد وجودی خود جلب نماید. او در برخوردها و معاشرت های خویش با مردان، انگیزه ی جنسی نداشته و قصد اولیه ی او بی عفتی و لذت جویی شهوانی نیست؛ بلکه خواستار کسی است که از وجود پر رمز و رازش باخبر باشد (2) و موقعیت عمیق عاطفی و روح فداکاری و صداقت او را پاس دارد و از روی صداقت و پاکی، نگاه و توجه مردان را نشانه ی احترام و ابراز محبت خالصانه و توجه به ارزش های غیر جنسی خویش می پندارد. به همین جهت مردانی را می پسندد که ارج و منزلت او را درک کنند و با روح و روانش دمساز باشند.

ص: 5

---

1- هیئت تحریریه ی مؤسسه ی در راه حق، جوانان و ازدواج، ص 3 و 4.

2- ویل دورانت، لذات فلسفه ترجمه ی عباس زریاب، ص 134.

زن به دنبال تقدیس از جانب مرد و در آرزوی آن است که تنها ملکه ی کاخ عشق و محبتش باشد،<sup>(1)</sup> و به قول ویل دورانت: «زن فقط وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه ی حیات اوست.»<sup>(2)</sup> پسر نیز پس از بلوغ، به طور طبیعی سرشار از تمایلات غریزی است و نیازمند روابطی دوستانه و محبت آمیز بوده، بدون جنس مخالف، نه در مراقبت از تمایلات سرکش و شهوانی خود تواناست و نه در رشد استعدادهای اجتماعی موفق است و در تنهایی، دچار فشار ذهنی شدید و بی حوصلگی است و در انجام کارها سریع خسته و بی انگیزه می گردد. او در پی کسی است که خلاء و کمبود و نقصان خویش را با وجودش کامل نماید و تکیه گاه و مشوقی را می جوید که در درون او حضور یابد و احساس تنهایی اش را از درون برطرف سازد. و با نرمی و لطافت، خشکی و خشونت زندگی را هنرمندانه از یادش ببرد. مرد، نیازمند کسی است که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاه و کلام پرمهرش، او را در مواجهه با ناملایمات زندگی امید بخشد و با اتکا به عشق و محبتش سردی ها و سختی های روزگار را پشت سر گذارده، هم چون آینه ای شفاف، خود را در او بازیند تا شخصیت و اخلاق خویش را به خوبی بنا نهد.<sup>(3)</sup> مرد فطرتا طالب دختری است که مانند بنفشه، محبوب و سلیم الطبع و ساده و عقیف و در عین حال دارای کمال لطف و دلبری باشد.<sup>(4)</sup>

ص: 6

- 
- 1- شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 148.
  - 2- ویل دورانت، لذات فلسفه، همان، ص 122.
  - 3- مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه بر روان شناسی زن، ص 79.
  - 4- راوریزان مادرن، زن در عصر جدید، ص 152. ر.ك: (مقدمه ای بر روان شناسی زن) همان، ص 135.

در منظر پسر و دختر، هر چند وجود عزیز پدر و مادر بسیار ارزشمند است و مصاحبت با آنان و یا خواهر و برادری مهربان، تسکین دهنده ی لحظات تنهایی است، اما نیاز پسر و دختر محرمیتی بالاتر از این ها می طلبد. طبیعت زندگی شان اقتضا دارد که آن دو مافوق نیازهای جسمی و مادی به هم بنگرند و رابطه ی خویش را بر مبنای عشق و محبت راستین و جوشیده از نهاد و درون استوار سازند. «ویل دورانت»، به نقل از کتاب مهمانی افلاطون از قول «آریستوفان» آورده است: هر يك از ما، در جدایی فقط نیمه ای از انسان است و همیشه نگران آن نیم دیگر است (1). این نیازمندی ها که در سرشت بشر نهاده شده، از اسرار حکمت الهی است. نکته ی اساسی، بسترسازی مناسب برای پاسخ گویی به آن بوده تا دختر و پسر در مسیر زندگی تکاملی خویش، شادمانه و سرافراز از این میدان، گذشته و در فردایی روشن، خود را در کانونی گرم و سرشار از عشق و صفا ببینند.

ص: 7

---

1- ویل دورانت، لذات فلسفه، همان، ص 122.

## رفتار و احساس دختر و پسر نسبت به یکدیگر در سنین مختلف

چرا دختر و پسر را از سنّ کودکی جدا نمودند تا در سن جوانی در محیط جامعه و دانشگاه با حسّاسیتی دو چندان، به دنبال شناخت دنیای جنس مخالف و جبران کمبودهای گذشته باشند؟ (1) در پاسخ به این پرسش توجه به چند نکته ضروری است: 1. برای روشن شدن درستی یا نادرستی جداسازی، باید دید بر اساس نظر روان شناسان و کارشناسان علوم تربیتی، نیاز روحی - روانی کودک و نوجوان نسبت به جنس مخالف چگونه است. دختر و پسر پس از دوران کودکی از هم جدا شده، هرکدام در دنیای متفاوت از دیگری پای به دوران نوجوانی می نهد. در این دوران، دختر و پسر نسبت به جنس مخالف هیچ گونه احساسی نداشته، یا دارای حسّاسیت منفی اند؛ بنابراین خواه باهم باشند یا بدون هم، در واقع جدای از یکدیگر رشد نموده و بعد از این مرحله با بیداری غرایز، به یکدیگر روی می آورند و با دنیای ناشناخته ای روبه رو می شوند. این دنیای ناشناخته، سبب ناراحتی آن ها می شود و با بیداری بیش تر غرایز جنسی، حسّاسیت و توجه آن ها به یکدیگر بیش تر می شود. رفتار کودک در دوران پیش از دبستان، در برخورد با جنس مخالف و موافق، چندان متفاوت نیست؛ به عبارت دیگر، در این دوره، کودک در برخورد با دختران و پسران هم سن خود، تقریباً یکسان رفتار می کند. در حقیقت دوران پیش از دبستان را می توان دوره ی یک رنگی و یگانگی دو جنس دانست. این گونه برخورد، پس از پایان این دوره دیگر تکرار

ص: 8

نخواهد شد. در دوره ی دبستان به تدریج رفتار دوگانه و مخالف خود نمایی می کند. در این دوره پسران و دختران از يك دیگر فاصله گرفته، نسبت به هم موضع می گیرند. دختران معمولاً با دختران به بازی و گفت و گو مشغول می شوند و پسران نیز با پسران. این فاصله گرفتن، گاه با پرخاش نسبت به هم و بدگویی و شکایت از يك دیگر، همراه می شود. خواهران و برادرانی که در يك خانه زندگی می کنند، این تعارض را به صورت جدال و قیل و قال و قهر و شکایت و... از خود بروز می دهند. پسران (در آن سن) دختران را موش می نامند که مثل خرگوش هستند ولی خود را مثل شیر و شمشیر می دانند؛ گاه دختران نیز همین کار را با پسران می کنند. به این ترتیب، این دوره را باید دوره ی تعارض در رفتار اجتماعی دو جنس، بدانیم. در دوران پس از دبستان، به تدریج فاصله گرفتن دو جنس، آغاز می شود. دختران و پسران در این دوره به تدریج از هم دور می شوند و گویی با يك دیگر قهرند. آن تعارض دوران دبستان نیز به تدریج از بین می رود.

بیش تر نوجوانان در دوازده - سیزده سالگی، این دوری و فاصله را نسبت به جنس مخالف، در درون خود احساس می کنند. (1) غرایز جنسی بین شش تا دوازده سالگی متوقف می ماند و پسران و دختران از این لحاظ تفاوت چشم گیری با هم ندارند. (2) سپس در دوران نوجوانی به يك دیگر تمایل پیدا می کنند و این تمایل برای هر دو جنس،

ص: 9

---

1- دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص 72 و 73؛ علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، ص 473.

2- موریس دبس، بلوغ، ص 47، به نقل از روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص 113.

ناراحت کننده است؛ زیرا تحوّل است که با خواسته ی قبلی هرکدام مخالف است. (1) اما سال های نوجوانی، سال های بیداری غریزه است. این غریزه، انسان را به سوی جنس مخالف سوق می دهد. در چنین اوضاعی اگر تعارض بین گرایش و عدم گرایش به طرف جنس مخالف، شدت بگیرد، نوجوان دچار آشفتگی می شود و دست به رفتارهای متعارض می زند. اگر عوامل محرک غریزه ی جنسی نوجوان را تا حد امکان کنترل کنیم، به گونه ای که این غریزه بیداری خود را به تدریج و بسیار آرام آغاز کند، می توانیم امیدوار باشیم که دوری روحی نوجوان از جنس مخالف، فرصتی خواهد بود برای پختگی بیش تر و شناخت دقیق تر از جنس مخالف. به این لحاظ است که کنترل و کاستن عوامل تحریک کننده ی جنسی، از ضروریات تربیتی در دوره ی نوجوانی است. و با بیداری تدریجی، نوجوان فرصتی می یابد تا آشفتگی های خود را در این مدت که در ابعاد مختلف با آن روبه روست، تا حدی تعادل بخشد و در اواخر نوجوانی گرایشی انسانی به طرف جنس مخالف در خود احساس خواهد کرد. این احساس، مقدمه ی خوبی برای ازدواج و تشکیل خانواده است. (2) در نتیجه، طبق نظر کارشناسان، دختر و پسر از کودکی، براساس ساختار روحی - روانی با جنس موافق رشد نموده، احساس نیاز به جنس مخالف ندارند و این دوری می تواند زمینه ای مناسب برای شناخت

ص: 10

---

1- علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، همان.

2- دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر، ص 72 و 73؛ هم چنین، علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، ص 473.



صحیح شود. (1) و اختلاط بی حدّ و مرز و تعجیل در روابط و تحریک زودرس، نوجوان را که باید با آرامش و فراغت به دنبال پایه ریزی اندیشه و آینده و هویت خود باشد، دچار آشفتگی های روحی و ذهنی نموده، غرق در اضطراب و التهاب می نماید و از دست یابی به اهداف بلند باز می دارد. البته لازم است، جوانان و نوجوانان شناخت درستی نسبت به جنس مخالف داشته، از تصوّرات تخیلی اجتناب کنند و از جنس مخالف، موجودی ماورایی و فرشته ای آسمانی و ... نسازند. هر یک از دختران و پسران باید بدانند که جنس مخالف، هم چون خود آنان، دارای ویژگی های مثبت و منفی گوناگونی است، و در عین برخورداری از توانمندی ها، دارای ضعف ها و ناتوانی هایی نیز می باشد و برای خود سلیقه ها و خصوصیات اخلاقی خوب و یا بدی دارد. و همانند خواهران و برادرانشان، انسانی معمولی است و به اندازه ی کافی وقت دارند تا یک دیگر را بشناسند. این نوع شناخت، به همراه کنترل عوامل محرک جنسی، التهاب و هیجان را در سن جوانی به حدّ متعادل رسانده، جوان را به سوی پاسخی صحیح و انتخاب راه درست و فرد مناسب برای عشق و زندگی رهنمون می سازد. 2. جدا سازی دختر و پسر در مدارس و مراکز علمی، تنها در ایران مرسوم نیست، بلکه از دیرباز تا کنون در بسیاری از کشورهای شرق و غرب متداول بوده است و امروزه در میان اندیشمندان علوم تربیتی دارای موافقان و طرفداران بسیاری است که در مباحث بعدی بدان خواهیم

ص: 11

---

1- دکتر علی اصغر احمدی، همان، ص 72 و 73. هم چنین، علی اکبر شعاری نژاد، همان، ص 473.

پرداخت. 3. نکته ی دیگر آن که اگر اختلاط از سنین کودکی و نوجوانی، سبب کاهش التهاب و حساسیت در جوانی می شود و شناخت معقولی را ایجاد می کند، چرا در جوامع غربی که آزادی مطلق دارند، باز دختر و پسر با دو صد حساسیت و هیجان جنسی، غرق در شهواتند و علی رغم معاشرت های آزاد و دیدن انواع فیلم ها و مجلات و ... این عطش هولناک سیراب نشده است؟ در ارتباط دختر و پسر، قائل به ارتباطی آلوده نیستیم، بلکه مقصود ما ارتباط و رفاقت معمولی و پاک و به دور از مسائل جنسی است. چرا از این گونه روابط جلوگیری می شود؟(1)

### آزادی مطلق روابط در غرب هیجان جنسی را مضاعف ساخته است

در اسلام صحبت کردن و برخورد عادی زن و مرد، جایز است و آنان می توانند فارغ از دغدغه های شهوانی، به کار و فعالیت و تحصیل پردازند؛ اما فعالیت مختلط در همه ی مراکز و مجامع امر پسندیده ای نیست؛ به ویژه برای جوانان که آمیزه ای از غرایز مختلفند. زیرا قدرت کشش و نیروهای تحریکی تمایلات انسان، یکسان و مساوی نیستند. انگیزه ی بعضی از تمایلات، بسیار قوی و نیرومند است و قدرت کشش پاره ای از خواهش ها متوسط و یا ضعیف است. در جوانی، غرایز جنسی و احساسات و شیفتگی به جذابیت های ظاهری، در حدّ زیادی خودنمایی کرده، حاکم بر دوستی ها و تصمیم گیری های جوانان است. «موریس دبس» گوید:

ص: 12

دیر یا زود غریزه ی جنسی، مخصوصاً در نزد پسران، تا سر حدّ وجدان نفوذ کرده و تحریکات شهوانی هم چون تصادم امواج به ساحل، شروع به مبارزه می نماید. عمل این غریزه آن قدر قوی است که در واقع، مرکز تحریکات مستقیم برای تمام آرزوهای اعضای مختلف بدن می گردد. تأثیر غیر مستقیم آن خیلی بیش از این ها است. وجود آن به کلی زندگی قلبی و تظاهرات محبت آمیز انسان را تحت تأثیر خود قرار می دهد تا جاییکه در سن هفده - هجده سالگی، مالک اصلی [حساسیت انسان] می شود و آن گاه تمام تظاهرات محبت آمیز انسان از غریزه ی جنسی سرچشمه می گیرد. (1) بدیهی است در ایام جوانی، شوق جنسی و احساسات بر روان آدمی سایه انداخته، ناخودآگاه به رفتار و سخن و نگاه جوان رنگ و لعابی دیگر می بخشد. در این میان، چنان التهاب و هیجان به اوج می رسد که آهنگ صدا و رفتار و حرکات را تحت تأثیر قرار داده و حتی تصوّر رفاقت و هم سخن شدن و حسّ گرمای وجود دیگری، قلب را به تپش مضاعف وا می دارد و تأثیر پذیری و تحریک را دو چندان می نماید. «ویل دورانت» پس از بیان تحریک پذیری جوانان در برخورد با جنس مخالف می گوید:

در این سن، جوان در برابر هزارها محرک که قبلاً آن ها را حس نمی کرد، حسّاس می گردد. بعضی از صداها این حسّاسیت جوانی را بر می انگیزد... بعضی از عطرها [آن را] تحریک می کند. (2) و در جای دیگر کتاب خود، درباره ی حکومت شهوت در طول عمر،

ص: 13

---

1- چه می دانم از بلوغ، ص 46، به نقل از گفتار فلسفی، جوان، ص 307.

2- لذات فلسفه، 115 و 125.

می نویسد: رسم بر این است که طغیان شهوت را به دوره ی جوانی منتسب سازند؛ ولی در حقیقت تا نیرویی در بدن هست، شهوت نیز پای بر جای است. (1) «کارن هورنای»، علی رغم ردّ صریح این نظریه ی فروید که پشت سر هر گونه محبتی يك انگیزه ی شهوی و عقده ی جنسی وجود دارد، می نویسد:

ارتباط زیادی بین محبت و تمایلات جنسی ملاحظه می کنیم؛ مثلاً بسیاری از تمایلات و کشش های جنسی، اولش با مهربانی و دوستی صاف و ساده شروع می شود؛ گاهی هم شخص ممکن است دارای تمایلات جنسی باشد، ولی خودش آن را با تمایل به مهرورزی اشتباه کند. چنان که کشش های جنسی هم ممکن است انگیزه ی احساسات محبت آمیز باشد یا کم کم مبدل به احساسات محبت آمیز گردد؛ با وجودی که این تغییر و تبدیلات حاکی از آن است که ارتباط نزدیکی بین تمایلات جنسی و احساسات محبت آمیز وجود دارد (هر چند این ها دو نوع احساس متفاوت می باشند). (2) با توجه به نیاز و کشش درونی دختر و پسر، به ضمیمه ی شرایط ویژه ی بلوغ و بیداری غرایز جنسی و تحریک پذیری جوانان، باید اعتراف نمود گسترش و عادی سازی روابط، بستری مناسب برای کشیده شدن جوانان به سوی لذایذ شهوانی و زمینه ساز روابط جنسی است که در صفحات آینده با آثار و تبعات آن آشنا می شویم.

ص: 14

1- همان،

2- کارون هورنای، عصبانی های عصر ما، ترجمه ابراهیم خواجه نوری، ص 191.

در گزارشی که «جاناتان راس»، روزنامه نگار انگلیسی، به دنبال تحقیقاتی روان شناسانه منتشر کرده، نگرانی خویش را از خشونت جنسی ابراز داشته است. وی با ارائه آمار، اظهار می کند که بیش تر مردان غربی، نسبت به زنانی که با آنان از صبح تا شام در ارتباط هستند، (از قبیل: هم کار و هم کلاس و...) در آرزوی آمیزش همراه با خشونت شدید، تا حد قتل، می باشند. (1) حال با کمی تأمل و واقع بینی در خود و محیط اطراف، به خوبی در می یابیم که بسیاری از دلایل و بهانه های مختلفی که در توجیه روابط ذکر می شود، برخاسته از همین نیاز درونی است و از آن جا که شرایط مناسبی برای پاسخ گویی صحیح و طبیعی وجود ندارد، سبب به وجود آمدن روابط خیابانی و آشنایی های تلفنی می شود. در این جا مسئولیت سنگینی بر دوش خانواده ها و مسئولین جامعه است. جوان در سن جوانی و در اوج شور و احساسات خود نیازمند روابطی محبت آمیز و سرشار از عشق و صفاست و از عمق جان خویش این نیاز را احساس کرده، با تمام وجود ندای طلب آن را می شنود و در پی راهی برای پاسخ به آن است. و اگر راهی صحیح و ساده نیابد، خواسته یا ناخواسته به راه های دیگر کشیده می شود. اگر خانواده ها با راهنمایی و فراهم نمودن شرایط مقدماتی به کمک آن ها نشتابند و مسئولین اقتصادی و فرهنگی جامعه، به دنبال چاره جویی و بر طرف نمودن موانع موجود برنخیزند، دیگر نمی توان انتظار زیادی از جوانان داشت و تنها آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار داد. در نتیجه، برای آرامش و کنترل غرایز در افراد، رعایت نکات ذیل لازم

ص: 15

---

1- دکتر ثریا مکنون و مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص 211.

است: الف. ارضای تمام غرایز موجود در انسان در حدّ حاجتِ طبیعی به طور معقول و مطلوب؛ (1) ب. جلوگیری از تحریکِ غرایز؛ به خصوص غریزه ی جنسی؛ (2) ج. گسترش میدانِ فعالیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ورزشی. از آن جا که با اعتراف به حسّاسیت و تمایلاتِ غریزی، توجیهی برای عادی سازی روابط و تطهیر آن باقی نمی ماند، دیده می شود در برخی مطبوعات بدون ارائه ی مستند علمی، این اصل و نقش آن را انکار کرده و روابط موجود را عاری از دغدغه های جوانی دانسته، آن را بدون تبعات منفی معرفی می کنند! اما روی سخن ما با جوانان فهیم ایرانی است: در شرایط فعلی جامعه چه باید بکنیم و چه راهی را باید انتخاب نماییم تا به سعادت و خوش بختی واقعی دست یابیم؟ در بخش های آینده دلایل روابط و پیامدهای آن را بررسی می کنیم.

ص: 16

---

1- شهید مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص 112.

2- همان.

گفتار دوم

ارتباط، چرا و چگونه؟

ص: 17





ارتباط، چرا و چگونه؟ در چند سال اخیر، در مجله‌ها و مقالات بسیاری به موضوع روابط دختر و پسر پرداخته شده است و به بهانه‌های مختلفی چون: کاهش حساسیت‌ها(1)، شناخت قبل از ازدواج(2) یا پیشرفت فرد و جامعه(3) و یا برای جلوگیری از فساد(4) موضوع روابط آزاد، مطرح می‌شود. عده‌ای این گونه روابط را از زاویه‌ی عشق و عاشقی، پسندیده می‌دانند(5) و برخی، جلوگیری از آن را موجب عقده‌ای شدن جوانان و یا به وجود آمدن اثرهای نامطلوب بر فرد و جامعه می‌پندارند. اما همان‌طور که در صفحات پیشین ذکر شد، جاذبه‌ی جوانان به جنس مخالف، امری طبیعی و فطری است و دختر و پسر بعد از بلوغ علاقه‌ی وافری به یکدیگر می‌یابند. نکته‌ی مهم، شناخت راه‌کاری درست برای پاسخ‌گویی به این نیاز است. در این بخش دلایلی را که برای توجیه روابط آزاد و یا به عنوان عامل محدودکننده ذکر می‌شود، مطرح نموده، با کمک خرد و وجدان به قضاوت می‌نشینیم.

ص: 19

- 
- 1- هفته‌نامه‌ی آبان، ش 112، ص 7، 9/11/78؛ و ایران جوان، ش 156 و ش 134، ص 27 و 28.
  - 2- ایران جوان، ش 135، ص 35.
  - 3- هفته‌نامه‌ی پیام‌ها، ش 53، ص 6، 12/10/78.
  - 4- ایران جوان، ش 135، ص 23.
  - 5- همان.

### 1. احترام به عشق

آیا عشق، این گوهر گران بهای زندگی، ناپسند و مذموم است؟<sup>(1)</sup>

عاشق شدن گناهی ندارد. اگر عشق نباشد، هیچ چیز زیبا نیست. بگذارید دختران در مدارس آماده ی زندگی، عشق و ازدواج شوند.<sup>(2)</sup> زیباترین و تعالی بخش ترین جنبه ی هستی انسان، عشق است؛ ولی حاکمیت در ایران، به تصویر کشیدن رابطه ی عاشقانه بین دو انسان، ولو زن و شوهر باشند، را گناه آلود می داند.<sup>(3)</sup> عشق اصیل و حقیقی، والاترین تجربه ای است که يك انسان می تواند به آن برسد و تنها چنین عشقی است که شکوفایی نهایی استعدادهای جسمی و روحی و عاطفی زن و مرد و غور آن ها در اعماق ضمیر خود و یا هستی را ممکن می سازد. عشق، لازمه ی استمرار زندگی و مایه ی نشاط روحی و عمیق ترین ارتباط قلبی و محکم ترین تعهد انسانی است. اگر زن و مرد، پروانه های شمع عشق باشند، زیباترین زندگی را به تصویر می کشند. عشق مافوق نیازهای جسمی و مادی است؛ زیرا نیاز مادی و شهوانی، چیزی جز يك نیاز موقتِ بدنی نیست که به مجرد تخلیه ی انرژی فشرده ی جنسی به پایان می رسد؛ اما شور عشق همیشه باقی است. میان عشق و هوس و شهوت فرق بسیار است. بنابراین به پاس احترام عشق و عاشقی و برای پاسداری از این موهبت الهی، ترویج روابط آزاد پسندیده نیست.

ص: 20

---

1- از پرسش های رسیده به مرکز.

2- ایران جوان، 5/10/78، ش 156، ص 2.

3- ایران فردا، 22/10/78، ش 66، ص 30، ناصر ایرانی.

به اعتراف دانشمندان اروپایی، در جوامع آزاد که جاذبه های ظاهری و شوق جنسی حاکم است، عشق، اولین قربانی است. (1) در این صورت، عشق های برخاسته از نهاد و درون، به افسانه تبدیل شده، جز مدعیان دروغین، کسی یافت نمی شود؛ زیرا پسری که هر روز با دختری می گردد و هر دم که نگاه می کند، عده ای را در حال جلوه گری می بیند، دیگر تنوع طلبی در او حاکم شده و از عشق و انتظار به دور است. به راستی آیا جوانی که همیشه به دنبال چشم چرانی است، می تواند مدعی عاشقی باشد؟! عاشق کسی است که در راه رضای معشوق، از هر چه دارد بگذرد و چشم از همه، جز جمال محبوب بیند. عاشق نه تنها از خواب و خوراک، بلکه از غریزه ی جنسی و خواسته های قلبی خویش نیز غافل می شود و جز یاد معشوق به کسی نمی اندیشد؛ اما جوانی که در پارتی های شبانه با دختران و پسران است و در کوی و خیابان و... دل به عشق بازی این و آن سپرده است، آیا چیزی جز شهوت و هوس می داند؟! «موريس مترلینگ» می گوید: عشق در تمامی موجودات وجود دارد، ولی درك آن تابع شرایطی است که تا آن شرایط جور نشود امکان آن وجود ندارد... بعضی آن را منحرف می کنند و ندانسته به صورت تمتع از لذات، مصرف می نمایند و هیچ از حقیقت آن برخوردار نمی شوند. (2) بدون تردید گسترش و عادی سازی روابط دختر و پسر، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی خواهد بخشید و تجربه هایی را برایشان میسر

ص: 21

---

1- مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص 73 و 74.

2- موريس مترلینگ، عقل و سرنوشت، ج 3، ص 146.

ساخته، لذت های زودگذری را فراهم می آورد. با تکرار این صحنه ها هوس جانشین عشق، تنوع طلبی به جای وفاداری، و دل هر جایی و سیری ناپذیر جایگزین دلدادگی و تعهد می شود. هر که خود را رایگان و ارزان به این و آن بفروشد، معلوم می شود از بازار قیمت انسان بی خبر است. هر کسی هم که زود عاشق شود و مرتب معشوق عوض کند، معلوم است که عشق را به بازی گرفته یا خودش بازیچه ی هوس شده است. بازی گر و بازیچه بودن، هر دو، مایه ی شرمندگی است. باید درباره ی مرز میان عشق و هوس بیش تر اندیشید. (1)

عشقی که نه عشق جاودانی است

بازیچه ی شهوت جوانی است

عشق آینه ی بلند نور است

شهوت ز حساب عشق دور است. (2)

«کارون هورنای» در بیان فرق میان محبت واقعی و ابراز علاقه ای که ناشی از احتیاج به جلب محبت و برای کمبودهای روحی است می گوید: فرق بین عشق، و نیاز به جلب محبت، آن است که در عشق، احساس دوستی و محبت بر همه چیز مقدم است؛ در حالی که در نیاز عصبی به جلب محبت، همواره نیاز به رفع تشویش درونی مقدم است. بسیاری از این نوع روابط بین انسان ها گرچه اساسش سود جویانه است، مع ذلک ماسک عشق و دل بستگی به چهره می زنند... به همین جهت یکی از مشخصات عشق حقیقی، پایدار بودن احساس محبت می باشد. (3) بنابراین عشق جنسی و هوس پرستی که به قول «ویل دورانت» (4) آغاز

ص: 22

---

1- جواد محدثی، نگاه تا نگاه، ص 7.

2- نظامی گنجوی.

3- عصبانی های عصر ما، ص 138 و 139.

4- لذات فلسفه، ص 214.

آن با ترشح غدد جنسی و پایان آن ارضای شهوت زودگذر جسمانی است، هرگز نمی تواند تعهدآور بوده و مایه ی پایداری روابط انسانی؛ به ویژه زندگی زناشویی باشد. جوانان پرظرفیت، با نامه ی «فدایت شوم» و «برایت می میرم» و «اگر تو نباشی من هیچم»، خود را نمی بازند. پشت این نگاه های مسموم و محبت های فریبا، درّه های هولناک و شب تیره و بدبختی هول انگیزی نهفته است. فقط کافی است نورافکنی بیندازیم و عمق این تیرگی های وحشتناک اما به ظاهر زیبا و پر جلوه و رنگارنگ را بنگریم. آیا این سخن درست است که: برای دوام و پایداری عشق باید قبل از ازدواج آن را تمرین نمود و آموزش دید و تنها راه آن، گسترش روابط دختر و پسر است؟ در همین زمینه یکی از روان شناسان می گوید: وقتی راجع به آموزش صحبت می کنیم، باید بگوییم که هر آدمی در تجربه ی اولش شاید به تمام نکته های مثبت نرسد؛ زیرا از پختگی لازم برخوردار نیست. افراد ممکن است تجربه های عشقی داشته باشند و اشتباه کنند؛ زیرا شاید سوژه ی عشقشان را اشتباه انتخاب کرده اند. شاید اشتباه از خودشان باشد... اگر عشق اول بچه گانه یا اشتباه بود، عشق بعدی باید باعث شادی و رضایت شود، نه این که از دفعه ی قبل بدتر باشد. خیلی از عشق ها تمرین عشق است؛ بنابراین هر عشقی الزاما نباید به ازدواج منتهی شود. (1) با توجه به مطالب پیش گفته بسی روشن است که ترویج روابط

ص: 23

دختر و پسر، عشق و محبت راستین و شادی بخش را به وجود نمی آورد. عشقی را می توان خود شکوفایی، تبلور اراده، ابراز هویت و حالتی از تکامل نامید که برخاسته از علاقه و تعهد عمیق باشد؛ نه این که در پس جذّابیت های ظاهری و زیبایی های جسمانی به وجود آید. این روان شناس در ادامه ی اظهار نظرهایش اذعان می دارد: اگر تنها يك شور جنسی باشد و اراده و تعهد در آن نقش نداشته باشد، تبدیل به دوست داشتن های متعدّد و بدون فایده می شود. (1) چگونه از تجربه های عشقی متعدّد و ناکام که به سبب بی تعهدی و یا کم رنگ شدن جذّابیت های ظاهری، رها شده اند، عشقی عمیق و برخاسته از تعهد به وجود می آید؟ از کجا معلوم، سرنوشت این عشق نیز همانند عشق های قبلی نباشد؟ پس به کدام عشق می توان اعتماد نمود؟ ایشان می گویند: این حالت (پیدایش عشق و دوستی) معمولاً زمان بلوغ که هنگام بیدار شدن جسم است، بیش تر اتفاق می افتد. و در رابطه با تردید (در عشق) می توانم معیارهای جهانی را بگویم؛ سبک های شورانگیز یا بازی گوشانه که تعهد کمتری در آن ها دیده می شود؛ بر خلاف تصور عمومی، در پسرها بیش تر است. ... یکی از دلایل تردید در پسرها این است که آن ها بیش تر جذب جذّابیت های ظاهری می شوند و وقتی جذّابیت ها کم رنگ تر شوند، با مشکل مواجه می شوند. (2) با اعتراف به این که در این نوع عشق ها جذّابیت های ظاهری و غریزه ی جنسی، نقش مهمی ایفا می کند، چگونه می توان آن را سنگ بنای زندگی قرار داد، جوانان را به این وادی سوق داد و آن ها را به تجربه های عشقی

ص: 24

1- همان.

2- همان، ص 22.

تشویق نمود که جز هیجان‌های بی‌اساس و فشارهای روحی و روانی ارمغانی به بار نمی‌آورد. اگر پسر یا دختری گرفتارِ نظر‌بازی و تنوع‌طلبی شود، هیچ‌گاه طعم شیرین آرامش و شادی و رضایت را در زندگی نخواهد چشید. آنچه مهم و ضروری است، تبیین راه‌های شناخت صحیح از طرف مقابل برای رسیدن به تفاهم و همسانی هر چه بیش‌تر و بررسی تعهد و عوامل مؤثر در تداوم آن است. بدون تردید، آنچه بعد از همسانی‌های لازم می‌تواند در مقابل وسوسه‌های هوس‌انگیز، تعهد عمیق ایجاد کند، ایمان و صداقت و معنویات است که مورد غفلت قرار گرفته است. دوام علاقه و دوستی میان اشخاص، به معرفت و صداقت و دوری از منافع فردی و گذشت و رها نمودن کبر و غرور باز می‌گردد؛ که مطمئن‌ترین راه دست‌یابی به این فضایل اخلاقی، تمسک به معنویت و معرفت است. «عشق؛ علاقه و تمایل انسان را به خارج از وجودش متوجه می‌کند، وجودش را توسعه داده و کانون هستی‌اش را عوض می‌کند و به همین جهت، عشق و محبت، یک عامل بزرگ اخلاقی و تربیتی است؛ مشروط بر این که خوب هدایت شود و به طور صحیح مورد استفاده قرار گیرد.»<sup>(1)</sup>

نکته‌ی دیگری که در تداوم عشق نقش مؤثری دارد، شناخت دقیق افراد از روحيات و علايق يك ديگر است که در بخش‌های آینده بدان خواهیم پرداخت.

ص: 25

مگر در عرفان اسلامی مطرح نشده که «عشق زمینی» پیش در آمد «عشق الهی» است؟<sup>(1)</sup> پس چرا از عاشق شدن دخترها و پسرها جلوگیری شده، از آن منع می شود؟! دکتر سروش در لزوم ترویج عشق زمینی می گویند: «این جا در عشق زمینی، سکوی پرش هست.»<sup>(2)</sup> این که گفته می شود «عشق مجازی» پیش در آمد «عشق حقیقی» است، به این معنا نیست که این عشق های نامشروع میان دختر و پسر نامحرم و بیگانه مقدمه ی عشق حقیقی است. عشق حقیقی، رسیدن به کمال و وصول به معشوق حقیقی و ازلی است. و بدیهی است با غوطه ور شدن در هوی و هوس و شهوت حیوانی که مورد غضب پروردگار است، نمی توان به عشق حقیقی دست یافت. آنچه مقدمه و پل عشق حقیقی به حساب می آید، عشق مجازی است نه «عشق جنسی و حیوانی.» در عرفان اسلامی، عشق را به عشق حقیقی و مجازی تقسیم کرده اند و عشق مجازی را به «عقیف و حیوانی»؛ عشق عقیف، به عشقی گفته می شود که مبدأ آن شباهت و همسانی نفس عاشق با نفس معشوق در جوهر و ذات او باشد. بیش تر اهتمام عاشق به روش های معشوق و آثاری است که از نفس وی صادر می گردد. این عشق است که نفس را نرم و پرشوق و وجد قرار می دهد. رقتی ایجاد می کند که عاشق را از آلودگی های دنیایی بیزار می گرداند. عشق حیوانی، عشقی است که منشأ آن، شهوت جوانی و طلب لذت و

ص: 26

---

1- ایران جوان، 135، ص 37.

2- سخن رانی دکتر سروش، عشق زمینی، مجله ی صبح، 16/4/1374.



کام جویی بوده، بیشترین عامل جذب و کشش عاشق، شکل و شمایل و حسن و زیبایی معشوق است و جدّابیت های جسمانی و ظاهری در آن، نقش اساسی را بازی می کند. این عشق ناشی از استیلائی نفس اماره بوده، بیش تر اوقات همراه با فجور، مفسد و انحرافات اخلاقی است. (1) عشقی که گویند پل عشق حقیقی است، از قسم اول است (البته آن هم در بستر مشروع خود)؛ زیرا کسی که طالب قرب الهی است نمی تواند با پیمودن راهی که مورد قبول او نیست، به این مقام دست یابد. پس عشقی که ناشی از حسن ظاهری نبوده، از شهوت و شوق جنسی دور باشد، پیش درآمد عشق حقیقی است که با وصال تغییر می کند و مقاصد معنوی و روحانی خود را دنبال کرده، تقایص معشوق های مادّی را برای انسان، واضح می نماید و به فرموده ی «خواجه نصیر»: در عشق عقیف، فرد از شهوات دور شده و از مشغله های دنیایی، جز فکر معشوق فارغ شده و تنها دغدغه اش رضایت اوست. اگر چنین عشقی برای کسی حاصل شود، روی آوردن به معشوق حقیقی برایش آسان تر از دیگران است؛ زیرا نیازی به اعراض و دل کندن از سایر تعلّقات ندارد (2). در توضیح فرق میان عشق مجازی و عشق جنسی در عرفان اسلامی، از بیان استاد «شهید مطهری» مدد می جوئیم: عشق، اوج علاقه و احساس است، و این احساس ها دو نوعند که یکی آثار نیک و سازنده دارد و دیگری کاملاً آثار مخرب. برخی احساسات از مقوله ی شهوت و مخصوصاً از شهوت جنسی است ... و افزایش و

ص: 27

---

1- خواجه نصیرالدین طوسی، شرح اشارات.

2- همان، ج 3، ص 384.

کاهش آن، بستگی زیادی به فعالیت فیزیولوژیکی دستگاه تناسلی و سنّ جوانی دارد و با پا گذاشتن به سن از يك طرف و اشباع و افزاز از طرف دیگر، کاهش می یابد و منتفی می گردد. جوانی که از دیدن رویی زیبا به خود می لرزد و از لمس دستی ظریف به خود می پیچد، باید بداند چیزی جز جریان مادّی و حیوانی در کار نیست. این گونه عشق ها به سرعت می آید و به سرعت می رود؛ قابل اعتماد و توصیه نیست؛ خطرناک است؛ فضیلت کش است. تنها با کمک عفاف و تقوا و تسلیم نشدن در برابر آن است که آدمی سود می برد؛ یعنی خود این نیرو انسان را به سوی هیچ فضیلتی سوق نمی دهد؛ اما اگر در وجود آدمی رخنه کرد و در برابر نیروی عفاف و تقوا قرار گرفت و روح، فشار آن را تحمل کرد ولی تسلیم نشد، به روح قوّت و کمال می بخشد. (1) انسان آن گاه که تحت تأثیر شهوات خویش است، از خود بیرون نرفته است. شخص یا شیء مورد علاقه را برای خودش می خواهد و به شدّت می خواهد، اگر درباره ی معشوق و محبوب می اندیشد بدین صورت است که چگونه از وصال او بهره مند شود و حدّا کثر تمتّع را ببرد. بدیهی است که چنین حالتی نمی تواند مکمل و مربّی روح انسان باشد و روح او را تهذیب نماید. از این جاست که امام صادق علیه السلام می فرماید: دل هایی که از یاد خدا غافل شده اند، گرفتار عشق های زمینی و باطل می شوند. (2)

اما نوع دیگری از احساسات (در آدمی است) که از لحاظ حقیقت و

ص: 28

---

1- مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه ی علی علیه السلام ص 49 و 47.

2- محدث قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 198.

ماهیت، با شهوت مغایر است، که آن را عاطفه و رحمت می نامیم ... و انسان تحت تأثیرِ عواطفِ عالی، محبوب و معشوق در نظرش احترام و عظمت پیدا می کند ... و آماده است خود را فدای خواسته های او کند؛ این گونه عواطف، صفا و صمیمیت و لطف و رقت و از خود گذشتگی به وجود می آورد... (1) این نوع احساسات است که اگر به اوج برسد، آثار نیکی بر آن مترتب است؛ چون: تلاشِ خستگی ناپذیر در راه هدف، تلطیفِ عواطف، تکمیلِ نفس و پرورشِ روح، تمرکزِ نیروها و از بین بردنِ حصارِ خود پرستی. (2) این نوع عشق، پایدار است و با وصال، تیزتر و تندتر می شود؛ بر خلاف نوع اول که ناپایدار است و وصال، مدفن آن به شمار می آید. (3) «موریس مترلینگ» نیز در تأیید ناپایداری عشق جنسی و تفاوت آن با عشق حقیقی می گوید: شما با دیدنِ يكِ رویِ دل آرام، فریفته ی صاحب آن صورت می شوید. گر چه این عشق ممکن است به عشق حقیقی مبدل شود، اما غالباً این عشق با وصلِ معشوق پایان می یابد؛ چون عشقِ کششی است، کشش تا به هنگامی است که به وصل می رسد. اگر حقیقتی در لفاف این مجاز نباشد، پس از وصل، آن کشش تمام شده است؛ زیرا وصل، آخر و سرانجام کشش است و نقطه ی مشخص دارد؛ اما حقیقت، انتها ندارد. وقتی کشش به سوی حقیقت و برای رسیدن به آن یافت شد، تا ابد ادامه پیدا می کند؛ هر قدر دایره ی آرزوهای شما بزرگ باشد،

ص: 29

---

1- مرتضی مطهری، همان، 49 و 50.

2- همان، ص 41 و 42.

3- همان، ص 49 و 50.

عشقی که نصیب شما می شود بزرگ تراست. (1) نکته ای که در پایان باید تذکر داد این است که عرفا که می گویند: عشق مجازی تبدیل به عشق حقیقی، یعنی عشق به ذات احدیت می گردد، زمانی است که عشق با تقوا و عفاف و صبر و تحمل همراه شود تا زمینه ی آماده سازی و تکامل روح گردد. البته نباید فراموش کرد که این نوع عشق، با همه ی فوایدی که در شرایط خاص احیانا به وجود می آورد، قابل توصیه نیست و از این نظر مانند مصیبت است که اگر بر کسی وارد شود و او با نیروی صبر و رضا با آن مقابله کند، مکمل و پاک کننده ی نفس است، اما مصیبت، قابل توصیه نبوده، نمی توان به این بهانه برای دیگران مصیبت ایجاد نمود. «راسل» در این جا سخن با ارزشی دارد و می گوید: رنج برای اشخاص واجد انرژی، چون وزنه ی گران بهایی است. کسی که خود را کاملاً سعادتمند می بیند، جهدی برای سعادت بیش تر نمی کند؛ اما گمان نمی کنم این امر بتواند بهانه ای باشد که دیگران را رنج بدهیم تا به راه مفیدی قدم نهند. (2) حال باید دید در میان این همه مدعیان عشق و دوستی، آیا عشقی عقیف و پاک و به دور از جاذبه ی جنسی پیدا می شود یا اولین چیزی که در عشق رایج یافت می شود، حیرت و شیفتگی از خط و خال است و بس. چه بسیار دختران و پسرانی که در دوران دوستی، تحت تأثیر جاذبه های ظاهری و آمال ذهنی، شیفته و واله طرف مقابل خود شدند؛ اما همین که در طول زندگی با خصوصیات اخلاقی هم، آشنا تر گردیدند و در

ص: 30

---

1- موریس مترلینگ، عقل و سرنوشت، ج 3، ص 148.

2- راسل، زناشویی و اخلاق، ص 134، به نقل از مرتضی مطهری، همان، ص 52.

سختی‌ها آزموده شدند، همه‌ی آن دوستی‌ها و محبت‌ها از میان رفته و اساس زندگی از هم پاشیده شده و یا زندگی‌شان تنها، معرکه‌ای برای تحمّل یک دیگر شده است. آیا عشق، امری ناپسند و مذموم است؟ جایگاه آن در عرفان اسلامی چیست؟ به نظر می‌رسد عشق عرفانی مساوی با محرومیت دنیایی و انزواطلبی است و «اگر عاشق خدا هم باشی، به او نمی‌رسی تا بمیری» (1) در فرهنگ اسلامی، عشق و عاشقی امری ناپسند و مذموم نبوده، بلکه - همان‌گونه که در آغاز بحث عشق ذکر شد - مایه‌ی نشاط و شادابی و تداوم زندگی است، اما در بستر مناسب خود. عشق حقیقی سرچشمه‌ی جوشان حیات است؛ نه این که مساوی با حرمان و هجران و انزواطلبی باشد. خواجه نصیر در این باره می‌گوید: عشق، به محبت شدید گویند و هر چه ادراک بالاتر باشد، عشق شدیدتر است و ادراک کامل، جز با وصول و رسیدن تام و کامل، حاصل نمی‌شود و عشق کامل جز با وصول کامل میسر نیست. پس عشق حقیقی، آن ابتهاج و شور و سروری است که از تصوّر حضور معشوق به انسان دست می‌دهد. (2) عاشق کسی است که دل را از هر چه غیر اوست، خالی نموده، آن را حرم امن حضرت دوست قرار دهد. (3)

ص: 31

---

1- ایران جوان، ش 135، ص 37.

2- شرح اشارات، ج 3، ص 360.

3- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج 8، ص 227 و 359.

عارف عاشق در عین برخورداری از نعمت های دنیا، دل بسته ی آن ها نشده، تنها هدف او جلب رضایت الهی و وصول به مقام قرب اوست. رسیدن به این مراحل، در همین دنیا ممکن و شدنی است و عارف واصل با رسیدن به مقام قرب حق، همیشه احساس حضور نموده، به آرامش و خوش بختی واقعی دست می یابد، و عارفان راستین و علمای بزرگ شاهدی صادق بر این مدعایند. بنابراین، پاك نمودن جامعه از هوی و هوس و دوری گزیدن از کویر تشنه ی شهواتِ اشباع نشدنی و دریا صفت، مجال و امکانِ ایجاد رابطه ای دل انگیز و معنوی را ایجاد می نماید، تنها انسان است که استعداد عشق ورزیدن را دارد و می تواند رابطه ی جنسی را به رابطه ای روحی و معنوی تبدیل نموده، وابستگی را از حدّ تأمینِ نیاز جسمی، به مرتبه ی وابستگی روحی و روانی ارتقا دهد و همان عشقی را تولید کند که مایه ی هنر و حماسه و ادب و فرهنگ بشری بوده است، همان عشقی که در زبان حکمای اسلامی، به عشق مثالی و عشق عقیف و به قول دانشمندان غربی، رمانتیک و عشق افلاطونی و عشق معنوی خوانده شده است: ... این حقیقت است که هر چه موجود انسانی از حالت اولیه ی حیوانی خود دورتر می شود، عشق او روحانی تر می شود. (1)

ص: 32

---

1- روان شناسی عشق ورزیدن، ص 73؛ ر.ک: مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص 231.

## 2. آرامش روانی و کاهش التهاب‌ها

بگذارید دختران در مدارس، آماده‌ی زندگی، عشق و ازدواج شوند؛ از تحمیل‌ها دست بردارید؛ يك مشت دختر افسرده و پسر عقده‌ای تحویل ندهید؛ این نسل را خراب نکنید و رابطه‌ی دختر و پسر را نابود نکنید. (1) با توجه به قدرت و دامنه‌ی نفوذ عاطفی زن و مرد بر يك ديگر و نقش حساس آن دو در تأمین نیاز طبیعی و غریزی، در می‌یابیم که تأثیر پذیری آن دو، چنان شدید و وسیع است که گاهی مجرای صحیح عقل و خرد را به انحراف می‌کشاند؛ به ویژه زمانی که آتش شهوت شعله‌ور گردد.

این تأثیر شگرف در زن، جلوه‌گری خاصی دارد و بر عواطف و احساس مرد بسیار نافذ است، تا بدان جا که ناخواسته آنان را در جهت امیال عاطفه‌آمیز و هوس‌آلود سوق می‌دهد. حال اگر در سطح جامعه و کوچه و خیابان، جاذبه‌های جنسی رواج یابد و دختر و پسر روابطی آزاد و مستمر داشته باشند، جلوه‌گری‌های ذاتی و طبیعی موجود در برخورد و رفتار و حالات دختران، موجب جلب توجه پسران و مردان شده، انحراف اذهان و آشفتگی فکر و دل آن‌ها را در پی دارد. در این میان دختران ضربه پذیرتر بوده، دائماً به فکر جلوه‌گری و دلبری اند و پسران نیز در آن دام گرفتار می‌گردند و به قول خانم دکتر «سعداوی»:

چه بسیار دخترانی که به سبب شوق و دست‌یابی به نشانه‌های

ص: 33

مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی دچار می شوند. گمان و تصوّر چنین دخترانی آن است که زندگی و آینده ی آن ها به اندازه ی بینی و یا خمیدگی مژه های آنان بستگی دارد، تا آن جا که حتی يك میلی متر کوتاهی طول مژه نیز می تواند به يك مسئله ی جدی و بحرانی در زندگی تبدیل شود<sup>(1)</sup>. «ویل دورانت» گوید: زنی که عاشق شد و معشوق خود را از دست داد، ممکن است این گم شده برایش جبران ناپذیر باشد. او روح خود را به تصویر خاصی پیوسته است و هر جا برود خاطراتش او را دنبال خواهند کرد.<sup>(2)</sup> و در این میان، خسارتهای جبران ناپذیری بر روح و روان او وارد می شود و بدون تردید، روابط کنترل شده و ضابطه مند، این التهاب ها را کاهش می دهد و دختر و پسر با آرامش و اطمینان خاطر بیش تری به دنبال تحصیلات و اهداف بلند زندگی خویش گام بر می دارند. اما نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت يك عطش روحی و يك خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه ی جنسی، غریزه ای نیرومند و عمیق و دریا صفت است و هر چه بیش تر اطاعت شود، سرکش تر می گردد؛ هم چون آتشی که هر چه به آن بیش تر خوراك بدهند شعله ورت تر می شود.<sup>(3)</sup> در گذشته پادشاهان بسیاری حرم سراهای گسترده داشتند؛ اما هیچ گاه حسّ تصرف و تملک زیارویان در وجود آنان اشباع نشد.

ص: 34

---

1- چهره ی عربان زن، ص 168؛ ر.ك: مقدمه ای بر روان شناسی زن،

2- ویل دورانت، لذات فلسفه، 140.

3- مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص 84.



در دوران جدید، به برکت فرهنگ غرب، برای کسی که يك صد هزارم آن ها امکانات داشته باشد، میسر است که به اندازه ی آن ها از جنس زن بهره کشی کند. در نتیجه، روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است و اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود. و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام ناشدنی و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها است و به نوبه ی خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می خورد. (1) نکته ی دیگر آن که، اگر در کوچه و خیابان، دلبری مرسوم گردد و جلوه گری، هنر دختران محسوب شود و در روابط دختر و پسر تجاذب و دل بندی به میان آید، دخترانی که از زیبایی لازم برخوردار نیستند، در فشار و استرس بسیار قرار می گیرند و همیشه احساس کمبود و حقارت می نمایند.

ص: 35

---

1- همان، ص 87.

اگر این گونه روابط، سبب افزایش التهاب ها و خدشه دار شدن بهداشت روانی می شود، پس چگونه با این کلام علما سازگار است که می گویند: «انسان نسبت به هر چیزی که منع شود، حریص تر می گردد.» باید روشن شود که این منع و محدودیت، چه لزومی دارد و یا اگر لازم است تکلیف حرص و حساسیت کاذبی که ایجاد می شود چیست؟<sup>(1)</sup> در ابتدا باید گفت، اگر بخواهیم بر طبق برداشت پرسش کننده عمل کنیم، باید همه ی قوانین محدود کننده، اعم از قوانین مذهبی و اجتماعی و قوانین رایج کشوری را برداریم؛ زیرا هر قانونی نوعی محدودیت و حساسیت ایجاد می کند و شخص را نسبت به آن چه منع شده؛ حریص تر می سازد.

به نظر می رسد که با اندک مراجعه به عقل و خرد نمی توان به این نظریه ملتزم شد؛ زیرا نتیجه ی آن، چیزی جز از بین رفتن نظام اجتماعی و زندگی فردی نیست. در زمینه ی مسائل اخلاقی و رفتار جنسی نیز برداشتن مرزهای دینی و خانوادگی چیزی جز فساد و فحشا به ارمغان نمی آورد.

در میان سردمداران این نظریه، در قرون اخیر به «زیگموند فروید» و «برتراند راسل» بر می خوریم؛ راسل معتقد است: اثر معمولی تحریم عبارت است از يك حسّ كنج كاوی عمومی<sup>(2)</sup> و فروید قائل است که: ناکامی ها به طور عام، معلول قیود اجتماعی است؛ چرا که سرکوب غرایز

ص: 36

---

1- ایران جوان، 135، ص 34.

2- برتراند راسل، جهانی که من می شناسم، ترجمه ی روح الله عباسی، ص 70.

موجب اختلالات روانی و بیماری های روحی می گردد. (1) در نقد این دو نظریه، به پاسخ استاد شهید «مرتضی مطهری» اشاره می کنیم:

درست است که ناکامی ها، به خصوص ناکامی های جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است؛ ولی برداشتن قیود اجتماعی، حلال مشکلات نیست؛ بلکه بر آن می افزاید. در مورد غریزه ی جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود، عشق واقعی را می میراند و طبیعت را هرزه و بی بند و بار می کند. اتفاقاً در این موارد، هر چه عرضه بیش تر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می یابد و به گفته ی خود راسل (در کتاب زناشویی و اخلاق)، عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت است؛ آن چه با ارضا تسکین می یابد حرارت جسمی است نه عطش روحی. آزادی در مسائل جنسی، موجب شعله ور شدن شهوات به صورت حرص و آز می گردد و این همان هوس است که ارضا شدنی نیست و سیری ناپذیر است و اشباع آن از راه فراوانی و آزاد گذاشتن، غیر ممکن است و درست مثل آن است که بخواهند آتش را با هیزم سیر کنند. اشتباه امثال فروید و راسل در آن است که پنداشته اند تنها راه رام کردن غرایز (از جمله غرایز جنسی)، ارضا و اشباع بی حدّ و حصر آن ها از طریق آزادی مطلق است؛ آن هم به این معنا که به مرد و زن اجازه ی هرگونه جلوه گری، معاشرت و تماس داده شود، بدون توجه به

ص: 37

---

1- چارلز کادور و دیگران، نظریه های جمعیت، ترجمه ی احمد رضوانی، بخش سوم، ص 378.

این نکته، چنین آزادی مطلقى و رها کردن آن ها و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهیجات در آوردن، آن ها را دیوانه می سازد و چون امکان برآورده شدن کامل و تمام خواسته ها و انتظارات فردی هر شخص وجود ندارد، در نتیجه این غرایز با وضعی بسیار بدتر سرکوب می شوند و تولید عقده های روانی می کنند. (1) پس گرچه برخی از ممنوعیت های جنسی، در روابط اجتماعی زن و مرد ممکن است عوارض روانی و رفتاری ایجاد کند، اما برداشتن ممنوعیت های قانونی و مشروع و دادن آزادی بی حد و مرز، عوارض بسیار خطرناک تر از آن تولید می کند و در این باره بهترین شاهد مثال، اوضاع وخیم و ناهنجار جوامع غربی و غرب زده است. آیا در جوامع غربی با برداشتن پرده ی شرم و حیا از مسائل جنسی و دادن آزادی های بی حد و مرز توانسته اند این مشکلات را حل کنند؟ سال هاست که مغرب زمین چه در تصویر و فیلم و مجله های مبتذل و چه در لباس، روز به روز اعضای محرک غریزه ی جنسی را آشکارتر ساخته است؛ اما می بینیم برخلاف این فرضیه، روز به روز آتش این غریزه برافروخته تر شده است. غریزه ی جنسی از این نظر تا حدودی شبیه به اعتیاد است. ممکن است کسی تصور کند علت اشتیاق معتادان به موادی مثل تریاک و هروین این است که این مواد نایاب است و به مقدار بسیار کم در دسترس معتادان قرار می گیرد؛ بنابراین برای ریشه کن کردن اعتیاد باید هروین را به مقدار زیاد در دسترس معتادان قرار داد. این فرضیه به ظاهر عاقلانه به نظر می رسد، اما در عمل نتیجه اش اعتیاد و وابستگی بیش تر معتاد به مواد مصرفی و افزایش مقدار موادی است که در هر روز مصرف می کند و آن

ص: 38

قدر هر روزه بر مقدار آن می افزاید که جان او در معرض نابودی قرار می گیرد.

پس تنها محدودیت ها نیست که بر حرص و ولع انسان می افزاید؛ بلکه دعوت ها و تحریک ها و عرضه شدن ها هم، بر میزان عطش نفسانی و شعله و ساختن آتش هوی و هوس می افزاید. و اگر فرض کنیم حرف این مدعیان درست بوده، تنها راه حل این حساسیت، آزادی مطلق روابط دختر و پسر است و باید همه ی مرزها را از میان برداشت، در چنین فضایی، مسئله ی جنسی یکی از دغدغه های اصلی انسان می شود و بسیاری از توان و نیروی او را به خود اختصاص می دهد و او را از مسیر اصلی زندگی باز می دارد و بزرگترین مشکل همین است که آدمی در زندگی برای حلّ مسئله ی جنسیت، همه ی حقایق دیگر عالم و همه ی وظایف و اهداف خویش را فراموش کند تا مشکل غریزه ی جنسی را حل نماید. ما انسان را بزرگ تر از آن می دانیم که غمی جز مسئله ی تن و جنسیت خود نداشته باشد. این نوع راه حل دقیقاً انحطاط انسان است. کدام مسئله برای انسان بزرگ تر و مهم تر از این است که انسان به غیر از غریزه ی جنسی مسئله ی دیگری نداشته باشد؟ خواه آن را حل کرده و خواه حل نکرده باشد؟ چرا باید چنین بهای گزافی برای حلّ این مسئله بپردازیم؟ (1)

ص: 39

---

1- غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، با تلخیص و تصرف.

دلیل دیگری که قائلین به روابط آزاد به آن تمسک می جویند، بحث رشد و تعالی جامعه در سایه ی روابط آزاد است تا دغدغه های ذهنی جوانان رفع شده، امکان پیشرفت برای زنان میسر گردد. به عنوان مثال گفته می شود: دختر و پسر به دوستانی از جنس مخالف احتیاج دارند و جدا کردن آنان از یک دیگر اثرات نامطلوبی بر فرد و جامعه دارد و امکان پیشرفت را کم می کند. (1) خانم «مهرانگیزکار» در گفت و گویی بیان داشته است: پیش از انقلاب جاذبه ی فعالیت های سیاسی - اجتماعی برای زنان بیش تر بود، ولی بعد از انقلاب برنامه ی جداسازی زن و مرد و تأکید بر نقش خانگی زنان، اعتماد به نفس زنان را از آن ها گرفت. (2) اما با توجه به اهمیت حفظ و سلامت جامعه و استواری اجتماع، به صراحت می توان گفت: اگر بهره مندی ها و تحریک های جنسی از محیط خانه به بیرون کشیده شود و به جای آن که جوانان در محل درس و شغل خویش به کارهای مربوط به آن پردازند، متوجه یک دیگر شوند، وقت بسیاری تلف شده، فرصت جوانی و نشاط و شادابی روحی آنان به هدر می رود. ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است (3) و جهان امروز، به نام آزادی زن و و به عبارت صریح تر، «آزادی

ص: 40

- 
- 1- مجله ی ایران جوان، خرداد 78.
  - 2- هفته نامه ی پیام هامون، 12/10/78، ش 53، ص 6.
  - 3- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص 92.

روابط جنسی» روح جوانان را سخت فاسد کرده است و به جای این که این آزادی به شکفتن استعدادها کمک کند، به گونه ای متفاوت با قدیم، نیروها و استعدادهای انسانی را هدر داده است و می دهد. زن از کنج خانه بیرون آمده، اما به کجا رو آورده است؟ به سینماها، کنار دریاها، حاشیه ی خیابان ها، مجالس شب نشینی! زن امروزی به نام آزادی خانه را خراب کرده است، بدون این که مدرسه یا جای دیگری را آباد کرده باشد. (1) مرحوم جلال آل احمد در کتاب غرب زدگی می گوید: از واجبات غرب زدگی، آزادی دادن به زنان است ... و از آن، تنها اجازه ی تظاهر و خود نمایی دادیم؛ یعنی زن را که حافظ سنت و خانواده و نسل و خون است به ولنگاری کشیده ایم؛ به کوچه آورده ایم؛ به خود نمایی و بی بند و باری وا داشته ایم که سر و روی را صفا بدهد و هر روز ریخت یک مُد تازه را به خود ببندد و ول بگردد. ... ما در کار آزادی صوری زن، سال های سال پس از این هیچ هدفی و غرضی جز افزودن به خیل مصرف کنندگان پودر و ماتیک محصول صنایع غرب نداریم. (2)

اسلام با حضور مفید زن در اجتماع موافق است تا با حفظ شوون و شخصیت، به عنوان يك انسان دارای تفکر، همچون مردان در عرصه هایی که مطابق با روحیات و استعدادهای اوست فعالیت نماید؛ نه مانند يك کالای تجاری که حتی حضور او در جامعه و اداره ها و فروشگاه ها تنها به منظور استفاده از ابزار جنسی و تحریک شهوانی باشد. در این باره مرحوم دکتر «شریعتی» می گوید:

ص: 41

---

1- همان، ص 221.

2- جلال آل احمد، غرب زدگی، ص 102.

سرمایه داری زن را چنان ساخت که به دو کار بیاید: یکی این که جامعه هنگام فراغت، به سرنوشت اجتماع، به استعمار، به آینده ی خشک و پوچ و بی هدفی که بورژوازی برای او ساخته است نیندیشد و نپرسد چرا کار می کنم؟ و چرا زندگی می کنم؟ از طرفی که برای چه کسی این همه رنج می برم؟ زن به عنوان ابزار سرگرمی و به عنوان تنها موجودی که جنسیت و سکسوالیته دارد به کار گرفته شده تا نگذارد کارگر و کارمند و روشن فکر در لحظات فراغت به اندیشه های ضد طبقاتی و سرمایه داری بپردازد. ... و (هنر نیز بر اساس سفارش سرمایه داری) زیبایی و روح و احساس و عشق را به سکس تبدیل کرد و فرویدیسم بازاری و سکس پرستی بسیار پست مبتذل را به عنوان فلسفه ی علمی و زیربنای انسان و ... واقعیت گرایی در آورد. ... و دیگر این که زن را فقط به عنوان موجودی که سکسوالیته (جنسیت) دارد، در تبلیغ کالا- به کار گرفت ... این چنین بود که (در غرب) زن که دارای مقامی بسیار بزرگ و متعالی از نظر الهام و احساس و هنر بود، به شکل ابزاری در آمد برای استخدام در هدف های اقتصادی و اجتماعی و تغییر تیپ جامعه و نابود کردن ارزش های متعالی و اخلاقی و تبدیل کردن يك جامعه ی سنتی، یا معنوی و اخلاقی و یا مذهبی، به جامعه ی مصرفی و پوچ. (1) اروپا می خواهد جامعه ی شرق را تغییر بدهد که هم مس و تاسمان (سرمایه) را غارت کند و هم بر اندیشه و احساسمان سوار شود ... و هم شعور و شناخت و اصالت اراده و ارزش های انسانی مان را نابود

ص: 42



کند. پس باید قبلاً از خود تخلیه شویم و همه ی ارزش های انسانی را فراموش کنیم و همه سنت های ما را بر پاهای خودمان نگاه می داشت، از دست بدهیم. در خود بشکنیم و خالی از ذهنیت، با روحی عاجز و فلج و بی محتوا به صورت ظرف هایی خالی در بیاییم؛ به صورت مَشکی خالی و تشنه و نیازمند فرمان استعمار که هر چه می خواهد به درونش بریزد و به هر ترتیب که اراده کند، به غارتش پردازد. (1)

در جوامعی که روابط آزاد و التهاب های جنسی حاکم است، دست های استعمارگر با استفاده از صفات روحی و شخصیتی زن که میل به خودنمایی و محبوبیت و جلوه گری دارد، او را به کالایی برای کام جویی بیش تر مردان و تبلیغ محصولات تجاری تبدیل نموده است که در این میان بیش ترین خسارت را زنان می بینند و علی رغم هیاهوی بسیار غرب، بیش تر زنان از دست یابی به پُست ها و مسئولیت های حساس محرومند. اسلام نه تنها با محدودیت، زن را به رکود علمی و اقتصادی و شخصیتی نکشانیده، بلکه در صدد آن است تا با تعدیل روابط، حضور زن را هر چه مفیدتر نماید و از جنبه های منفی آن بکاهد و به او کرامت و شخصیت و احترام بخشد. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. (2) در جامعه ای که دختران آن با جلوه گری و آرایش و اصرار بر جلب توجه مردان حضور یابند، از دقت و سرعت و تمرکز آنان کاسته شده، اثرهای نامطلوبی بر فرد و جامعه ایجاد می شود. هر چه روابط دختر و پسر ضابطه مندتر شود و جامعه از

ص: 43

---

1- همان، ص 92 و 93.

2- مرتضی مطهری، حجاب، ص 93.

تحریکات شهوانی و جلوه‌گری‌های جنسی دور گردد، اجتماع سالم تر و پاک تر خواهد شد و افراد جامعه بهتر به کار خود رسیدگی کرده، جوانان در محیط کار و درس و دانشگاه راحت تر خواهند بود؛ در جوامع غربی نیز اگر در کنار صنعت و فن آوری و نظم کاری، مسائل جنسی تحت کنترل درآید و از تهییج و تحریک آن جلوگیری شود، به پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بیش‌تری خواهند رسید. حال آیا به راستی روابط آزاد و گسترش اختلاط، سبب پیشرفت جامعه است و تعدیل و ضابطه‌مندی روابط، سبب عقب‌افتادگی و به هدر رفتن نیروی مفید اجتماع است؟!

#### 4. استحکام پیوند خانوادگی

در گفت و گو با یکی از روان‌پزشکان آمده است: لازمه‌ی دوام و استحکام زندگی، عشق است و عشق جز با آموزش و تجربه‌های متعدّد و ایجاد روابط حاصل نمی‌شود؛ لذا دختر و پسر باید قبل از ازدواج تمرین عشق کنند تا بتوانند زندگی سرشار از عشق را تدارک ببینند. (1) بدون تردید در همه‌ی مرام‌های اجتماعی جهان، این نتیجه حاصل شده است که خانواده باید محفوظ و محترم بماند و زن و مرد باید دل بسته و وفادار به یک‌دیگر باشند تا آشیان دلپذیری برای فرزندان خویش بنا کرده، با تربیت آن‌ها آینده‌ی جامعه خویش را ترسیم کنند؛ در نتیجه رشد و پویایی فرد و جامعه و فرهنگ، مبتنی بر استحکام کانون خانواده می‌باشد و بدیهی است، هر چیزی که سبب تحکیم پیوند خانوادگی و

ص: 44

ایجاد صمیمیت و یک دلی زن و شوهر گردد، خوب و پسندیده بوده، هر آنچه باعث سستی روابط آن‌ها و موجب دل سردی شود، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است. روابط آزادانه‌ی دختر و پسر پیش از ازدواج، جدای از آن که موجب ایجاد عشق حقیقی و پاک نمی‌شود، خود خیانتی به عشق مقدس است که سبب تنوع طلبی گردیده و انتخاب همسر به ویژه در پسران را مشکل می‌سازد.

«ویل دورانت» در این باره می‌گوید: ... مرد، نگران و مضطرب است که مبادا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد، ولی این نگرانی و اضطراب در زن کم‌تر است. (1) پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج، به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عفیف نیست. حال اگر جوانی با تجربه‌های قبل از ازدواج بخواهد کانون عشقی برپا کند و خانواده‌ای تشکیل دهد، اولین مشکل، بعد از رهایی از ناکامی گذشته و بدنامی، آرامش روانی بر باد رفته و دل گمشده‌ی اوست. از کجا معلوم بتواند از همه‌ی لذت‌ها و زیبایی‌ها چشم بسته، به همسر خویش چشم امید داشته باشد و دل از هر چه غیر اوست رها سازد و دل باخته‌اش گردد. چگونه می‌تواند آثار ناکامی گذشته را محو کند و محدودیت آینده را پذیرا باشد و حرمت چشم و دل را در زندگی زناشویی محترم دارد؟ چنین فردی در زندگی زناشویی و ارضای کامل جنسی مشکل دارد و در

ص: 45

تشویش و اضطرابی خسته کننده به سر می برد و به قول «ویل دورانت»: فساد پس از ازدواج، بیش تر محصول عادات پیش از ازدواج است... (که) در زیر عوامل سطحی طلاق، نفرت از بچه داری و میل به تنوع طلبی، نهان است. میل به تنوع گرچه از همان آغاز در بشر بوده است، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است. (1) در جامعه ای که روابط آزاد و اختلاط، رایج بوده و جلوه گری ها و فرهنگ برهنگی و بدحجابی حاکم باشد زن و مرد به هر سوی و هر کس نگاه کنند، همواره در زندگی در حال مقایسه اند؛ مقایسه ای میان آنچه دارند و آنچه ندارند و این مقایسه ها هوس را دامن می زند و خانواده را در معرض نابودی قرار می دهد. زنی که سال ها در کنار شوهر و در مشکلات با او زندگی کرده، پیداست اندک اندک بهار چهره اش، شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد و در چنین حالی است که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است؛ ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار و اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود، فرصت مقایسه ای به دست می دهد و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده. (2) و هر دختر جوانی که امروزه در اوج نشاط و شادابی جسمی، مغرور از دلبری ها و جلوه گری هاست، باید بداند که در فردایی نه چندان دور، همین سرنوشت برایش رقم خواهد خورد. پس یکی از مهم ترین ارکان زندگی، عشق و محبت و وفاداری است و

ص: 46

---

1- همان، ص 94 و 97.

2- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 70.

زن و شوهر زمانی به این هدف می‌رسند که بتوانند از غیر همسر خود چشم پوشیده، از هر نوع کامیابی جنسی در غیر از کانون خانواده پرهیز کنند.

... اختصاص یافتن استماع‌ات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیش تر زوجین به یک دیگر می‌شود. فلسفه ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی، این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوش بخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزاد کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است، و تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی محدود می‌کند با اجتماعی که روابط در آن اجازه داده می‌شود این است که ازدواج در اجتماع اول، پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج، به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آن‌ها را ملزم می‌سازد که به یک دیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشد. (1)

ص: 47

«ویل دورانت» در بیان نقش اساسی خانواده می گوید: وظیفه ی خانواده، به عنوان مرکز اخلاقی جامعه و رابط و پیوند دهنده ی آن، ناشی از خاصیت ایجاد وحدت انسان است و همه می دانند که اکنون این خاصیت اصلی از میان خانواده رفته است و اجتماع های صنعتی عصر ما، در وضع ناپایداری هستند. (1) جدای از مطالب گذشته، درباره ی آثار منفی ارتباط، (مانند: ایجاد شك و تردید، و سوءظن نسبت به همسر آینده، مشکل اضطراب و تنوع طلبی و خطر برگشت به عادات پیشین و لغزیدن در فساد) که همه موجب سست شدن پیوند خانوادگی می شود، خطر دیگری نیز این گونه افراد را تهدید می کند. دختر و پسری که به وادی ارتباط پا می گذارند، در بسیاری از موارد با اولین کسی که آشنا می شوند ازدواج نمی کنند و چه بسا با دختر و پسر متعددی ارتباط داشته اند اما به لحاظ مسائل سلیقه ای و فکری و شرایط خانوادگی، بعد از مدتی با یکی از آن ها و یا شخص دیگری ازدواج می نماید. حال چنین جوانی انتظار دارد که زندگی او سرشار از عشق و محبت و وفاداری بوده، کانون گرم خانوادگی اش متزلزل نشود؛ اما همیشه دل نگران است که مبادا روابط گذشته آثار بدی در زندگی اش بگذارد و افشای آن، سبب بروز مشکلاتی گردد؛ به ویژه در بافت اجتماعی جامعه ی ما. این نگرانی و تشویش، اثرهای مخرب بر بهداشت روانی او می گذارد و چه بسا با فاش شدن روابط گذشته، زندگی اش نیز از هم می پاشد و یا مجبور به انجام کارهای خلاف دیگری می شود؛ به عنوان نمونه:

ص: 48

دختر جوانی که به تازگی ازدواج کرده است، در نامه ای می نویسد: من با پسری قبل از ازدواج دوست بودم؛ اکنون که ازدواج کرده ام آن پسر مرا تهدید می کند که یا خواهر شوهرت را برای دوست شدن با من آماده کن و یا این که من مسائل مربوط به دوستی میان تو و خود را افشا خواهم کرد. (1) از این نامه به خوبی روشن است که آرامش روانی و زندگی این دختر به خطر افتاده و مجبور است، برای نجات خود، دختر معصوم دیگری را به بهانه های مختلف بفریبد و به ارتباط با جوانی که تنها قصد سودجویی دارد، تشویق نماید و آینده اش را به خطر اندازد. نکته ی دیگری که قابل توجه است، وضعیّت پسر تهدید کننده است که قبلاً با این دختر ارتباط داشته و با او ازدواج نکرده و اکنون خواهان ارتباط و سوء استفاده از دختر دیگری است. باید نشست و وعده های شیرین و سوزوگداز عاشقانه ی او (!) را گوش نمود که دل هر دختر خامی را می لرزاند. خانواده در غرب به روایت آمار کارشناسان غربی در این زمینه آمارهایی را تهیه کرده اند که نشان می دهد، امروزه ساختار خانواده در آن جوامع، با مشکلات متعدّدی دست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم جنس بازی، زندگی زوجین در چارچوب های خارج از دایره ی ازدواج، عدم وفاداری زوجین به یک دیگر، بی بندوباری فرزندان، سطح بالای حاملگی دختران نوجوان و بالا رفتن تعداد کودکان و نوجوانانی که در خانواده های بدون پدر یا مادر

ص: 49

بزرگ می شوند و...، پایداری خانواده ها را در آن جوامع با خطر مواجه ساخته است. که همه ی این ها نتیجه ی «لیبرالیسم جنسی» و آزادی های بی حد و مرز در روابط با جنس مخالف است. دقیقاً نیمی از جوانان امریکا با روابط جنسی افراد متأهل با دیگران مخالفتی نداشته، وفاداری زوجین به یک دیگر را امری بیهوده و بی مورد می پندارد. (1) با چنین نگرش هایی مشخص است که ساختار خانواده در این کشور از استحکام لازم بر خوردار نخواهد شد و ارزش بنیادی خود را در اجتماع از دست خواهد داد. در آماری آمده است: در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره ی ازدواج دارند. این میزان در سوئیس، فرانسه و انگلستان و هلند بین یک تا دو، و در ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و سایر کشورهای کاتولیک (که مذهب نقش بیش تری دارد) کم تر است. در امریکا، تجربه ی زندگی مشترک خارج از ازدواج و روابط قبل آن، از یازده درصد در سال 1970 به پنجاه درصد در سال 1993 رسیده است.

در کشورهای غربی، طی سال های 1970 تا 1988 تعداد نوزادان نامشروع که نتیجه ی روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج بودند، به شدت افزایش یافت. در سوئد از هفده درصد در سال 1970 به پنجاه و یک درصد در سال 1988 رسیده. و طی سال های دهه ی 1980

ص: 50

---

1- رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه ی پیش رفته ی صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، ص 500.



تقریباً پانزده درصد از نوزادان اروپایی به طور نامشروع به دنیا آمدند که میزان آن در کشورهای کاتولیک بسیار کم تر بوده است. (1) در آمار دیگری که درباره ی درصد ازدواج و طلاق ثبت شده، آمده است:

دوازده درصد از زنان سی و پنج تا سی و نه ساله در امریکا در سال 1991 ازدواج نکرده اند؛ در حالی که در سال 1980 تنها میزان آن شش و دو دهم درصد بوده که در طی ده سال تقریباً دو برابر شده است. (2)

بنابر آمارهایی که سازمان ملل متحد ارائه داده است، در سال 1991، امریکا بالاترین میزان طلاق را دارد و بیست و نه درصد از زوجین که تجربه ی ازدواج دوم را دارند کم تر از دو سال پس از ازدواج به طلاق روی می آورند، این میزان در طی ده سال به حدود پنجاه درصد می رسد. (3) ... در سال 1960 تنها نه درصد خانواده ها تک والدینی بودند، اما از سال 1975 تا 1990 از شانزده درصد به بیست و چهار درصد رسید. جالب این که از این میزان، تنها یک درصد مربوط به خانواده هایی است که پدر با فرزند و یا فرزندان خویش زندگی می کند و بیست و سه درصد باقیمانده را خانواده هایی تشکیل می دهند که شامل مادر و فرزندان می باشند. (4) در چنین جوامعی سرنوشت بشر به کجا خواهد انجامید؟ چه بر سر خانواده، مهر پدری و عطوفت مادری خواهد آمد؟ چه کسانی پاسخ گوی

ص: 51

- 
- 1- جلیل روشن دل و رافیک قلی پور، سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا، ص 35
  - 2- همان، ص 37.
  - 3- همان، ص 41.
  - 4- همان، ص 32.

فرزندان نامشروع و بی پناهند؟ به راستی عامل این همه فساد و فحشا، سقط جنین، خانواده های بی سرپرست و زنان مضطرب و بی پناه چیست؟ یکی از مطالبی که بسیار بر روی آن تأکید شده است، و از دلایل و بهانه های ایجاد رابطه، بیان می شود شناخت قبل از ازدواج است که اگر میان دختر و پسر رابطه ای نباشد و طرفین از هم شناختی نداشته باشند، ازدواج آن ها کورکورانه خواهد بود. (1) بدون تردید زوج های جوان باید با دیدی باز و آشنایی کامل از استعدادها و خصوصیات اخلاقی و فرهنگی یک دیگر، زندگی مشترک خود را آغاز نمایند تا در فراز و نشیب زندگی، با همراهی و همدلی مشکلات را پشت سر بگذارند. در اسلام نیز هم سطح بودن زوجین مورد تأکید قرار گرفته است. اما نکته ی اصلی در این است که آیا ارتباط و دوستی قبل از ازدواج، شناخت کامل را تأمین می کند؟ در آغاز باید به این نکته توجه نمود که چه شناختی تفاهم و درک متقابل را به همراه خواهد داشت و یک رنگی و یک دلی لازم را در زندگی به وجود خواهد آورد. واضح است زمانی شناخت کامل و دقیق به دست می آید که با عقل و خرد، فرد مقابل را از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. در ضمن باید تلاش های شناختی خویش را به گونه ای تحت کنترل در آوریم که از کج روی در اندیشه مصون بمانیم و در نتیجه، به شناخت یا بازشناسی

ص: 52

صحیح از یک دیگر راه یابیم. سه عامل سبب شناخت صحیح و حفظ از اشتباه است: 1. ارزشیابی کفایت ادله و شواهد: فرد دلایلی را که برای دست یافتن به نتیجه تدارک دیده است، ارزیابی می کند و آن ها را از جهت کفایت مورد بازبینی قرار می دهد (عقل ورزی). 2. برخورداری از علم: هر کس از علم بیش تری برخوردار باشد، در مقام شناخت، امکان بیش تری برای عقل ورزی خواهد داشت. احاطه ی علمی و برخورداری از اطلاعات گسترده، این امکان را برای فرد فراهم می آورد که مواد بیش تری برای ترکیب و مقایسه ی مطالب در اختیار داشته باشد و از این رو، به شناخت عمیق تر و بازشناسی دقیق تری دست می یابد و از نتیجه گیری خام دور می شود. 3. کنترل حب و بغض: عقل ورزی مستلزم آن است که از دخالت های انحراف آفرین حبّ و بغض جلوگیری شود؛ زیرا همان طور که دوستی مانع از بازشناسی ضعف هاست، دشمنی مانع از دیدن قوّت هاست. هنگامی که دو پای حبّ و بغض در بند عقل گرفتار آید، آدمی می تواند از کج روی در شناخت و بازشناسی در امان بماند. (1) حال، بسی روشن است که دوستی های خیابانی و تلفنی و روابط میان دختر و پسر، از آن جا که زیبایی و جدّاییّت جسمانی و تشابه ظاهری در آن نقش پررنگی دارد و افراد در آن مقطع در هاله ای از احساسات و عواطف غوطه ورنند و در پی فردی هستند که با ساخته های ذهنی شان مطابق باشد، در ارکان شناخت ناتمام است و کوری حاصل از عشق و محبّت بر آن حکومت می نماید. در این گونه روابط، چون احساسات و

ص: 53

هیجان‌ات و شور جوانی در حدّ بالایی قرار دارد، حسّ واقعیت‌آزمایی، ضعیف است و در مقابل، حالت‌های کام‌بخشانه، بسیار قوی هستند. دکتر... در مجله‌ی «ایران جوان» در ضمن گفت‌وگویی درباره‌ی روابط و عشق - علی‌رغم اصرار بر روابط آزاد - اذعان می‌دارد: در یک سری تحقیقات، به مردان مورد آزمایش گفتند که در این جا دو خطّ تلفن وجود دارد؛ با یکی از آن‌ها با خانمی زیبا صحبت می‌کنید و در دیگری با خانمی زشت. هنگام صحبت با خانم زیبا آن‌ها فکر می‌کردند که او باهوش‌تر است و مثلاً معاشرتی هم هست و لذا خود این‌ها در صحبت با او معاشرتی می‌شدند و سعی می‌کردند جذّاب‌تر جلوه‌کنند؛ یعنی هر دو طرف، بهترین چیزهایشان را در ویت‌ترین می‌گذارند و این ویت‌ترین‌ها هستند که با هم صحبت می‌کنند. هنگامی که دست از پیش‌گویی کام‌بخشانه برداریم، انتظار آتمان هم متفاوت خواهد بود؛ یعنی هنگامی که با واقعیت‌ها روبه‌رو شویم، حس می‌کنیم معشوق، چهره‌اش عوض شده است. (1) پس به اعتراف قائلین به روابط آزاد نیز این دوستی‌ها شناخت لازم برای زندگی را تأمین نمی‌کند و طرفین را از الزام‌های درونی نسبت به عشق، محبّت، خانواده، احساس مسئولیت و مقدار ظرفیت‌های روانی و عاطفی یک‌دیگر با خبر نمی‌سازد؛ بلکه این آشنایی، سطحی و کاملاً عاطفی است و حرف‌هایی هم که در آن مقطع رد و بدل می‌شود به همین گونه است و در آن‌ها از اصول مؤثّر در شناخت، خبری نیست.

ص: 54

سرانجام آشنایی های تلفنی و ازدواج های خیابانی به حکایت آمارهای منتشر شده، این گونه ازدواج ها از استحکام کم تری برخوردارند و تعداد قابل توجهی از آن ها به طلاق کشیده می شوند. در این گونه روابط، طرفین، نقاط ضعف خود را می پوشانند و بیش تر سعی در جلب توجه دیگری دارند و نقش بازی می کنند. آن ها سعی دارند همان گونه باشند که طرف مقابل می پسندد! اگر سری به هفته نامه ها و مجلات خانوادگی بزنیم، صفحات هم راز و پزیشک مشاور، مملو از غم نامه هایی است که دخترها و پسرها از دوستی ها و ازدواج های ناکام خود نوشته اند. بسیاری از ایشان، وقتی شور و اشتیاق اولیه شان فرو نشست و با واقعیت های زندگی، بیش تر رویه رو شدند، با يك دیگر احساس نوعی بیگانگی و غرابت نموده، با عدم تفاهم در زندگی مشترك مواجه شده اند. بسیاری از ازدواج هایی که از روابط خیابانی، پارک و دانشگاه ها شروع شده اند، یا به سرانجام روشنی نرسیده، یا قبل از ازدواج رها شده و حاصلی جز بدنامی نداشته اند. عشق و علاقه هایی که از طریق آشنایی در خیابان و تماس تلفنی و ... حاصل می شود، به همان صورت که با شتاب ایجاد می شود، به سردی می گراید و خاموش می شود. دکتری جامعه شناس، دلیل ضعف چنین پیوندهایی را در بی پایه بودن عشق های زودگذر جست و جو می کند و می گوید: جوانانی که هم دیگر را در پارک ها و خیابان ها می یابند، یا از طریق تماس های تلفنی به هم دیگر علاقه مند می شوند، اصولاً مبنا و اساس علاقه مندی خود را بر همان نگاه های اولیه پایه گذاری می کنند و این عشق و علاقه وقتی ظاهری باشد، قاعدتاً بعد از مدت زمانی

به

تحلیل می رود و نهایتاً خاموش می شود. لذا می بینیم که اغلب چنین ازدواج هایی حتی بعد از مدّت زمان کوتاهی (کم تر از يك سال) به طلاق می انجامد. (1) جوانان شرکت کننده در مصاحبه ای درباره ی روابط دختر و پسر، علی رغم اصرار بر رفع محدودیت های موجود در جامعه و خانواده، در لابه لای سخن خود به این مفاسد اشاره نموده اند: پسری می گوید: من هیچ وقت امکان ندارد با دختری که دوست هستم، ازدواج کنم [و ازدواج طبق معمول و با همراهی خانواده پسندیده است] ... شما اگر معنای ازدواج را بدانید، آن وقت حسّاسیت مردهای ایرانی را می فهمید ... اگر دختری با چند تا پسر دوست بوده باشد، حاضر نیستم با او ازدواج کنم. دیگری می گوید: من اگر دختری داشته باشم نمی گذارم که با پسری ارتباط داشته باشد؛ چون این ارتباط بد جا افتاده و اکثراً برای وقت تلف کردن است نه برای ازدواج. (2) حال با توجه به این مسائل، اصرار بر روابط آزادانه ی دختر و پسر، چه ثمری می تواند به بار آورد؟ در جای دیگر از این مصاحبه، درباره ی مفاسدی که این نوع روابط به همراه دارد آمده است: به نظر من، اگر پس از ایجاد ارتباط، ازدواجی صورت گیرد، مشکل آفرین می شود؛ چون پسرهایی که [با دختری] دوست می شوند، تا

ص: 56

---

1- دکتر شیخی، هفته نامه ی دیدگاه، پیش شماره ی 3، آبان 79، ص 5.

2- ایران جوان، ش 135، ص 36.

مشکلی در زندگی مشترك پیش می آید می گویند: آره، تو همان کسی بودی که با من دوست شدی.... (1) در نتیجه، افراد طرفدار آزادی روابط نیز، به مفاسد و کج روی هایی که در آن یافت می شود، اذعان دارند. اسلام صحبت کردن زن و مرد و رسیدگی به کارهای روزمره ی زندگی را حرام نکرده است، بلکه در مواردی که دختر و پسر قصد ایجاد روابط را داشته باشند، برای آن ضوابطی نهاده و از بی بند و باری و فساد جلوگیری کرده است که در بخش های آینده بدان خواهیم پرداخت. در نتیجه به صرف ایجاد رابطه، شناخت لازم حاصل نمی شود؛ بلکه دقت بر بافت خانوادگی، فرهنگی، اقلیمی، شرایط محیطی که فرد در آن رشد یافته، میزان تحصیلات و شاخص هایی از این قبیل لازم است تا طرفین زمینه های تقاهم را دریابند. البته بعد از مطالعه و دقت در مطالب یاد شده، اگر شرایط مثبت بوده و دختر و پسر قصد ازدواج داشته باشند، می توانند برای اطمینان و ایجاد هماهنگی و همسانی بیش تر با نامزدی شرعی (عقد موقت) به خواست خود برسند که امروزه در بسیاری از مناطق ایران مرسوم شده است. بدین ترتیب، طرفین با راهیابی به مقصود از طریق مواجهه ی حسی و نظری (از راه صحیح و مورد پسند عرف و شرع) به شناخت کاملی از یک دیگر خواهند رسید. و اگر دختر و پسر، همسانی کامل نداشته و تعهد و گذشت و ایشار را اساس زندگی خود قرار ندهند و برای برآورده نمودن انتظارات طرف مقابل تلاش نمایند، ادعای عشق و عاشقی و دلدادگی های اولیه دوامی

ص: 57

نداشته، سعادت و خوشی را در پی نخواهد داشت. «روژه موکی یلی» در کتاب روان شناسی زندگی زناشویی و کتاب عقده های روانی، آماری را در باره ی سرنوشت عشق های خیابانی آورده است:

نود درصد افراد متأهل (در فرهنگ ما غربی ها) ازدواجشان پیامد عشقی بوده که نسبت به آن تردیدی نداشته اند و از این رقم نود و پنج و نیم درصد شوهران مورد پرسش، پس از گذشت سه سال از ازدواج خود، اظهار می دارند که در خانه احساس خوش وقتی نمی کنند و در همین شرایط نود و یک و نیم درصد زنان اظهار می دارند در خانه خوش وقت نیستند. (1)

جدا سازی دختر و پسر در جامعه و دانشگاه سبب بالا رفتن سن ازدواج می شود: ما الآن دانشگاهی در کشورمان داریم که تمام کارکنان و استادان و دانشجویان از يك جنسند. یکی از مشکلات مدیران این دانشگاه این است که این دختران تا پایان تحصیلات، قادر نیستند ازدواج کنند. (2) بدیهی است کاهش ازدواج، معضل بسیار خطرناکی است که آثار زیان باری بر فرد و جامعه می نهد. کاهش ازدواج و توسعه ی تجرّد، قطع نظر از اثری که در بقای نسل بشر دارد، از نظر ایجاد يك نوع زندگی بدون احساسِ مسئولیت و قطع پیوندهای اجتماعی و بی تفاوتی در برابر رویدادهای اجتماعی - که از آثار قطع زندگی افراد مجرّد است - يك

ص: 58

---

1- روژه موکی یلی، عقده های روانی، ترجمه ی شجاع رضوی، ص 101.

2- ایران جوان، ش 135، ص 35.



فاجعه‌ی بزرگ برای جوامع بشری محسوب می‌گردد و اگر انحرافات اخلاقی را که در این رهگذر دامن‌گیر بسیاری از افراد مجرد می‌شود، به آن بیفزاییم، اهمیت این مشکل اجتماعی، روشن‌تر خواهد شد. (1) اکنون به بررسی یکی از عوامل اصلی این معضل اجتماعی می‌پردازیم:

بدون تردید این وضعیت معلول یک یا دو عامل نیست؛ ولی نکته‌ی مورد نظر، کشف رابطه‌ی «اختلاط و توسعه‌ی روابط آزاد» با «ازدواج» است.

با کمی تأمل در مطالبی که در صفحات پیشین ذکر شده است، در می‌یابیم که این آزادی‌ها سبب کاهش ازدواج می‌شود؛ زیرا سهولت ارتباط و بهره‌مندی آسان و رایگان سبب می‌شود که احساس نیاز درونی جوانان به جنس مخالف که خود زمینه‌ساز اصلی ازدواج است از مسیر صحیح منحرف شده، کام‌جویی‌های بدلی جای آن را بگیرد. در جامعه‌ای که پسر جوان به سادگی امکان ارتباط با دختری را داشته باشد و با کم‌ترین زحمت بتواند از جنس زن بهره‌مند شده، با او هم‌کلام و هم‌قدم شود و دوستی و عشق‌بازی نماید، دیگر چه لزومی دارد که خیلی زود خود را گرفتار ازدواج و محدودیت نماید و زیر بار مسئولیت سنگین تشکیل خانواده برود؛ آن هم با مشکلات و موانعی که امروزه بر سر راه آن است؛ در حالی که بدون قبول هیچ مسئولیتی، می‌تواند به افراد زیادی دسترسی داشته باشد.

ص: 59

---

1- ویل دورانت، لذات فلسفه، 94؛ و ناصر مکارم شیرازی، مشکلات جنسی جوانان، ص 32؛ و مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص 67 و 66.

معاشرت های آزاد دختر و پسر، ازدواج را به صورت يك وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است. تفاوت جامعه ای که روابط جنسی را محدود و ضابطه مند می کند با اجتماعی که روابط آزاد را اجازه می دهد، در این است که: 1. ازدواج در اجتماع اول، پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در نظام روابط آزاد پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آن ها را وادار می کند که به هم وفادار باشند و در نظام ضابطه مند، به محرومیت و انتظار پایان می بخشد. 2. در نظام روابط آزاد، پسران و دختران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سرباز می زنند و فقط هنگامی که نیروی جوانی و شور و نشاط آن ها رو به ضعف و سستی نهاد، برای فرار از احساس خستگی و دل زدگی و هراس زن از ورشکستگی و تنهایی، اقدام به ازدواج می کنند. (1)

در صفحات گذشته با وضعیت خانواده و ازدواج جوانان در اروپا و امریکا آشنا شدید، که در سایه ی اختلاط، به جای بالا رفتن آمار ازدواج، آمار طلاق و مفاسد دیگر بالا-رفته است. جوامع صنعتی با گسترش روابط آزاد، گرفتار معضلاتی در زمینه ی افزایش فساد و انحراف در اخلاق جنسی و تزلزل خانواده ها گردیده اند. در بسیاری از کشورهای غربی بیست تا سی و پنج درصد از زوج ها با این که با هم زندگی می کنند اما ازدواج رسمی ننموده اند و نیمی از جوانان امریکایی، روابط نامشروع را برای افراد متأهل جایز می شمارند و دوازده درصد از زنان سی و پنج تا سی و نه ساله ی امریکایی در سال 1991

ص: 60

---

1- مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، 90 و 91 و لذات فلسفه ص 167 و 168.

ازدواج نکرده اند؛ در حالی که در سال 1980 میزان آن شش و دو دهم درصد بوده که در طی ده سال تقریباً دو برابر شده است. (1) «ویل دورانت» آماری از کاهش ازدواج و افزایش طلاق را - که ناشی از آزادی جنسی و گسترش روابط و تغییر اصول اخلاقی است - در دوران خود و قبل از آن نقل می‌کند و می‌گوید: در سال 1912 میانگین سن ازدواج در پاریس به سی رسیده بود و در انگلستان بیست و شش بود. احتمال می‌رود که در این هفده سال اخیر، این معدّل در انگلستان بالاتر رفته باشد و بقیه ی دنیای صنعتی متمدّن [!] نیز همین راه را پیموده باشند. ... این تأخیر ازدواج بیش تر در طبقات شهرنشین است ... و بسیاری از آن‌ها هرگز ازدواج نمی‌کنند. در سال 1911 از سی و شش میلیون نفر جمعیت انگلستان و ویلز؛ یعنی از بیست میلیون نفر جوان، هفت میلیون تن خود را از قید ازدواج به کنار داشته بودند. روز به روز فرار مردان از ازدواج بیش تر می‌شود. هزاران زن آماده اند که امیال جنسی او را بر آورند. اگر داشتن فرزند رنج بار است، اگر به جای خانه در آپارتمان می‌توان زندگی کرد، ازدواج به جز ارضای میل جنسی (که آن هم آسان و فراوان یافت می‌شود) چه نفع دیگری دارد؟!

... وقتی جوان مجرد مشکلات افراد متأهل را می‌بیند، تعجب می‌کند که چه امری موجب می‌شود که مردان چنین بردگی و رنجی را تحمل کنند ... پس از مراجعه به دخل و حساب خود، سعادت را در تنهایی می‌بینند.

ص: 61

---

1- سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا، ص 35.

در همان شهری که موانعی سر راه ازدواج می‌گذارد برای تحریک غریزه ی جنسی و تسهیل ارضای آن، همه گونه وسایل را آماده می‌سازد. (1)

بنابراین عادی سازی روابط و بهره مندی آسان از جنس مخالف، سبب کاهش ازدواج می‌شود. اما در محیط سالم و پاک و به دور از محرکات جنسی، جوانان برای پاسخ گویی به نیاز فطری و ندای طلبی که از عمق وجودشان بر می‌خیزد، راه صحیح را پیموده، و برای دستیابی به یک دیگر با پاکی و صیانت از روح و روان خود، به سوی ازدواج گام بر می‌دارند و با کمال افتخار مسئولیت آن را می‌پذیرند. نکته ی دیگر آن که پسران و دخترانی که به دانشگاه های مختلط راه نمی‌یابند، از ازدواج محروم نمی‌گردند و هم چنین سن ازدواج جوانانی که وارد محیط های علمی غیر مختلط، (همچون حوزه های علمیه) می‌شوند بالا نرفته، بلکه برای پاسداری از حریم دل و ایمان در سن پایین تری به ازدواج روی می‌آورند. جدای از آن با صرف ادعای تأثیر اختلاط در پایین آوردن سن ازدواج، مشکلی حل نشده، بلکه باید با ارائه ی آمار واقعی و مستند به کارشناسی پرداخت.

ص: 62

## 5. احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت

یکی از دلایل پسران و دخترانی که خواهان روابط دوستانه هستند، هم سخن شدن با یک دیگر و احساس نیاز به رفیقی مهربان است. در نامه ای آمده است: دختری هستم بسیار غمگین؛ اگر ناراحتی خود را به مادرم بگویم، ناراحت می شود؛ بنابراین می خواهم پسری پیدا کنم و با او درد دل کنم. (1)

یکی از عواملی که نقش بسیاری در روی آوردن جوانان، به ویژه دختران، به ارتباط با جنس مخالف دارد، کشش درونی و نیاز شدید به محبت و مهربانی است. کم نیستند دختران جوانی که با اولین نامه ی «فدایت شوم» جذب شده، دست پاچه می گردند و به نامه ها و نگاه های پسران پاسخ داده، خویشتن داری خود را از دست می دهند؛ اینان از کمبود محبت رنج می برند.

دختر و پسری که در درون خانواده احساسات و عواطف آن ها ارضا نشود و به نیازشان به محبت و مهربانی توجه نشود و در جمع خانوادگی احساس غربت و تنهایی کنند، طعمه های آماده ای برای افراد فرصت طلب و سودجو می باشند و به راحتی به این وادی کشیده می شوند. اگر فضای خانواده ای از مهر و محبت و انس خالی بوده، خشکی و سردی و خشونت بر آن حاکم باشد و ضوابط اخلاقی و حدود اجتماعی، با بیانی روشن و منطقی برای افراد تبیین نشود، بدیهی است جوان آن

ص: 63

---

1- از پرسش های رسیده به مرکز.

خانواده، به دنبال راه فرار می‌گردد و دیگر به جوانب منفی آن توجه نمی‌کند؛ به ویژه جوانی که نیاز به ازدواج را در خود احساس کرده، اما همراهی و همدلی را در خانواده نمی‌بیند، با تنفّری که از جوّ حاکم احساس می‌کند، خواه ناخواه به سوی روابط پنهان کشیده می‌شود. اما روی سخن با جوانانی است که در این فضا گرفتارند؛ راستی چه باید کرد؟ آیا روی آوردن به دوستی های خیابانی و تلفنی راه حلّ درستی برای مشکل آنان است؟ چه بسیارند دختران و پسرانی که در ابتدا بر اساس نیاز به محبّت و برای جبران کمبودهای گذشته، در این وادی پناهندند و اندک اندک از درس و تحصیلات عالی باز ماندند و به مرور با پاسخ به تمایلات غریزی و لذایذ جنسی، اسباب بدنامی و تباهی خویش را فراهم آوردند که مشکلات و رنج های بعدی، صد بار از تنهایی اولیه سخت تر و شکننده تر است. این گونه افراد دچار آسیب های روانی و تربیتی و اجتماعی می‌شوند.

دختری پانزده ساله در ضمن نامه ای می‌نویسد: «من دختری هستم که به علّت کمبود محبّت در خانواده، سال گذشته ناچار دست به خود کشی زدم (اما با کمک مادر و پزشکان) از مرگ نجات پیدا کردم ... مادرم در همه جا غرورم را می‌شکند، ولی برای خواهرم احترام زیادی قائل است؛ البته من در گذشته مرتکب اشتباه شده، با پسری دوست شدم که در همسایگی ما زندگی می‌کرد. به خدا نمی‌خواستم چنین کاری را انجام دهم، ولی بر اثر کمبود محبّت و تحریک دوستان، مجبور به این کار شدم. مادرم از زمانی که به مسأله

پی برده است، در هر کاری سرزنش می کند. (1) این نامه نمونه ای است از آسیبی که دختر به دلیل دوست شدن با پسر همسایه، در محیط خانه با آن رو به رو است. این آسیب نه تنها جایگاه او را در خانواده مورد تهدید قرار می دهد، بلکه احترام به خود و شرافت و کرامت نفسانی دختر را نیز با آسیب مواجه می سازد (هر چند این نوع برخورد خانواده ها نیز صحیح نیست؛) و جدای از آن با اطلاع دیگران از این قضیه، در محله و نزد بستگان و دوستان نیز دچار مشکلات جدی می شود.

دختر خانم هفده ساله ای می نویسد: من در زندگی شکست خورده ام و دیگر چاره ای جز خودکشی ندارم؛ چون دیگر حاضر نیستم بعد از این کار، مهر هیچ پسری را در دل جای دهم و همیشه در خود فرو رفته ام و از همه کس متنفرم؛ به هیچ یک از آن ها اطمینان ندارم؛ همه ی آن ها بی معنا هستند. در حالی که پسر عمه ام مرا بسیار دوست می داشت و من هم اوایل - قبل از آن که با آن آقا آشنا شوم - به پسر عمه ام علاقه ی زیادی داشتم، ولی او اصلاً خبر نداشت؛ چون غرورم به من اجازه نمی داد تا بفهمانم که به او علاقه مندم. ولی تحت تاثیر بعضی از دوستان ناباب با آن آقا آشنا شدم و عاقبت هم، چنان غرورم را شکست خورده یافتم که امروز چاره ای جز خودکشی برای خود نمی یابم. (2) در آغاز نامه درباره ی چگونگی آشنایی خود با این پسر آورده است: من با تلفن با آن آقا آشنا شدم ... و ایشان پیوسته به من وعده ی

ص: 65

---

1- دکتر سید علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط، ص 123.

2- همان.

ازدواج می داد. وقتی از او خواستم که برای خواستگاری بیاید، او گفت که خانواده ام با این کار موافقت نمی کنند؛ یعنی خانواده ی من اجازه ی وصلت با غریبه ها رانمی دهند. (1) این نمونه ی دیگری است از افرادی که در ابتدا با غرور و خوشحالی و مستی و بدون در نظر گرفتن عواقب و جوانب آن، وارد این وادی خطرناک شده، اما بعد از مدتی حیثیت و شرافتشان آسیب می بیند و بانگاه و سخن مردم، مورد سرزنش و ملامت قرار می گیرند و سرانجام خود را در بن بست روحی دیده، قصد خودکشی می نمایند؛ و این حدّ نهایت عجز و بدبختی است. خودکشی، تنها فرار از واقعیت و تسلیم در برابر مشکلات است. بهترین راه مبارزه با مشکلات، ایجاد تحوّل در اعمال و رفتار است که به مرور، سبب تغییر دیدگاه دیگران می شود و همیشه به یاد داشته باشیم که گذشته ها را - هر چند با سختی - می توان جبران نمود. عامل دیگری که سبب اقدام جوانان به برقراری روابط می شود، ابراز شخصیت و اثبات باعرضه بودن نزد دوستان ناباب است. در این میان، مسئله ی رقابت نوجوانان و به رخ کشیدن برای هم سالان، نقش عمده ای ایفا می کند. برخی از نوجوانان برای این که در جمع دوستان مورد تحسین قرار گیرند و یا از ترس این که بی عرضه و بی جرئت معرفی شوند، به دنبال دوست پسر یا دختر می گردند و حتی کسانی که به خوبی از عواقب سوء این کارها آگاهند، در بعضی موارد با صحنه سازی ها و نامه نگاری های قلابی، این طور نشان می دهند که آن ها نیز دوستانی دارند و آن چه بیش تر به این قضیه دامن می زند، احساس رسالت در مورد پیدا کردن دوست برای يك دیگر است که عامل تسهیل کننده در جهت

ص: 66

---

1- همان.



برقراری روابط نادرست بین دختران و پسران است. (1) از یکی پیغام می گیرند و به دیگری می رسانند و واسطه ی ردّ و بدل کردن نامه ها می شوند و حتی به دروغ مطالبی از قول کسی به دیگری می گویند. این ها عواملی است که سبب ورود دختر و پسر در وادی ارتباط شده و آن ها را از عواقب آن غافل می نماید. در نامه ای آمده است: مادرم هشت صبح از خانه بیرون می رفت و تا هشت غروب به خانه نمی آمد؛ من تنها در خانه می ماندم و به کارها می رسیدم؛ ولی در عوض، ناسزا و کتک، جبران زحمات من بود. بعد از آن دیدم خیلی تنها هستم، به همین دلیل دل به دریا زدم و با دختر همسایه آشنا شدم. او از من بزرگ تر بود و نامزد داشت؛ او یک برادر شوهر داشت که وقتی به خانه ی آن ها می رفتم، گاهی او را می دیدم. دختر همسایه مرا فریب داد و حرف هایی به دروغ از طرف برادر شوهرش به من گفت و من با خود گفتم: شاید برادر شوهرش با من ازدواج کند و من از غم ها رها شوم. به این ترتیب با او آشنا شدم. حدود یک سال و نیم از آشنایی من با او می گذشت که یکی از اقوامان با خبر شد و به خانواده ام خبر داد (که سبب کتک خوردن و تنبیه و بدبختی من شد). الان چهار سال و نیم (از آن روز) می گذرد و من در خانه مثل پرنده ای در قفس هستم و به انتظار نشسته ام که یکی بیاید و مرا از این زندان غم و تنهایی نجات دهد. در این غم نامه نکات مهمی جلب توجه می کند که می تواند برای همه ی پسران و دختران جوان مفید باشد:

ص: 67

---

1- همان، ص 64.

1. دختر برای فرار از تنهایی و کمبود محبت، اقدام به ارتباط نمود، ولی سرانجام، همانند بسیاری دیگر، گرفتار غم و تنهایی و غربتی چند برابر اول شد. 2. دختر همسایه نقش واسطه را بازی نمود و به دروغ او را به این وادی کشاند. 3. او به خیال ازدواج و در آرزوی این که با آن پسر ازدواج می کند، راضی به ارتباط شد. 4. آسیب روانی و اجتماعی که او را گرفتار کرد، شور و نشاط و شادابی او را از بین برد و آینده اش را به تباهی کشاند، و در جمع نیز بدنام گردید. چه بسا دخترانی که در زیر این فشار و این که دیگر کسی به خواستگاری آن ها نمی آید، دست به خودکشی می زنند و خود را گرفتار قهر ابدی الهی می نمایند.

جوانان و نوجوانان عزیز باید توجه داشته باشند: گام نهادن در این میدان رنگارنگ و فریبنده، آینده ی تاریکی دارد و همچون سرگذشت هایی که ذکر شد، جز بدنامی و ناکامی، سرانجام دیگری ندارد. چه خوب است جوانان با آن همه شور و احساس و نیروی جوانی، به دنبال کسب اهداف بلند در زندگی رفته، آینده ای درخشان را برای خود رقم زنند و سبب سربلندی خانواده و جامعه گردند و با رعایت اصول اخلاقی و حدود اجتماعی، راهی درست را برای نیازهای خود انتخاب کنند.

## 6. احترام به شخصیت دختر و پسر و شکوفایی استعدادها

آن‌ها جلوگیری از روابط دختر و پسر، موجب روی آوردن جوانان به اموری می‌شود که شخصیت آن‌ها را خدشه دار می‌کند.

به عنوان مثال در هفته نامه ی «ایران جوان» آمده است: «محدودیت ارتباط میان دختر و پسر، به روی آوردن جوانان به مسائل غیر اخلاقی و پیدا شدن نوع پوشش عجیب و غریب برخی، به قصد جلب توجه انجامیده است.»<sup>(1)</sup> و هم چنین پیرامون لزوم تجربه های عشقی قبل از ازدواج بیان شد: «در حقیقت عاشق شدن یکی از ظرفیت های خود شکوفایی است.»<sup>(2)</sup> برچیده شدن محدودیت های اجتماعی، در ارتباط دختر و پسر و غوطه ور شدن در دریای پر تلاطم احساسات، شور و هیجان جنسی را در جامعه دو چندان کرده، سبب فزونی التهاب می‌گردد. این کار توجه دختر و پسر را به یک دیگر جلب نموده، موجب گسترش جلوه گری می‌شود. در این میان تجارت عشق، شیوع یافته، افراد بازیچه ی هوس می‌گردند و گرایش به آراستگی ظاهری و آرایش افراطی، روز به روز بیش تر شده، پیروی از مَدِر روز، فزونی می‌یابد؛ تا بدان جا که همه ی فکر و اندیشه ی جوان را تسخیر می‌کند و هویت و شخصیت خود را در مقبولیت و جذابیت و همراهی با دنیای مَد می‌جوید. همان طور که در صفحات قبل نقل کردیم، دختر تمام خوش بختی را در شکل بینی و مژه و پسر در پرورش اندام و آرایش مو... می‌بیند. وقتی تمام هدف و آرزوی جوانان، جلب نظر جنس مخالف باشد،

ص: 69

---

1- ایران جوان، ش 165، ص 41.

2- ایران جوان، ش 135، ص 20.

ناخود آگاه به ویتترین های متحرکی تبدیل می شوند که بازیچه ی امیال تولید کنندگان کالا و شرکت های تجاری اند و شخصیت انسانی آنان مسخ می شود.

در چند سال اخیر، در اثر نفوذ فرهنگ غرب و گسترش روابط، مشاهده می شود برخی از جوانان برای جلب توجه بیش تر با شکل و شمایل عجیب و غریبی در جامعه ظاهر می شوند و حالتی مضحك و زننده به خود می گیرند. استاد شهید «مرتضی مطهری» در کتاب مسئله ی حجاب، به نقل از یکی از مجلات، متن شکایت نامه ی مردی از همسرش را این گونه نقل می کند: زخم در موقع خواب به يك دلقك درست و حسایی مبدل می گردد. موقع خواب برای این که موهایش خراب نشود، يك كلاه توری بزرگ به سرش می بندد؛ بعد لباس خواب می پوشد؛ در این موقع است که جلوی آئینه ی میز آرایش می نشیند و گریم صورتش را با شیر پاك كن می شوید. وقتی رویش را برمی گرداند احساس می کنم او زن من نیست؛ زیرا اصلاً شكل سابق را ندارد. ابروهایش را تراشیده و چون مداد ابرو را پاك کرده، بی ابرو می شود. از صورتش بوی نامطبوعی به مشام من می رسد؛ زیرا کرمی که برای چین و چروك به صورتش می مالد، بوی کافور می دهد و مرا به یاد قبرستان می اندازد... و برای این که ناخن های دست و پایش مانیکور شده و دراز است و به لحاف نگیرد و چندشش نشود و احیاناً نشکند، دست و پای خود را در کیسه می کند و به همین ترتیب می خوابد. (1)

ص: 70

این نمونه ای از زن به اصطلاح آزاد است که در ورطه ی تجدد مآبی به تباهی کشیده شده و ارزش و شخصیت انسانی و زنانگی خود را از دست داده است و تنها مردی را که در نظر ندارد شوهر بیچاره اش است. بدیهی است ارزش و شخصیت انسان بالاتر از آن است که با این گونه مسائل درهم کوبیده شود. آزادی های غربی، افراد جامعه را به منجلا ب فساد جنسی می کشاند که اسارت و نابودی فکر و جان و روان را به دنبال دارد و حیات سالم اجتماعی را به مخاطره می اندازد. نگه داشتن حریم میان دختر و پسر، سبب جلوگیری از مفسد مذکور و افزایش قدر و منزلت زن به عنوان محبوب و مطلوب می شود. حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با يك نوع الهام برای گران بها کردن و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با يك حس مخصوص به خود، دریافته است که از لحاظ جسمی نمی تواند با مرد برابری کند... و از طرف دیگر نقطه - ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود او نهاده است که او را مظهر عشق و طلب، و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. زن متوسل به زیور و خود آرایی و تجمل شده که از آن راه، قلب مرد را تصاحب کند و با دور نگه داشتن خود از دسترس مرد، آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد. (1) «راسل و ویل دورانت» درباره ی هسته ی مرکزی عشق می گویند: نکته ی اساسی و هسته ی فکری عشق رمانتیک، آن است که فرد، معشوق را چیزی فوق العاده ارزشمند و صعب الوصول می داند. هر

ص: 71

چند بیش تر زحمت بکشد، احساس او بیش تر است و این عشق با منع و جلوگیری، به سوی درون نگری و تخیل سوق داده می شود و قوی می گردد. (1) در جامعه ای که در هر کوچه و خیابانی، دخترها و زن ها به جلوه گری پردازند و میان جنس مخالف به راحتی ارتباط و دوستی برقرار باشد، دست یابی به ظاهر معشوقه ها سهل الوصول بوده و زن به قدر و منزلت حقیقی خویش در فلسفه ی وجودی اش، که همان مظهر معشوقیت است، دست نمی یابد. و اگر زنی شایسته ی توهین باشد، آن است که در غیاب همسر، زیبایی خود را در معرض تجارت می گذارد و برای تفنّن و اسراف در محبت، به سوداگری می پردازد و سرتاسر روز را به آرایش و گرد زنی سر و صورت و پیچ دادن مو و پوشیدن لباس می گذراند. (2) زنان بی شرم جز در لحظاتی زودگذر، برای مردان جذاب نیستند. (3)

## 7. لزوم اختلاط میان دختر و پسر در مدارس و دانشگاه ها

برخی جداسازی پسر و دختر در مدرسه ها و یا دانشگاه را صحیح ندانسته، قائل به اختلاط در محیط آموزشی شده اند. در مجله ای در ضمن گفت و گو درباره ی چگونگی روابط دختر و پسر آمده است: نکته ی دیگر این که روش غلط جداسازی دختران و پسران را در دانشگاه هم اجرا کرده اند و موجب شده اند که معمّای ارتباط دختر و

ص: 72

---

1- لذات فلسفه، ص 128 و 129؛ زناشویی و اخلاق، ص 67؛ و هنر عشق ورزیدن، ص 123.

2- لذات فلسفه، ص 160

3- همان، ص 129.

پسر پیچیده تر شود؛ در حالی که دانشگاه محیط سالمی است.(1) بحث اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، بحثی دامنه دار و بسیار مفصل و طولانی است که ما در این جا به اختصار آن را بررسی می کنیم(2):

در ابتدا باید گفت: این مسئله حتی در میان خود غربیان و به خصوص بعضی از کشورهای اروپایی و امریکایی دارای مخالفان بسیاری است. در بیش تر کشورهای جهان، مدارس به صورت غیر مختلط اداره می شوند و در بیش تر کشورهای دارای مذهب کاتولیک در اروپا و امریکا، حتی فرانسه و انگلستان و نیز بسیاری از مدارس متوسطه و دانشکده ها در خود امریکا و امریکای لاتین و بیش تر کشورهای شرق، هنوز دختران در مدارس جدا از پسران تحصیل می کنند. هم چنین در کشورهایی نظیر بلژیک، آلمان، اتریش، مجارستان، اسپانیا و یونان، از آموزش مختلط در سطح مدارس متوسطه استقبال نشده است.(3) حتی در کشورهایی نظیر شوروی سابق، تا اواسط قرن بیستم، اختلاط جنس ها در مدارس به صورت رسمی و جامع نبود و بیش تر مدارس به صورت غیر مختلط اداره می شد. قبل از هرگونه پیش داوری در این رابطه، ابتدا برخی از نظرات موافق و مخالف را با استفاده از منابع معتبر نقل می کنیم و سپس به بررسی آن ها می نشینیم:

ص: 73

---

1- ایران جوان، ش 135 ص 35، و نروز

2- برای اطلاعات بیش تر رجوع شود به مقاله ی اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، آقای اسدالله طوسی، مجله ی معرفت، شماره ی 32، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مطالب مربوط به بحث اختلاط در مدارس ... در صفحات بعدی این مقاله استفاده شده.

The American peoples Encyclopedia , V.389, P.614. V. 5, P.753 . Willysing Goodsell op. cit, V.384, -3  
.P.614

الف. نظر موافقان موافقان و حامیان تعلیم و تربیت مختلط، مستندات و دلایل روی آوری جوامع گوناگون به این شیوه را ذکر کرده اند که مهم ترین آن ها بدین قرار است:

1. تعلیم و تربیت مختلط با عدالت و انصاف سازگارتر است و همه از فرصت های تحصیلی و امکانات آموزشی، به یک اندازه استفاده می برند. 2. غالباً گفته می شود که جو اخلاقی مؤسسات آموزشی مختلط، بهتر از مؤسسات غیر مختلط است. 3. تعلیم و تربیت مختلط از نوع غیر مختلط آن اقتصادی تر است. برخی از آن ها معتقدند که آموزش و تحصیل دختران جوان و زنان در کنار پسران و مردان، بسیاری از هزینه های اقتصادی را کاهش می دهد و به عکس، اگر دو جنس در مدارس جدا از هم و در عرض یک دیگر تحصیل کنند، دارای هزینه های اضافی بسیاری خواهند بود. و این را یکی از دلایل مهم آموزش مختلط می دانند. 4. تجربه ی تحصیل و آموزش دختران و پسران جوان در مدارس مختلط، برای کارهای گروهی آن ها در آینده مفیدتر است. 5. مردان و زنانی که در مؤسسات آموزشی، با فضای باز و بدون قید و بند جنسیتی تحصیل و کار کنند، برای انجام کارهای مشترک در آینده و ساختن جهانی بهتر، آمادگی بیش تری خواهند داشت. از مجموعه ی این دلایل استفاده می شود که مراکز و مؤسسات آموزش، نباید در انحصار مردان باشد؛ بلکه چنین مراکزی باید برای زنان نیز وجود داشته باشد تا آن ها ضمن تحصیل و کسب معلومات و معارف، برای کسب درآمد و



شغل نیز آماده شوند. (1) در پاسخ باید گفت ریشه‌ی این تفکر، تلقی غلط از تساوی حقوق زن و مرد (2) و پیروی از نهضت «فیمینسم» (3) است. پرسشی که مطرح است این است که به چه دلیلی حتماً باید این مراکز به صورت مختلط وجود داشته باشد و زنان در کنار مردان به تحصیل پردازند؟ بلکه می‌توان گفت به ظاهر یکسان قرار دادن زن و مرد در همه‌ی عرصه‌ها و کارها، در بسیاری از موارد نقض غرض نموده و سبب ظلم به زنان و نادیده گرفتن حقوق واقعی آنان می‌شود؛ زیرا اصلی‌ترین حق زن آن است که توانایی‌ها و استعدادها و ویژگی‌های فطری و طبیعی‌اش مورد توجه واقع شود. در زمینه‌ی مسئله‌ی آموزشی نیز می‌توان گفت: باید پیرو آموزش جداگانه بود و با در نظر گرفتن استعدادها و نیازهای هر یک از دو جنس، مواد آموزشی را تدارک دید. همان طور که در بعضی از مناطق، نظیر کشور اسپانیا اجرا می‌شود که مواد آموزشی در هر نظام برای هر یک از دو جنس دختر و پسر متفاوت بوده، برای هر کدام از آن‌ها به طور جداگانه کتاب‌های درسی متناسب با خودشان، با توجه به نیازهایشان، تهیه و تدارک دیده شده است. (4) علاوه بر این‌ها آثار و تبعات دیگری - که در ضمن نظر مخالفان آموزش مختلط بیان می‌شود - نیز دامن‌گیر آنان می‌شود و همان طور که گفته شد در بسیاری از کشورها صاحب نظران، از

ص: 75

---

1- C. A. EG, OP. Cit, V. 7. p.14 / Willysing Goodsell op. cit -1

2- برای اطلاع بیشتر بر معنای صحیح تساوی حقوق زن و مرد، رک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 114 و 122 و 159 تا 172.

3- Feminism (عقیده به برابری زن و مرد و طرفداری از زنان)

4- موریس دوپس و هانری پیرون، روان‌شناسی اختلافی، ترجمه‌ی محمد حسین سروری، ص 197.

آن استقبال ننموده اند. این نکته که جو اخلاقی مؤسّسات در صورت اختلاط بهتر می شود، بر پایه ی نظر «فروید و راسل» بنا شده است که می گویند محدودیت و جدا بودن از هم، سبب حرص و حسّاسیت بیش تر می شود، این را در ضمن عنوان دلیل دوم در بخش دوم کتاب پاسخ گفتیم. (1) اما دخالت مسائل اقتصادی، دلیل ناقص و نادرستی است. نکته ی مهم در این است که آیا يك مركز آموزشى و تربیتى، يك بنگاه تولیدى و اقتصادى است تا پیش از هر چیز تنها بُعد اقتصادى و صرفه جویى مادى آن در نظر گرفته شود! مراکز آموزشى به هدف تولید کالا تأسیس نشده اند، بلکه مقصودشان تربیت صحیح و هر چه بهتر انسان است، تا تمام استعدادهاى او به صورت کامل، شکوفا و پرورش یابد و اگر لازمه ی آن صرف هزینه هاى هم باشد، باید برای تأمین هدف والای تعلیم و تربیت آن را پذیرفت. نکته ی دیگر آن که تربیت و بالندگی صحیح نیروی انسانی، از جهتی در دراز مدت، سبب صرفه جویی بسیار اقتصادی است. آیا دلایل اقتصادی می تواند توجیهی برای نادیده گرفتن آن همه تفاوت ها و نیازها باشد؟ جای تأسف است که باید گفت به اعتراف این قائلین، تعلیم و تربیت مختلط، ابتدا از يك نیاز اقتصادى ناشى شده و آن گاه به يك اصل تربیتى تبدیل شده است. (2)

ص: 76

1- ص 33.

2- J. c. w. Op. citv. 6. P. 401

ب. نظر مخالفان بیش تر دانشمندان و صاحب نظران علوم تربیتی و علوم اجتماعی، با تعلیم و تربیت به شیوه ی مختلط به مخالفت پرداخته، آن را مخالف علایق و خصوصیات و نیازهای جنسی هر کدام از دو جنس و نیز مخالف علایق و ویژگی های فرهنگی در جوامع گوناگون دانسته اند. 1. به سبب تفاوت های زیستی و روانی دو جنس زن و مرد و در نتیجه، تفاوت آن ها در نیازهای آموزشی، آموزش یکسان و مشابه برای دو جنس غیر ممکن می نماید و باید برای هر گروه، برنامه ریزی آموزشی مطابق با نیازهای آن ها صورت پذیرد. 2. به دلیل تفاوت های موجود، بخصوص اختلاف دختران و پسران در بلوغ، رقابت در مدارس مختلط، نابرابر شده، غالباً سبب افت تحصیلی پسران و ناراحتی های روحی آن ها می شود. 3. هر يك از دانش آموزان دختر و پسر، در صورتی می توانند با کیفیت بهتر به تحصیل ادامه دهند که با هم جنس خود در يك کلاس بوده، دارای کادر آموزشی و اداری هم جنس خود باشند. به گفته ی «آستن» وقتی هم دانشجویان و هم اعضای هیئت علمی يك آموزشکده، به طور عمده از يك جنس باشند، تحصیل دانشجویان در آن مؤسسه ی آموزشی، تأثیرات مثبت بسیاری در پی خواهد داشت. در تحقیقات دیگری ثابت شده است که مهم ترین عامل تبیین الگوهای شغلی موفق برای زنان، تحصیل آن ها در مؤسسات آموزشی زنانه است نه مختلط. 4. دوران جوانی و نوجوانی، زمان اوج احساسات و غرایز جنسی است و اختلاط سبب دل بستگی هر يك از دو جنس به دیگری می شود.

همین مسئله، افت تحصیلی و افزایش انحرافات اخلاقی را در پی خواهد داشت و اداره ی آن مؤسّسات را برای مدیران آن ها با مشکلات بسیاری همراه خواهد کرد. در مجله ای به نام «پلین تروت» آمده است: تا چند دهه ی پیش، داشتن يك طفل نامشروع یکی از بدترین اشتباهاتی بود که يك دختر جوان می توانست در زندگی خود مرتکب شود؛ اما اکنون مدیر يك دبیرستان دخترانه در یکی از شهرهای بزرگ امریکا می گوید: این موضوعی است که به طور کلی از جانب بچه ها پذیرفته شده است و این دیگر يك داغ و نشان بدنامی - به آن صورتی که قبلا- تصور می شده - نیست. در دهه ی 1980، تعداد اطفال نامشروعی که زاییده ی همین اختلاط و آزادی های جنسی است، سه برابر شده و میزان سقط جنین در دهه ی 1960، یکصد هزار مورد، در دهه ی 1970، بیش از پانصد هزار مورد، و در دهه ی 1980، به بیش از يك و نیم میلیون مورد افزایش یافته است. (1) دلایل دیگری نیز وجود دارد از قبیل: به خطر افتادن سلامت جسمی و روحی، به ویژه برای دختران؛ ازدواج های زودرس و بدون شناخت کامل و احساسی، که غالبا به جدایی و طلاق کشیده می شوند؛ مشکلات برنامه ریزی مختلط براساس نیازهای زیستی - روانی و تحصیلی دو جنس با در نظر گرفتن گرایش های تحصیلی و شغلی دختران و پسران که چه بسا غیر ممکن می باشد. این دلایل و دلایل دیگری از این قبیل، بسیاری از محققان و صاحب نظران علوم تربیتی را به مخالفت با این نظریه وادار می کند. (2) در نتیجه اختلاط در مراکز آموزشی، از جهات علمی مورد

ص: 78

---

1- روزنامه ی جمهوری اسلامی، 13 مرداد 1364.

2- The American Peoples Encycloedia, V.5, P.200

خدشه واقع شده و ذکر نکاتی کلی و مبهم و بدون نظرات کارشناسی درباره ی اختلاط در دانشگاه ها صحیح نیست. در ضمن، جوان در دانشگاه نیز همچون سایر مراکز و نهادهای اجتماعی، در معرض تبعات و آثار منفی اختلاط است.

## 8. افزایش مفاسد و جرم و جنایات

یکی از روان پزشکان چنین می گوید: اشاره ی مکرر من به رفتارهای همراه هم در همین رابطه است. هنگامی که انسان ها از رفتارهای طبیعی مثلاً قدم زدن محروم باشند، رفتارهای اغراض جنسی بیش تر می شود و فساد گسترش می یابد. (1)

آقای دکتر سروش می گوید: (تحریم ابراز دوستی بین دختر و پسر) باعث شده ابراز محبت بین هم جنس زیاد شده و هم جنس بازی - که در تاریخ فرهنگ ما متأسفانه وجود داشت - گاهی شکل هایی به خود می گرفت که بعضی ها رنگ و لعاب اسلامی هم به آن می داده اند. (2) اندکی تأمل در کشورهای غربی و جوامع غرب زده کافی است تا به صحت و سقم مطلب نخست پی برد. آیا در این کشورها که در این زمینه آزادی کامل دارند و روابط دختر و پسر را تجویز نموده اند، فساد و فحشا از مجامع علمی و عمومی آنان رخت بر بسته یا این که سبب گسترش

ص: 79

---

1- ایران جوان، ش 135، ص 23.

2- برای اطلاع بیش تر بر سخنان آقای سروش درباره ی عشق زمینی و نقد نظرات ایشان، ر.ک: سجاد فیاضی، هم گام با سروش عشق.

انحرافات شده است؟ آیا دختر و پسری که در خیابان‌ها آزاد بوده، در ایام جوانی و زمان حکومت غرایز، عشق بازی را تجربه می‌کنند، عشقی که سرآغاز آن شوق جنسی و جسمی است، این دوستی را همین جا رها کرده و به روابط عادی اکتفا می‌کنند؟ و آتشی که با این گونه روابط شعله ور گردیده است، به راحتی فروکش می‌کند؟ چه بسیار دوستی‌ها که از روابط عادی آغاز شده؛ ولی نگاه‌های هوس‌آلود و تسلط طبیعی شهوت، آن را به ناکجا آباد کشانیده، سبب بدبختی و بدنامی طرفین گردید و حتی افشا شدن برخی از این روابط بعد از ازدواج، کانون گرم خانوادگی را متلاشی نموده، سبب بروز مشکلات فردی و اجتماعی شده است. در مجلات مختلفی که درباره‌ی جوانان و مسائل خانوادگی چاپ می‌شود، می‌توان نامه‌ها و سرگذشت‌های زیادی را دید که حکایت از عشق نامشروعی دارد که در اثر ارتباط و اختلاط زن و مرد به وجود آمده و سبب قتل و جنایت و یا تزلزل خانواده شده است. در تحقیقی که در نیواورلئان امریکا در مورد خودکشی انجام گرفته است، مشخص شده که ویژگی مهم عده‌ی زیادی از زنانی که دست به خودکشی زده‌اند، این است که پس از برقراری ارتباط با مردان و بچه دار شدن، نتوانسته‌اند همسر را برای خود حفظ کنند. اینان تا توانسته‌اند از بدن خود به سایرین بهره‌داده‌اند، به این امید که شاید کسی نیز حاضر باشد در غم‌ها و شادی‌های آن‌ها شریک باشد؛ ولی نتوانسته‌اند به این مقصد نایل شوند. (1)

ص: 80

---

1- دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط ...، ص 83.

از جمله مفاسد آن، آمار سقط جنین است که علی رغم آموزش های گسترده و در دسترس قرار دادن وسایل ضد بارداری، حکایت تکان دهنده ای است: یک پزشک امریکایی که در زایشگاهی کار می کند، ادعا نموده است: چهل و هفت درصد از زایمان های تحت نظر وی، مربوط به موالید نامشروع بوده است. به ادعای این شخص اکثر موالید مربوط به زنان پایین تر از بیست سال، مربوط به فرزندان نامشروع بوده است. (1) بنابر آمارهای منتشر شده ی سال 1993 هر ساله حدود یک میلیون زن نوجوان امریکایی حامله می شوند که چهل درصد از آنان داوطلبانه و سیزده درصد آنان به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می کنند و چهل و هفت درصد باقیمانده فرزند نامشروع خود را به دنیا می آورند. (2) سقط جنین در امریکا در سال 1991 به تعداد یک میلیون و سیصد و هشتاد و هشت هزار و نهصد و سی و هفت بوده، در این سال در مقابل هر هزار نوزادی که متولد شده سیصد و سی و نه مورد سقط جنین صورت گرفته، که نود درصد در مانگاه های سرپایی بوده است و تمایلی به رفتن به بیمارستان ها نداشتند. (3) که در این صورت آمار واقعی بیش از این میزان است. وهم چنین در آماری درباره ی میزان مبتلایان به ایدز در کشور امریکا آمده است: افراد (سیزده تا بیست و نه سال) از هر هزار نفر، پنج نفر در سال

ص: 81

---

1- سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا.

2- همان، ص 36.

3- همان، ص 97.

1988 مبتلا بودند؛ در حالی که در سال 1984 تعداد آن ها يك و نیم در هر هزار نفر و در گروه سنی (سی تا سی و نه) از هر هزار نفر یازده نفر بود؛ در حالی که در آمار سال 1984، دو نفر بوده است. (1) این ها نمونه ای از افزایش مفاسد اجتماعی در کشوری است که ضابطه مندی در روابط جنسی را از میان برداشته و قائل به روابط آزاد شده اند.

بسی روشن است که عادی سازی روابط و گسترش آن، پاسخی درست به نیاز طبیعی جوانان نیست و موجب جلوگیری از فساد نمی شود؛ بلکه جوانان را بیش تر در دنیای هوس و امیال جنسی سوق داده و پاکی و سلامت روحی و جسمی را دشوار می سازد. محدودیت روابط دختر و پسر و رابطه ی آن با هم جنس بازی در ابتدا نظر آقای دکتر را به جوامع غربی جلب نموده، سؤال می کنیم اگر در جامعه ی ما علت پیدایش این انحراف اخلاقی، محدودیت در روابط دختر و پسر و حجاب آن ها است، چرا در کشورهای غربی که این گونه محدودیت ها وجود ندارد هم جنس بازی، آن هم با این گستردگی به وجود آمده و رواج یافته و سرانجام به ازدواج رسمی هم جنس بازان منتهی شده است؟ روزنامه ی «اطلاعات» بیش از سی سال پیش در مطلبی تحت عنوان «تلاش برای آزادی هم جنس بازی در امریکا» چنین نوشته است: در واشنگتن، يك گروه مطالعاتی (تشکیل شده از: پزشك، حقوق دان، جامعه شناس و روان شناس) توصیه کرده است که به پیروی از

ص: 82

---

1- همان، ص 93.



انگلستان هم جنس بازی میان افراد بالغ را با رضایت آزاد بگذارد... این گروه نظر داده است که، در امریکا سه تا چهار میلیون فرد بالغ هم جنس باز وجود دارد (البته در آن زمان، از جمعیت صد و هشتاد میلیونی امریکا در حدود نیمی زن و از نود میلیون دیگر نیز حداقل در حدود بیست میلیون نابالغ بودند؛ بنابراین از هر شانزده الی هفده نفر در امریکا یکی هم جنس باز بود.) در ادامه ذکر شده: در عده‌ی زیادی نیز تمایلات هم جنس بازی وجود دارد(1). در آماری که در سال‌های اخیر از کشور ایالات متحده گرفته شده، آمده است: سی و پنج درصد از کل افراد جامعه‌ی امریکا و چهل و پنج درصد از جوانان آن موافق هم جنس بازی اند.(2) و با کمی دقت در می‌یابیم، با گسترش آزادی جنسی در مغرب زمین و برداشتن مرزهای اخلاقی و کشف حجاب و عادی شدن روابط زن و مرد، هم جنس بازی نیز گسترش پیدا نمود، تا بدان جا که در سال‌های اخیر در برخی کشورها به صورت ازدواج قانونی درآمده و موجب پیدایش امراض مهلکی گردیده است؟ استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: در گذشته افراد بی‌خبر... می‌گفتند انحراف جنسی، یعنی هم جنس بازی، فقط در میان شرقی‌ها رایج است و علتش هم دسترسی نداشتن به زن، بر اثر قیود زیاد و حجاب است؛ اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپایی‌ها، صد

ص: 83

---

1- روزنامه‌ی اطلاعات 29/7/47، ص 3.

2- رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیش‌رفته‌ی صنعتی، ص 321.

درجه بیش تر از شرقی هاست. ما انکار نمی کنیم که دسترسی نداشتن به زن، موجب انحراف می شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهل کرد؛ ولی بدون شك آن مقدار که تبرّج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرت های آزاد، سبب انحراف جنسی می شود، به مراتب بیش تر از آن است که محرومیت و عدم دسترسی سبب می گردد. (1) ریشه ی شیوع هم جنس بازی، در تحریم روابط دختر و پسر نیست؛ بلکه ناشی از نبودن تربیت صحیح در خانواده هاست و علل تربیتی مختلفی دارد که در جای خود قابل بررسی است، به عنوان مثال، از عوامل مؤثر در ابتلاسی به هم جنس بازی، می توان از ساختار غلط خانواده و مسائل اجتماعی نام برد. ساختار خانواده ی هم جنس بازان پسر به صورتی است که پدر منزوی شده، رفتار خصومت آمیز نسبت به وی دیده می شود؛ مادر فریب دهنده و اغوا کننده و بسیار نزدیک به فرزند و حامی وی است؛ در نتیجه نوجوان الگوی مردی و هویت مردانگی خود را نمی شناسد. در مطالعه ی خانواده ی این نوجوانان، دیده شده است که مادران از نظر عاطفی، ارتباط بسیار نزدیکی با فرزندان خود داشته اند و بیش از حد از او حمایت کرده و اعتماد به نفس را از آنان گرفته اند. و هم چنین نقش هم سالان ناباب را نباید نادیده گرفت. (2) عامل دیگر، ساختار روحی - روانی نوجوان است نوجوانان، تازه موفق به کشف خود شده اند و در بیان مسائل شخصی با دیگران خجالت

ص: 84

---

1- مسئله ی حجاب، ص 121 و 122.

2- دکتر سیداحمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص 123؛ هم چنین ر.ک: دکتر کرمانی، نوجوانی، ص 115 و 114.

می کشند و به دنبال محرم راز هستند. دوستانی پیدا می کنند که هم‌دل آنان باشند. این بحران غریزی و زمینه‌ی روانی، سبب می شود که با هم تن به انحرافات دهند. (1) عوامل مختلف دیگری نیز در پیدایش این انحراف مؤثر است و عدم دسترسی به جنس مخالف، تنها درصد کمی از آن را احراز می کند. آقای دکتر در ادامه می گوید: هم جنس بازی گاهی شکل هایی به خود می گرفت که بعضی ها رنگ و لعاب اسلامی هم به آن می داده اند. البته بر اهل تحقیق روشن است که در هیچ يك از کتاب های فقهی و اخلاقی شیعه و علمای اهل سنت، اثری از این کلام ایشان یافت نمی شود و در هر جا که اسمی از آن به میان آمده، به حرمت و قباح آن تصریح شده و در احکام جزایی اسلام برای آن مجازاتی سخت تر از روابط نامشروع با جنس مخالف، مقرر گردیده است. (2) البته فرقه های انحرافی مختلفی در قرون گذشته با نام اسلام ظهور کردند که پس از مدتی افول نموده و از صفحه ی تاریخ محو شدند. یکی از این گروه های انحرافی «صوفیه» بودند که دگان زهد و دین فروشی گشوده و انحرافات اخلاقی در میانشان دیده می شد که در همان زمان، علمای تشیع با آنان به مخالفت برخاسته، کتابهایی در ردّ عقاید و اعمال آنان نوشتند و با سعی و مجاهده ی علمای راستین، این گروه رسوا و از میان برداشته شدند و اگر در گوشه و کنار اندکی باقی مانده باشند، دیگر کسی رفتار و افکار ایشان را به حساب اسلام و تشیع نمی گذارد.

ص: 85

---

1- دکتر علی قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، ص 167.

2- ر.ک: مباحث حدود در کتاب های فقهی مانند: شرایع الاسلام؛ و الروضة البهية (شرح لمعه).

و چه بهتر بود آقای «سروش» به جای واژه ی «بعضی ها» که دو پهلوی و شبهه انداز است، اشاره ی مستقیم به این فرقه ی ضالّه می کردند، تا کسی گمان نکند در دوره ای از تاریخ اسلام، علمای اسلام (1) به خصوص علمای شیعه، به این انحراف، رنگ و لعاب اسلامی دادند. در صفحات گذشته دلایل آزادی ارتباط را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدیم که به پاس احترام به عشق و برای دست یابی به آرامش روانی و استواری اجتماع و استحکام پیوند خانوادگی و ... روابط آزاد و مختلط دختر و پسر را نمی توان توصیه نمود. اگر به سرنوشت جوانان و آینده ی مملکت خود بیندیشیم، باید راه کاری ارائه دهیم که در عین پاسخ به نیازهای طبیعی، آنان را از انحراف در فساد و تباهی باز دارد. با نگاهی به جوامع غربی و مشکلات و معضلات فرهنگی و اخلاقی که دامن گیر آن دیار شده است، در می یابیم که آنان با شعار به ظاهر فریبنده ی آزادی جنسی، خود را در گردابی مهلك اسیر و گرفتار نموده اند. اباحه گری جنسی و لیبرالیسم اخلاقی، انسان را هم چون برده ای حقیر در برابر لذّات در آورده است. امروزه در میان اندیشمندان غربی نیز نظرات «فروید و راسل» و امثال آنان درباره ی اخلاق جنسی نخ نما شده و با صراحت اذعان می کنند که برای تضمین سلامت فرد و اجتماع، رعایت ضوابط خاصّی در زمینه ی مسائل جنسی لازم است. «ایور موریش»، یکی از جامعه شناسان غربی، درباره ی نقش تربیت در امور جنسی می گوید:

ص: 86

---

1- الفقه علی المذاهب الاربعة، عبدالرحمن الجزایری، ج 5، ص 139.

... زندگی، همواره در نکته‌ی ساده‌ی "زندگی چیست" خلاصه نمی‌شود؛ چگونه زیستن نیز در این موضوع دخالت دارد. در واقع جامعه ممکن است برای اختلاط دو جنس تمهیدات کافی برای تغییر زیستی - اجتماعی مورد نظر «آبرال» فراهم کند، اما در عین حال، ممکن است خود را به عنوان یک جامعه نابود سازد. تغییراتی که امروزه در الگوهای مناسبات جنسی صورت می‌گیرد، باید خواه ناخواه ما را به ملا-حظه‌ی این نکته رهنمون شود که آیا در نهایت به خوش بختی انسان و به ادامه‌ی بقای او منتهی خواهد شد یا خیر؟ (1) نتایج بزرگ‌ترین تحقیقی که تاکنون در مورد معاشرت آزاد دختران و پسران در امریکا صورت گرفت، بسیار ناخوشایند است. براساس این تحقیق، در معاشرت دختران و پسران، تقریباً از هر ده دختر و ده پسر یک پسر و دختر توسط معاشر خود قربانی هتك حرمت و یا خشونت فیزیکی می‌شوند. آن چه بر وخامت این معاشرت‌های آزاد می‌افزاید، این است که در جوانانی که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، احتمال ابتلا به ناهنجاری‌های تغذیه‌ای یا اقدام به خودکشی، نسبت به سایر دانش‌آموزان به میزان چشم‌گیری افزایش می‌یابد (2). غرب با تحریف مفهوم آزادی و تساوی حقوق زن و مرد، جامعه‌ی انسانی را به انحطاط کشانده است. اسلام پرچم دار عدالت و تساوی است و همه‌ی انسان‌ها را از زن و مرد، برابر و یکسان می‌داند و مطابق با

ص: 87

---

1- ایور موریش، در آمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه‌ی غلامعلی سرمد، ص 38.

2- روزنامه‌ی کیهان،

روحیات و نیازمندی های روانی و جسمی هر يك از آن دو، تکالیف و حقوقی را برای آنان معین نموده است؛ اما تشابه ظاهری قوانین، درست نبوده، ظلم و جفایی بیش نیست. (1) در بخش بعدی، پاسخ درست به نیاز طبیعی جوانان و راه حلّ اسلام را بیان می نمایم.

ص: 88

---

1- برای مطالعه ی بیش تر ر.ك: مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام؛ آیت الله جوادی آملی، زن در آینه ی جلال و جمال.

گفتار سوم

روابط از منظر دین و اخلاق

ص: 89





3 روابط، از منظر دین و اخلاق ادیان الهی همیشه با افراط و تفریط مبارزه کرده، راه میانه و متعادل را در دستور کار خود قرار داده اند. غریزه ی جنسی که قوی ترین و پر جاذبه ترین نیاز مادی انسان به حساب می آید، از این افراط و تفریط ها به دور نیست و در منظر بعضی زشت و ناپسند و مذموم و در مسلك دیگر، تنها هدف زندگی ارضای هر چه بیش تر آن است. روشن است که کسانی مزه و طعم شیرین زندگی را می چشند که نسبت به خود و نیازهای فطری و طبیعی خویش، شناخت کامل داشته، برای برآورده ساختن این نیازها، راه درست و معقولی انتخاب کنند. بی توجهی بسیاری از جوانان نسبت به مسائل دینی و ضوابط اخلاقی، از آن جا ناشی می شود که مذهب را مساوی با محرومیت از خواسته های طبیعی خود می دانند و برای رسیدن به امیال و آرزوهای خویش از ضوابط دینی گریزانند و اگر بدانند دین اسلام در عین تأکید فراوان بر عفت و سلامت نفس، به نیازهای طبیعی بشر پاسخ گفته است و محرومیت جنسی را پیشنهاد نمی کند، دیوارهای بی اعتمادی و بدبینی فرو ریخته، با

آغوش باز‌پذیرای تعالیم حیات بخش اسلام خواهند بود. در این بخش، نظر دین اسلام را در این باره، در قالب پرسش و پاسخ بیان می‌کنیم. آیا برای جلوگیری از تماس زن و مرد، زن باید در خانه بماند و با مردان هیچ‌گونه تماسی نداشته باشد؟<sup>(1)</sup>

## اسلام و حضور زن در اجتماع

تعالیم اسلامی برای آن است که به انسان حیات و پویایی بخشد و به او روح و بینش و جنبش دهد. بنابراین تعلیماتی که اثر حیات بخشی ندارد و بر عکس مردگی و سکون ایجاد کرده، بشر را از جنبش و حرکت باز می‌دارد و او را جامد و افسرده می‌کند، از اسلام نیست.<sup>(2)</sup> احکام اسلامی از تعادل و توازن خاصی برخوردار بوده، مطابق با روحیات و نیازمندی‌های واقعی او تنظیم شده است. حرف زدن زن و مرد و برخورد آنان در زندگی روزمره، بدون اشکال است؛ مانند روابطی که استاد و دانشجو، کارمندان ادارات و... در سطح جامعه با هم دارند. اسلام می‌گوید نه حبس و رکود و نه اختلاط و روابط آزاد؛ بلکه حضور زن در جامعه جایز است؛ البته با حفظ حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند؛ ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است.<sup>(3)</sup> اسلام می‌خواهد جامعه عاری از هرگونه نگاه و رفتار هوس‌آلود و

ص: 92

- 
- 1- از پرسش‌های رسیده به مرکز.
  - 2- مرتضی مطهری، حق و باطل، ص 135.
  - 3- همو، مسئله‌ی حجاب، ص 241.

سرشار از کار و فعالیت و پیشرفت باشد و زن و مرد فارغ از دغدغدهای شهوانی، به تحصیل و سایر کارهای زندگی برسند. آیت الله «جوادی آملی» درباره ی حدود و روابط اجتماعی زن و مرد می گوید: در بخش مسائل اجتماعی، قرآن ما را متوجه کرده و می فرماید: گاهی تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ ناصواب یا تعصب خام و مانند آن، به مرد این چنین تلقین می کند که نمی توان با زن در يك مؤسسه همکاری کرد یا زن در جامعه نمی تواند حضور فعال داشته باشد.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: این گونه از تعصبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطل است، بزداييد. «... و عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ...»<sup>(1)</sup> و اگر خوشتان نمی آید که آن ها مانند شما سمتی داشته باشند و در جامعه و صحنه ی سیاست و صحنه ی درمان و پزشکی و صحنه ی فرهنگ و تدریس حضور داشته باشند، این امر را تحمل کنید؛ شاید خیر فراوانی در این کار باشد و شما نمی دانید.<sup>(2)</sup> اسلام زن را در سایه ی حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلّم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود. دنیای کنونی حجاب را از زن گرفته است، تا زن به عنوان بازیچه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند. زن وقتی با سرمایه ی غریزه به جامعه آمد، دیگر معلّم عاطفه نیست؛ فرمان شهوت می دهد، نه دستور گذشت. شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد. لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید ولی

ص: 93

---

1- سوره ی نساء، آیه ی 19.

2- آیت الله جوادی آملی، زن در آئینه ی جلال و جمال، ص 394 و 395.

باحجاب بیاید؛ یعنی بیاید درس عفت و عاطفه بدهد نه این که شهوت و غریزه بیاموزد. (1) هر چند همیشه نقش زن در خانواده و حضور مؤثر او از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زن محور مهر و محبت خانه و قطب عواطف و احساسات زندگی بوده و شور و نشاط خانه از وجود اوست و مادری که چشم امید جامعه، به نسلی است که در دامان پاکش پرورش می یابد. نکته ی دیگر آن که مفید بودن زن برای جامعه، منحصر به کار در اداره و یا شرکتی نیست؛ بلکه اگر شخصی یکی از مواردی را که جامعه نیازمند آن است، بر عهده گیرد و ثمره ی تلاش او در راستای اعتلای اجتماع باشد، حضور مفید دارد؛ همانند دانشمندی که يك عمر مشغول تحقیق و نگارش است، بدیهی است پرورش صحیح نیروی انسانی و تربیت درست آن از مفیدترین کارها بوده و کارگشایی آن از مشاغل دیگر بیش تر است. پیشرفت تحصیلی جوانان و بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی و کاهش بزهکاری و انحرافات جوانان و اعتیاد ... همه ی این ها به طور مستقیم بستگی به کانون خانواده دارد و زن می تواند محوری ترین نقش را در سلامت خانواده ایفا نماید. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع یاران و اصحابش نشسته بود؛ «اسماء» بنت یزید انصاریه به نمایندگی از زنان به حضور پیامبر رسید و پس از ایراد خطبه ای، درباره ی خانه نشینی زنان و برخورداری مردها از فضیلت جهاد و حج و جمعه و... سؤال نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب کرد و (در تحسین او) گفت: شما تا کنون زنی به این فضیلت دیده اید که در مسائل دینی این چنین سؤال کند؟ سپس رو

ص: 94

به زن کرد و فرمود: ای زن برگرد به همه ی زن هایی که تو نماینده ی آن هایی اعلام کن که مسئولیت تربیت خانواده و تشکیل خانه، شوهرداری، حسن تبعّل، (که چشم و گوش شوهر در بیرون به گناه نیفتد و دستش به خیانت باز نشود)، نیک شوهر داری کردن و حفظ خانواده و به دوش کشیدن ارکان آن و حفظ فرزندان و اموال و تامین آبرو، معادل همه ی آن فضایی است که بر شمردی. (1)

### صحبت و مشورت کردن زن و مرد

در نتیجه تبدیل خانواده از کانون تربیت جسم و جان آدمی به يك خوابگاه و محل استراحت افرادی که از کار روزانه خسته و کوفته اند، از اشتباهات جامعه ی امروزی است. چرا بر منع صحبت خواهران با برادران اصرار می شود؟ آیا حرف زدن دختر و پسر و مشورت با هم حرام است؟ (2) در پاسخ پرسش پیشین گفته شد: اسلام صحبت نمودن زن و مرد و برخوردهایی را که لازمه ی رسیدگی به کارهای روز مرّه است حرام ننموده، دختر و پسر نیز می توانند به صورت عادی و عاری از هر گونه شائبه ی جنسی، با هم سخن بگویند؛ هم چنان که با جنس موافق خود صحبت می نمایند. البته اگر حساسیتی در این باره وجود داشته باشد، به روحيات و سن و شرایط ویژه ی آن دو بستگی دارد. همان طور که در بخش اول بیان شد، دختر و پسر با رسیدن بلوغ، سرشار از غرایز و عواطف بوده، از هم

ص: 95

---

1- علامه ی طباطبایی، تفسیر المیزان، ه-، ج، 4، ص 37.

2- از پرسش های رسیده به مرکز.

تأثیرپذیری بسیاری دارند. در این سن، حکومت و سلطه‌ی غرایز جنسی فراگیر می‌شود و بر اعمال و رفتار و اندیشه‌ی جوان سایه می‌افکند. احساس نیازی که در جوانان نسبت به جنس مخالف وجود دارد، باعث می‌شود که آنان هر لحظه به دنبال پاسخی برای ارضای آن و جبران کمبود روحی - روانی باشند. در بسیاری از برخوردها، دختر و پسر، هر چند به بهانه‌های گوناگون با هم آشنا می‌شوند، اما اندک اندک براساس تسلط طبیعی غرایز، نگاه و سخن و رفتارشان رنگ و بویی دیگر گرفته، معنای خاصی پیدا می‌کند. و چه بسا بعد از مدتی به یکباره متوجه می‌شوند، عواطف و احساسات آنان بازیچه‌ی هوس شده است. با توجه به مطالب فوق و آن چه در بخش دوم گذشت، حساسیت جامعه و خانواده‌ها معنا پیدا می‌کند. از آن جا که اسلام روابط آزاد را توصیه نمی‌کند، برای جلوگیری از روابط نامشروع چه راه حلی پیشنهاد می‌نماید؟<sup>(1)</sup>

برخی می‌گویند: بی‌اعتنایی به همه‌ی ارزش‌ها چاره‌ی رفع تعارضات يك جامعه‌ی تکثرگرای فرهنگی است؛ هم چنان که امروزه در خارج از کشور، روابط بیرون از محدوده‌ی زناشویی، و هم جنس‌بازی، امری روا شمرده می‌شود.<sup>(2)</sup>

ص: 96

---

1- از پرسش‌های رسیده به مرکز.

2- ماه‌نامه‌ی کیان، بهمن 77، مصاحبه با آقای فولادوند.

## راه های ارضای غریزه ی جنسی

برای پاسخ گویی به نیازهای جنسی دختر و پسر دوره وجود دارد: 1. ازدواج قانونی و شرعی؛ زن و شوهر با عشق و محبت و شادی، زندگی مشترك را پایه گذاری کنند و از شیرینی های زندگی و لذایذ مشروع بهره مند گردند و کانون زناشویی را کانون خوشی ها و کامیابی های جنسی قرار دهند و حداکثر سعی خود را برای لذت بخش نمودن این کانون صرف نمایند؛ اما اجتماع بیرون، باید محیط کار و فعالیت و برخوردهای دیگر باشد. 2. بی بندوباری و هرج و مرج جنسی؛ لذایذ و کامیابی های جنسی از محیط خانواده و همسر قانونی به اجتماع بزرگ کشیده شده، کوچه و خیابان و مغازه ها و محیط های اداری و مراکز تفریحی و ... آماده ی انواع کامیابی های جنسی نظری و لمسی و ... بوده و دختر و پسر آزادانه با هم ارتباط داشته باشند.

## اسلام و آرامش غریزه ی جنسی

الف. ارتباط قانونی و انضباط جنسی مطابق آیین اسلام، در آغاز هر ارتباطی باید تعهدی میان افراد به صورت رسمی وجود داشته باشد؛ هر چند این دوستی ها موقت و برای زمانی محدود باشد. بعد از انجام این تعهد (به صورت عقد دائم و یا موقت) ارتباط، جایز و پسندیده است و در صورتی که شرایط ازدواج دائم مهیا نباشد، عقد موقت و نامزدی شرعی، بهترین راه حل است؛ و بر اندیشمندان و مسئولان جامعه لازم است که فرهنگ عمومی را بر مبنای احکام واقعی اسلام رشد و تعالی بخشند.

در سایه ی روابط قانونی، از هرج و مرج جنسی و بی بند و باری جلوگیری شده، به نیازهای طبیعی نیز پاسخی درست داده می شود. اشباع غریز و سرکوب نکردن آن، يك مطلب است و آزادی جنسی و رفع مقررات و موازین اخلاقی مطلب دیگر. می توان امیال غریزی را به حدّ کافی اشباع کرد و پاسخ گفت و جلوی هیجان های بی جا و ناراحتی ها و احساس محرومیت ها و سرکوب شدن های ناشی از آن را گرفت. (1)

اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر داشته باشد و دختر و پسر که پیمان عشق و زناشویی می بندند، در زیر سایه ی محبت و وفاداری، از لذت های زندگی بهره مند گردند و خواسته های يك دیگر را به گونه ای بر آورده سازند که با خروج از خانه، همه ی هیجان ها فرو خفته باشد و محیط اجتماع، محل کار و فعالیت و تلاش برای رشد و تعالی فرد و جامعه بوده و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. فلسفه ی تحریم نظربازی (2) و تمتعات جنسی از غیر همسر قانونی و حرمت خود آرای (3) و تبرّج زن برای بیگانه همین است. اما کشورهای غربی راه دوم را انتخاب کرده و کامیابی های جنسی را از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی کشانده اند و به نام آزادی، لیبرالیسم جنسی را رواج داده اند و بر اساس نظر «فروید و راسل» و امثال آنان، آزادی بی قید و شرط و شهوترانی را پذیرفته اند و اکنون شاهد آثار هولناک و مخرب آن می باشند که آمار فاجعه های شهوانی در روزنامه ها و

ص: 98

---

1- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص 69.

2- ر.ک. سوره نور، آیه ی 31.

3- ر.ک. سوره ی احزاب، آیه ی 33.



رسانه ها و نوع روابط ناهنجار دختر و پسر، و مرد و زن و ... شاهد گویای این مطلب است. (1) اگر بر فرض، از وجود فرزندان نامشروع، بی سرپرست، نوزادان پیدا شده در زباله دان ها و توالت ها، کورتاژها، قتل ها و ضایعه های دیگر اخلاقی و انسانی آزادی جنسی چشم پوشی کنیم و همه را فراموش شده بگیریم، با این فاجعه ی بزرگ، که شخصیت انسانی زن، نابود شده، تبدیل به توپ شهوانی می شود که هر لحظه مورد حمله ی چشم ها و لمس ها و قوه ی شهوانی مردان شهوتران است، چه کنیم؟ با بازیچه شدن زندگی پر از آمال و اهداف انسان که باید به سوی کمال و تعالی رشد نماید، چه می توان نمود؟ در چنین جامعه ی پر التهایی از در و دیوار آن، از کوچه و خیابان و مدارس و اداره ی آن، جز شهوت و خود نمایی و ناز و نیاز چیز دیگری دیده نمی شود و همه چیز در عین رنگارنگ بودن تنها یک رنگ دارد؛ آن هم لذت بیش تر، با غفلت کامل از عواقب و پیامدهای آن. تنها ملاک، منافع شخصی و لذت فردی است و این که چه بر سر دیگران و جامعه و فرهنگ و آینده ی نسل بشری می آید، اهمیتی ندارد. اگر بتوان ادعا نمود که حداقل در کامیابی جنسی و ارضای کامل شهوات و عشق و دوستی موفق بوده اند، خوب است؛ اما در همین یک مورد نیز با مشکل رو به رو هستند. متفکر شهید «مطهری» در این باره می گوید:

در مورد غریزه ی جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می میراند و طبیعت را هرزه و بی بندوبار می کند. در این مورد هر چه عرضه بیش تر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش

ص: 99

---

1- در بخش های بعدی به این آمار و ارقام خواهیم پرداخت.

می یابد... راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می کند که عطش روحی در مسائل جنسی، غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است نه عطش روحی (1). و «ویل دورانت» تصریح دارد: میل به تنوع، گر چه از همان آغاز در بشر بوده، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است. (2)

ب. هدایت و حمایت جوان به عقیده ی اسلام برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: 1. ارضای غریزه در حدّ حاجت طبیعی؛ ازدواج دایم به عنوان راه حل اساسی و ازدواج غیر دایم در شرایط خاص. 2. جلوگیری از تهییج و تحریک آن در سطح جامعه و رسانه ها. (3) البته ایجاد میدان سالم فعالیت اجتماعی، فرهنگی و ورزشی و گسترش آن، می تواند نقش بسیار مؤثری در کنترل و هدایت نیروی جوان داشته باشد و در صورتی که این میدان، مطابق با موازین اخلاقی و به دور از اختلاط و هم دوشی برپا شود، توجه جوان را از مسائل جنسی به سوی خود معطوف داشته، سبب سلامت و رشد او خواهد شد. در نتیجه می بینیم، تعالیم دینی ما به این نیازها توجه نموده و به آن ها پاسخ درست داده است؛ ولی اگر در اجرای دستورهای الهی و راه کارهای دینی، هنوز مشکلی باقی است، این ایراد به جامعه و افراد آن باز می گردد؛

ص: 100

---

1- مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص 113 و 114.

2- ویل دورانت، لذات فلسفه، ص 97.

3- مسئله ی حجاب، ص 130.

نه به دین اسلام. بنابراین جوانانی که مدعی سنت شکنی و عدم رعایت ضوابط اجتماعی و یا خانوادگی اند، چه خوب است در راه صحیح و شرعی آن گام برداشته، خویشتن و جامعه را از ناپاکی و انحراف دور نگه دارند.

### دیدگاه اسلام درباره ی مسائل جنسی چیست؟

آیا مسئله ی جنسی امری پلید و مذموم است؟ برای ما مسلمانان که علاقه ی زوجین را به يك دیگر یکی از نشانه های بارز وجود پروردگار، و نکاح را سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می دانیم، هنگامی که می شنویم، بعضی از آیین ها علاقه ی جنسی را پلید، و آمیزش جنسی را (حتی با همسر شرعی و قانونی) موجب تباهی و به دور از اخلاق می دانند، دچار تعجب می شویم. (1) «برتراند راسل»، فیلسوف اجتماعی مشهور می گوید: ... عوامل و عقاید مخالف جنسیت، در اعصار خیلی قدیم وجود داشته و به خصوص در هر جا که مسیحیت و دین بودا پیروز شد، عقیده ی مزبور تفوق یافت .... و در نقاط دیگر دنیا ادیان و راهبانی بوده اند که طرفداری از تجرد می کرده اند، مانند «اسنیت ها» در میان یهودیان و بدین طریق يك نهضت عمومی ریاضت در دنیای قدیم ایجاد شد. [و تجرد، ارزش قلمداد شده و عقاید تحقیرآمیزی راجع به زن رواج یافت. (2)]

ص: 101

---

1- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص 10.

2- راسل، زناشویی و اخلاق، ص 25 و 26، به نقل از اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص 10.

این عقاید، کشمکش جانکاهی میان غریزه ی جنسی از يك طرف و عقاید مذهبی از طرف دیگر به وجود آورد و موجب غربت دین گردید. اما در منطق عالی اسلام، كوچك ترین اشاره ای به پلیدی علاقه ی جنسی و آثار ناشی از آن نشده است؛ بلکه اسلام تمام تلاش خود را برای تنظیم این علاقه به کار برده است و اگر نكوهشی درباره ی مسائل جنسی در متون دینی دیده می شود، درباره ی نگاه استقلالی و هدف قرار گرفتن آن است و در واقع نكوهش شهوترانی و غرق شدن در دریای هوس و انحراف غریزه از راه های مشروع است. در منظر دین، علاقه مندی و کشش درونی به مسائل جنسی، مردود نبوده، با معنویّت و روحانیّت منافات ندارد؛ بلکه جزء خلق و خوی انبیا معرفی شده است. (1) در قرآن کریم علاقه ی زوجین به یکدیگر از نشانه های بارز وجود پروردگار بیان گردیده است. (2) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام - طبق روایات فراوانی که رسیده است -، محبّت و علاقه ی خود را به همسر خویش در کمال صراحت اظهار می کرده اند. (3) و روش کسانی که میل به رهبانیّت پیدا نموده بودند را سخت تقبیح می نمودند. اسلام، التذاذ و کام جویی زن و شوهر از يك دیگر را نه تنها تقبیح نکرده؛ بلکه ثواب هایی هم برای آن قائل است. (4) شاید برای يك غربی و غرب زده، شگفت انگیز باشد اگر بشنود اسلام مزاح و و ملاعبه ی زن و شوهر، آرایش زن برای همسر و پاکیزه

ص: 102

- 
- 1- وسائل الشیعه، ج 3، ص 3.
  - 2- سوره ی روم، آیه ی 21.
  - 3- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در ...، ص 15.
  - 4- وسائل الشیعه، ج 14، ص 75، باب 49 نکاح و ص 83 باب 57 نکاح.

بودن شوهر برای زن را مستحب می‌داند و زنی را که در آرایش و زینت برای شوهرش کوتاهی کند و هم چنین مردانی را که در ارضای زن خود بی‌توجه باشند، مورد نکوهش قرار داده است. (1) در نتیجه، آن چه مذموم است بی‌بندوباری و انحراف است که هم شخصیت و کرامت زن و مرد را نابود می‌کند و هم خانواده را که مرکز ویژه‌ی تربیت فرزند، و مکان امنی برای پرورش نسل آینده است، از بین می‌برد.

اهداف ازدواج چیست؟ و چه آثار و فوایدی دارد؟ (2) همان گونه که گفتیم، خداوند در قرآن، خلقت زن و شوهر و محبت و مودت میان آن‌ها را از نشانه‌های حکمت خود معرفی می‌کند. (3) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده که نزد خداوند محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج باشد.» (4) و هم چنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دو رکعت نماز انسان متأهل افضل و بالاتر از هفتاد رکعت نماز انسان مجرد است.» (5) ازدواج بهترین پاسخ به نیازهای جنسی و عاطفی انسان است و هدف‌ها و نیازهای بی‌شماری را تأمین می‌کند که از جمله‌ی مهم‌ترین هدف‌های ازدواج نیل به آرامش و سکون، تأمین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکمیل و تکامل فردی و اجتماعی، سلامت و امنیت و سرانجام، تأمین نیازهای روانی و اجتماعی فرد را می‌توان نام برد. (6)

ص: 103

---

1- وسایل الشیعه، کتاب التکاح، ج 14، ص 9 و 74 و 75 و 83 و 118.

2- از پرسش‌های رسیده به مرکز.

3- ر.ک. سوره‌ی رم، 21.

4- وسائل الشیعه، ج 14، ص 3.

5- همان، ص 6.

6- شکوه نوابی نژاد، مشاوره‌ی ازدواج و...، ص 5.

1. ایجاد محیطی خصوصی برای آرامش و آسایش: نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی دارد، بر اساس تعلیم مکتب اسلام یکی از مهم ترین و شاید اولین انگیزه‌ی ازدواج محسوب می‌گردد. ازدواج در حقیقت، کانونی تشکیل می‌دهد که در آن، زن و مرد احساس آرامش کنند؛ زیرا زنان و مردان آرامش دهنده‌ی روانی یک دیگرند و خداوند می‌فرماید: «یکی از نشانه‌ها این است که برای شما همسری از جنس خودتان بیافرید تا با او انس گیرید و در کنارش آرامش بیابید.» (1) 2. تأمین نیازهای جنسی: انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غرایز است که عدم ارضا و یا نقص در ارضای هر کدام از آن‌ها موجب ایجاد تزلزل در شخصیت می‌گردد و ازدواج، بهترین پاسخ به این غریزه است و رهبانیت و پس زدن آن صحیح نیست؛ زیرا پیامدهای مختلف روحی و جسمی دارد. اسلام، غرق شدن در هوی و هوس و ارضای آزاد و نامشروع را صحیح نمی‌داند، چون جز تشنگی سیری ناپذیر و تنوع طلبی و اضطراب، چیز دیگری در پی نخواهد داشت؛ بنابراین باید به ضرورت تأمین نیاز جنسی توجه نمود، اما نه تنها از بعد مادی و جسمانی؛ بلکه در نتیجه‌ی تأمین صحیح، فرد از لحاظ روانی و اخلاقی نیز به آرامش می‌رسد.

بنابراین فرد پس از ازدواج می‌تواند این غریزه‌ی مهم حیاتی را با شیوه‌ای مطلوب و معقول و اجتماع پسند ارضا کند و در سایه‌ی آن، به آرامش دست یابد. (2)

ص: 104

---

1- سوره‌ی روم، 21.

2- همان، ص 6 و 7؛ برای مطالعه درباره اهداف ازدواج ر.ک: آیت الله امینی آیین همسر داری، ص 11 - 23).

3. دوستی و محبت و عشق: آدمی در هر سن و مرحله ای از حیات خویش، به محبت احتیاج دارد و علاقه مند است که دیگران به او مهر بورزند. (1) استاد شهید مطهری در این باره می گوید: پسر و دختری که هیچ کدام آن ها در زمان تجردشان در هیچ چیزی نمی اندیشیدند مگر آنچه مستقیماً به شخص خودشان ارتباط داشت، همین که به هم دل بستند و کانون خانوادگی تشکیل دادند، برای اولین بار خود را به سرنوشت موجودی دیگر علاقه مند می بینند. شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود و چون صاحب فرزند شدند، به کلی روحشان عوض می شود... (2) و اگر به اتحاد روح زن و شوهر و عواطف صمیمانه ای که تا آخرین روزهای پیری - که غریزه ی جنسی فعالیتی ندارد - توجه کنیم به این نقش ازدواج بهتر پی می بریم. 4. تکمیل و تکامل: هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست؛ به همین جهت پیوسته در صدد این است که نقص و کمبود خویش را جبران کند، جوانان با گزینش همسری شایسته، موجبات رشد و تکامل خود را فراهم می کنند و در مسیر زندگی، از نظرات و تشویق ها و حمایت های یک دیگر بهره مند می شوند. «شهید مطهری» درباره ی نقش تربیتی ازدواج می گوید: یک پختگی هست، که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد نفس، نماز شب و ارادت نیکان پیدا نمی شود، این را فقط در همین ازدواج و تشکیل خانواده

ص: 105

---

1- استادان طرح جامعه و آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، ص 109 و 129.

2- شهید مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه ی علی علیه السلام، ص 40.

باید به دست آورد. (1) 5. تولّد فرزند و بقای نسل و سلامت آن: میل به داشتن فرزند و تداوم نسل ها و پرورش انسان ها از انگیزه و اهداف مهمّی است که در طول دوره های گوناگون، همواره عامل مهمّ ازدواج و تشکیل خانواده بوده است.

تشکیل خانواده، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است و سعادت نسل ها بستگی به وضع خانوادگی دارد و سلامت امنیّت فرزندان در گرو استحکام خانواده می باشد. (2) 6. سلامت و امنیّت فردی و اجتماعی: خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی و مقدّس ترین نهاد بشری است و در بردارنده ی پاک ترین و عمیق ترین مناسبات انسانی است که برای سلامت و امنیّت و سعادت فرد و اجتماع، سودمند و ضروری است. قرآن کریم زن و شوهر را به لباس يك دیگر تشبیه نموده است. (3) همان طور که انسان همیشه با لباس است و لباس، هم مایه ی آراستگی و زیبایی و هم جامه ی ستر و عفاف اوست، زن و شوهر نیز همین گونه اند. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیک تر است و محرم تر؛ و آن گاه همین لباس در عین نزدیکی به تن، بدن را از دیگران می پوشاند و دور می سازد؛ همان طور که از نوع لباس فرد می توان به شخصیت و افکار او پی برد، از نوع همسری که بر می گزیند نیز می توان به شخصیت و هویت او پی برد. ... تفاوت دختر و پسری که تشکیل خانواده می دهند با دختر و پسری

ص: 106

---

1- جوان و تشکیل خانواده، ص 108 و 129؛ کتاب مشاوره ی ازدواج، ص 5 - 10.

2- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص 398.

3- ر.ك. سوره ی بقره، 178.



که در يك جامعه ی بی بند و بار، رابطه ی جنسی بر قرار می کنند، این است که زن و شوهر مطابق تمثیل قرآنی در حکم لباس يك ديگر و مایه ی عفت و پوشیدگی هم می باشند و حال آن که دو تای ديگر موجب برهنگی و بی عفتی يك ديگر می شوند. (1) «ایور موریش»، جامعه شناس غربی معاصر، درباره ی نقش خانواده در زمینه های مختلف می گوید: «برخی از وظایف روانی و اجتماعی، در نقش تربیتی خانواده مستترند. مناسبات جنسی و عاشقانه برای انسان نیاز اساسی محسوب می شود و هر چند واضح است که می توان این نیازها را در خارج از نهادهای خانواده و ازدواج بر آورده کرد؛ ولی این نکته نیز واضح است که ارضای کاملاً نامحدود خواسته های جنسی، به فرو پاشی نظام جامعه و مناسبات آن منجر می شود. ... خانواده واحد بسیار تخصصی تأمین محبتی است که به حصول اطمینان از ثبات عاطفی کمک می کند. تحقق این امر هنگامی است که زن و مرد در شرایط امروزی، زندگی موفقیت آمیز داشته باشند. ثبات عاطفی در بلند مدت، بسیار بیش تر از هیجانات جسمانی برای انسان جنبه ی حیاتی دارد. (2) «ویل دورانت» درباره ی نقش ازدواج می گوید: اگر با جوانی خرد و تعقل یار می بود، عشق را از هر چیزی گرمی تر می داشت و روح و جسم را برای پذیرایی عشق، تمیز و پاکیزه نگاه می داشت و ایام عشق را با ماه های نامزدی طولانی تر می ساخت و

ص: 107

---

1- غلامعلی حداد عادل. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 72.

2- ایور موریش، درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ص 172.

آن را با ازدواج پر از آداب و تشریفات، تضمین می کرد و با تصمیم و جدّ تمام، همه را پیرو آن می ساخت. اگر عقل و حکمت با جوان بود، عشق را عزیز می داشت و آن را با اخلاص تقویت می کرد و با فداکاری عمیق تر می ساخت و با آوردن فرزند به آن حیات و زندگی می بخشید. (1)

پس تا انسان زنده است و زندگی می کند، نیازمند یار و یابری مهربان و رفیقی همدل و همراه و پشتیبان لحظه های تنهایی است و همسر انسان بهترین فرد است. این جاست که دین مبین اسلام بر ازدواج تأکید فراوانی داشته، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام بر آن توصیه می نمودند. می فرمایند: انسان با سنّ بلوغ باید ازدواج کند. آیا در آن بحران فکری و روحی و جسمی و تزلزل شخصیت، ازدواج موفقیت آمیز است؟ آیا بهتر نیست تا فراهم شدن شرایط مناسب صبر کنند؟ (2) فرایند بلوغ، یکی از حساس ترین دوره های زندگی هر فرد است. نوجوانان در این دوره، تمایلات و خواهش های گوناگون و متفاوتی داشته، این دوران برای آنان نوعی تولد مجدد به حساب می آید. عدّه ای از روان شناسان، رشد و تحوّل انسان را يك پدیده ی مداوم و پیوسته نمی دانند؛ بلکه آن را متشکل از مراحل و دوره های مختلف می دانند که از جمله دوره های آن «بلوغ» است که می توان آن را نوعی

ص: 108

---

1- ویل دورانت، لذات فلسفه، ص 462.

2- از پرسش های رسیده به مرکز.

بحران بلوغ نامید که با آن، بی سروسامانی روانی آغاز می شود. (1) و حدّ فاصلی میان کودکی و بزرگی است. اما در مقابل این گروه، برخی دیگر از روان شناسان، رشد را امری مداوم و پیوسته می دانند که از کودکی شروع شده، بدون انقطاع، ادامه داشته، در هنگام بلوغ، آهنگی سریع تر می یابد؛ بنابراین آن را نمی توان بحران بلوغ نامید. (2) چرا که: 1. کلیه ی نوجوانان، بحران و انقلاب عمیق و شدید شخصیتی را نمی گذرانند و تحمّل بلوغ بر حسب وضعیت اجتماعی و شخصی افراد مختلف تغییر می کند. 2. تغییرات بیولوژیک (زیستی) را نمی توان، بحران در تمام زمینه های روانی و رفتاری دانست. 3. در روان شناسی اجتماعی و تحلیل روانی، تعارض ها را منحصر به دوره ی بلوغ نمی دانند و نشانی از بحران خاصی در دوره ی بلوغ نمی بینند.

پس به صورت کلی و فراگیر نمی توان قائل شد که همه ی نوجوانان و جوانان دچار بحران شدید فکری و تزلزل شخصیت می شوند؛ به صورتی که قادر به تصمیم گیری درست نیستند، و همین دو دسته شدن روان شناسان، می تواند شاهدی بر عمومیت نداشتن این قضیه باشد که همه ی جوانان دچار این بحران نشده، بلکه به دو گروه تقسیم می شوند. اما بر این نکته نیز ادغان می کنیم که جوانی، بدون دغدغه های مختلف روحی و فکری نیست و جوان در پی جست و جوی مفاهیم و صفاتی است

ص: 109

---

1- احمد احمدی، روان شناسی نوجوان و جوانان، ص 20؛ نماینده ی این گروه پیازه و الون هستند.

2- نماینده ی این گروه، گزل می باشد؛ روان شناسی نوجوان و جوانان، ص 19.

که تشکیل دهنده‌ی شخصیت و هویت اوست و او در پی بازسازی و پی‌ریزی هویت شخصی است و از جمله مشغله‌های ذهنی او اهداف بلند، انتخاب شغل، رفتار و تمایل جنسی و مذهب و ارزش‌های اخلاقی است. (1)

بدیهی است، همان‌گونه که گفتیم، در ایام جوانی، شوق جنسی و احساسات، بر روان آدمی سایه انداخته، ناخودآگاه به رفتار و سخن و نگاه جوان‌رنگ و لعاب‌دیگر می‌بخشد. در این میان، التهاب و هیجان چنان به اوج می‌رسد که آهنگ صدا و رفتار و حرکات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و اگر به این بیداری طبیعی غریزه، محرکات عصر ارتباطات (فیلم و عکس و...) را ضمیمه کنیم در می‌یابیم که کف نفس و صبر، بسیار مشکل است و اگر این تمایلات شدید از راه صحیح و قانونی ارضا نشود، امکان انحراف جوان می‌رود و این انحراف، اغلب به صورت کام‌جویی بدلی تجلی می‌کند که آثار مخربی بر روح و روان و جسم او نهاده، سلامت فرد و جامعه را به خطر می‌اندازد. از جمله‌ی انحرافات، ابتلا به خودارضایی، هم‌جنس‌بازی، خودفروشی و چشم‌چرانی را می‌توان نام برد. حال باید بدانیم با طبیعت و غریزه چه رفتاری کنیم؟ آیا طبیعت حاضر است خواسته‌های خود را به تأخیر بیندازد؟ آیا تا ما آمادگی لازم را تحصیل نکردیم، غریزه‌ی جنسی ما را رها می‌کند؟ آیا باید به خاطر خطرات ناشی از دوران بلوغ، از ازدواج سرباز زد و رهبانیت و یا انحراف در مفاصل را پذیرفت؟ این جاست که بسیاری از دست‌اندرکاران امور جوانان، ازدواج را به عنوان تنها راه صحیح و کامل، پیشنهاد نموده، بر این باورند که جامعه،

ص: 110

---

1- دکتر ایزدی، مسائل نوجوانان، ص 22؛ به نقل از روان‌شناسی نوجوان و جوانان، ص 118.

دولت و خانواده، باید تمام تلاش خود را برای تسریع در امر ازدواج جوانان معطوف سازند. خود جوانان نیز خواستار تسهیلات هر چه بیش تر در این امرند تا پاسخ گوی نیازهای روحی و جسمی آنان باشد. بنابراین دین حیات بخش اسلام تأکید فراوانی بر ازدواج داشته، آن را مایه ی سلامت دین و روان جوان می داند. (1) البته تنها بلوغ جسمی را نمی توان شرط ازدواج دانست؛ بلکه رسیدن به سنّ رشد نیز لازم است. شهید «مطهری» رحمه الله در این باره می گوید: از نظر اسلام مسلم است که پسران اگر به سن بلوغ برسند و واجد عقل و رشد باشند، اختیاردار خود هستند. (2) از شرایط لازم ازدواج، شناخت درست دختر و پسر از یک دیگر و رعایت شرایط همسانی در مسائل اعتقادی و خانوادگی و تحصیلات است و جوان و نوجوان می تواند برای جبران ضعف های ناشی از این دوره، از کمک خانواده و مشاوران دلسوز استفاده نموده، از تجارب آنان بهره مند شود. در پایان، خاطرنشان می شود که نقش ازدواج در رشد و تعالی فکری و روحی جوانان، نباید مورد غفلت واقع شود. ازدواج، ظرفیت ها و استعدادها ی خفته ی جوان را شکوفا کرده، به آهنگ رشد آن سرعت می بخشد. جوان با احساس مسئولیت در رفتار و اعمال خود دقیق تر شده، سریع تر به پختگی اجتماعی می رسد و نسبت به مسائل جامعه نیز حساس تر می شود و با دقت و تیزبینی بیش تری بدان ها می پردازد.

ص: 111

---

1- وسائل الشیعه، ج 14، کتاب النکاح، ص 1 - 30.

2- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 77.

بهترین زمان برای ازدواج چه سنی است؟ آیا ازدواج در اوایل جوانی با شرایط کنونی جامعه مناسب است؟ (1) پروردگار عالم، انسان را به گونه ای آفرید که بدون همسر، ناقص است و برای رشد و تعالی و پاسخ گویی درست به نیازهای روحی و جسمی، نیازمند تشکیل خانواده می باشد. همیشه برای جوان این پرسش مطرح است که «چه زمانی ازدواج کنیم؟» در پاسخ باید گفت: زمان مناسب، هنگامی است که بلوغ جنسی و عقلی در انسان به کمال برسد و انسان به حدّ رشد رسیده باشد. هر زمانی که از درون انسان، این نیروی فطری و غریزی، ندای طلب سرداد و احساس نیاز روحی و جسمی انسان را گوشزد نمود و خویش را آماده ی قبول مسئولیت احساسات و عواطف طرف مقابل معرفی نمود، هنگام ازدواج است. هر کس می تواند به خوبی این ندا را از درون خود بشنود؛ البته به شرطی که این نیرو در اثر بعضی عوامل، که باعث بلوغ زودرس می شوند، منحرف و بیمار نشده باشد. کسی که به خوبی غوغای درونش را درک می کند و احساس نیاز به همسر را هم چون غذای روزانه لمس می کند و به سوی جنس مخالف کشیده می شود و همیشه غرق در افکار و رؤیایها، دل نگران تنهایی و پریشانی خود است و به خوبی می داند که ایام بچگی، گذشته و تحوّل در او به وجود آمده و دایم به دنبال گم شده ای است که آرامش بخش لحظه های سکوت و تنهایی او باشد و همچون یار و یاور غمخوار با تمام وجود درکش کند، چنین کسی به بلوغ لازم برای ازدواج رسیده است و

ص: 112

---

1- از پرسش های رسیده به مرکز.

تأخیر در آن جز پشیمانی و حسرت ارمغان دیگری ندارد. البته جوانی که هنوز ازدواج را نوعی بازی کودکانه می‌پندارد و تنها هدف آن را تخلیه‌ی نیروی تحریک شده از محرکات گوناگون، تلقی می‌کند، هنوز به بلوغ فکری لازم نرسیده است. جوان باید به این نکته برسد که در کنار همسر، جدای از آن که به نیازهای روحی و جسمی خود پاسخی درست می‌دهد، در مقابل سلامت جامعه‌ی امروز و آینده مسئول است؛ بنابراین در انتخاب همسر باید دقت لازم را نموده، فردی را برگزیند که با تعهدی عمیق و مقدّس، به سوی ایجاد کانونی گرم و با صفا برای تأمین نیازهای روحی و روانی و جسمی و تربیت نسل آینده، گام بردارد. چه بسا جوانانی با رسیدن به بلوغ لازم، احساس نیاز نموده، خویشتن‌داری برایشان مشکل است، اما به سبب فضای جامعه و به خیال عدم استقلال مالی و به ویژه با عدم مساعدت خانواده، تن به ازدواج نمی‌دهند. بسی روشن است چنین جوانی که به بهانه‌های تحصیل و مشکلات مالی و هزینه‌ی جشن، ازدواج را به تأخیر بیندازد، خواه ناخواه طراوات و طهارت روح او از بین رفته و به روابط غیر قانونی با جنس مخالف تن داده، به انحراف کشیده می‌شود که به اعتراف همه‌ی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، عواقب آن از هر معضل دیگری زیان‌بارتر است.

جوان فرسوده‌ای می‌گفت: چندین سال است که استمنا می‌کنم. اکنون برایم همسری گرفته‌اند، به او میل ندارم و نمی‌توانم از او لذت ببرم. هنوز هم استمنا می‌کنم و

این کار را بر مباشرت با همسر ترجیح می‌دهم (1). به اعتراف کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی، ازدواج در سنین جوانی، بهترین راه حل برای سلامت فرد و جامعه است. دختر و پسر می‌توانند با نامزدی شرعی، هم از لذایذ زندگی بهره‌مند شوند و هم عفاف و طهارت جسم و روح را نگه دارند و در عین حال، به خاطر این که مسئولیت‌های زندگی بر دوششان نیست، ادامه‌ی تحصیل دهند. بدیهی است در صورت همراهی و برنامه‌ریزی درست خانواده‌ها، می‌توان این گونه نامزدی را راه حل مناسبی برای وضعیت کنونی جامعه دانست. (2) هر چند باید در مدت زمان آن دقت نمود و مناسب با شرایط و محیط افراد عمل کرد تا آثار سوئی از آن به بار نیاید. آیا هم کلام و هم قدم شدن در حدّ شرعی برای آشنایی قبل از ازدواج اشکال دارد؟ در ابتدا باید اشاره نمود که منظور از هم کلام شدن و هم قدم شدن در حدّ شرعی چیست؟ اگر منظور شما، رابطه‌ی رسمی و با موافقت خانواده و به صورت عقد موقت است - که در برخی از مناطق ایران مرسوم شده است - اشکالی ندارد. بلکه از جهات مختلف مفید می‌باشد و دختر و پسر می‌توانند برای شناخت و تفاهم بیش‌تر تلاش نموده، آماده‌ی زندگی مشترک گردند. اما اگر مراد، رابطه‌ی غیر از آن باشد، دیگر شرعی نبوده و مانند سایر دوستی‌ها و رابطه‌هاست؛ اگر دختر و

ص: 114

---

1- علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص 24.

2- ر.ک: آل اسحاق، دوران نامزدی، حل مشکل جوانان، رسالت: شماره ی 2102، 1/2/1372؛ هم چنین ر.ک: جوانان و انتخاب همسر، ص 240.



پسری مراحل انتخاب را گذراندند و از جهات مختلف به نظرات مثبتی رسیدند و قصد ازدواج دارند، می توانند با هماهنگی خانواده ها، با هم صحبت و تبادل افکار کنند تا تصمیم نهایی را بگیرند و در این صورت، هم کلام شدن بدون اشکال است؛ البته فقط برای مدتی که لازم است، معمولاً با يك یا دو جلسه. در این جا لازم است یادآوری کنیم که هدف بیش تر جوانان، به ویژه دختران در برقراری ارتباط با جنس مخالف، ازدواج بوده، در آرزوی یافتن همدلی صادق برای زندگی مشترکند؛ این دسته از جوانان باید بدانند که ازدواج باید با دیدی باز و شناختی کامل از روحیات و اخلاق و سلیقه های يك دیگر صورت پذیرد تا دختر و پسر به اتحاد و یکرنگی هر چه بیش تر رسیده، در فراز و نشیب زندگی، یار و یاور هم باشند و به کمک عشق و محبت راستین، در کوران مشکلات مقاومت نمایند. اما چه شناختی برای ازدواج لازم است و چگونه می توان به خصوصیات واقعی طرف مقابل پی برد و از زوایای مخفی اندیشه و روحیات و اخلاق او سر در آورد؟ آیا به صرف اظهار محبت به روش های گوناگون، می توان به همه ی این ها پی برد؟ آیا دختر و پسری که غرق در احساسات و غرایز بوده، همه چیز را با خوش بینی و حسن نیت - که لازمه ی این سن و سال است - می بینند می توانند به شناخت لازم برسند؟ جدای از آن که غریزه ی جنسی و شهوات نیز بر دل و دیده ی آن ها حکومت می کند. دوستی ها و روابط قبل از ازدواج، شناخت لازم را برای زندگی تأمین نمی کند و دو طرف را از الزامات و تعهدهای درونی نسبت به عشق و خانواده و مسئولیت زندگی و مقدار ظرفیت های روانی و اخلاقی آن ها باخبر نمی سازد؛ بلکه شناختی سطحی و کاملاً عاطفی و احساسی است.

در شناختِ لازم برای ازدواج، باید معیارها و ملاک های اساسی، چون: ایمان و دین داری، اصالت و شرافت خانوادگی، اخلاق نیک و حسن معاشرت، رعایت همسانی و کفو بودن در مسائل فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی و... را در نظر گرفت، و با مطالعه بر روی خانواده ی طرف مقابل و اخلاق و ایمان سایر اعضا و آشنایی با بافت فرهنگی و تربیتی آنان و با صحبت های رسمی با طرف مقابل - البته به دور از تسلط غریزه ی جنسی و احساسات - می توان به شناخت لازم دست یافت. در صورتی که خانواده براساس آشنایی سطحی و خیابانی بنا شود، در معرض خطر از هم گسستگی است و با مشکل کوچکی متزلزل می شود. در یکی از نشریات، حکایت هشدار دهنده ای درج شده که مردی بعد از پنج ماه زندگی مشترک، به دادگاه آمده بود تا همسرش را طلاق دهد و در بیان علت آن می گفت: از همسرم شناخت کافی نداشتم و امروز دیگر نمی توانم زندگی ام را با او ادامه دهم. او در چگونگی آشنایی و ازدواج خود می گوید: در يك تولیدی پوشاك كار می كنم. چند وقت قبل از ازدواج با او، بر حسب تصادف، شماره ی محل كار مرا می گیرد که برای اولین بار پاسخ گوی تماس او می شوم و دوباره این كار تکرار می شود و نهایتاً به ملاقات های حضوری در خیابان و ازدواج می انجامد؛ اما حالا دریافتم که این ازدواج پیامد خوبی ندارد. (1) دکتر «شیخی» در مصاحبه ای می گوید: عشق و علاقه هایی که اغلب در آشنایی های خیابانی و... حاصل می شود، بیش تر در همان دوران پدیدارند و هنگام تشکیل زندگی، این

ص: 116

قبیل دوست داشتن ها به سردی می گراید و در نهایت، برخی به طلاق می انجامد. (1) پس بهتر است، از این گونه دوستی ها پرهیز نمود و به تعالیم تربیتی اسلام تمسک جست و چشم و دل خود را پاك نگه داشت و به هنگام ازدواج، با مشاوره ی خانواده، با دختری با ایمان و عفیف و خانواده دار ازدواج نمود و خود را از آلودگی ها حفظ کرد. روابط دو دانشجویی که با توافق خود و والدین قصد دارند در پایان تحصیلات با هم ازدواج کنند، چگونه است؟ ازدواج مهم ترین حادثه ی زندگی انسان است که خوش بختی و سلامت آینده، در گرو این تصمیم است. اگر بتوانیم یار و یاورى پاك و صادق برای زندگی مشترك برگزینیم و همدلی همراه بیاییم، می توان گفت که به خوش بختی و شادی دست یافته ایم. نکته ی مهم، در یافتن شخص مناسب و شناخت صحیح از اوست. روابط دو دانشجو - هرچند با توافق والدین - اگر بدون خواستگاری رسمی و عقد شرعی موقت یا دائم باشد، از نظر شرعی توجیه پذیر نیست. حال در این هنگام که دو جوان به تفاهم رسیده و هم دیگر را قبول دارند و دو خانواده نیز موافقتند، چه خوب است این روابط به صورت رسمی در آورده شود که هم سبب پایداری و تعهد عمیق شود و از تزلزل خارج گردد و هم از نظر شرعی، نگاه ها و روابط دوستانه و عاشقانه حرام نباشد و زوجین در کمال آرامش روحی و روانی از گرمای وجود هم لذت برده، خود را از آلودگی ها مصون دارند. البته گفتنی است که ازدواج باید با دیدی باز و شناختی کامل از

ص: 117

1- پیشین

روحیات و سلیقه های فردی صورت گیرد و دختر و پسر از اندیشه ها و زوایای مخفی اخلاق و رفتار يك ديگر، تا حد امکان، شناخت پیدا نمایند و هر چه این شناخت عمیق تر باشد، در زندگی به اتحاد و وحدت بیش تری رسیده، در فراز و نشیب زندگی با اندك ناملايمات و اختلاف سلیقه، كانون گرم خانوادگی به خطر نمی افتد. در ازدواج باید به معیارهایی که در پاسخ پرسش قبل ذکر شده، توجه کافی نمود تا به آینده ای سرشار از صفا و یکرنگی و محبت دست یافت. چگونه می توان دوستی قبل از ازدواج را به صورت شرعی انجام داد؟ (1) یکی از مشکلاتی که جامعه ی امروزی با آن روبه روست، بحث ارتباط دختر و پسر است. البته این مسئله در این سؤال، با عنوان دوستی قبل از ازدواج مطرح شده و شاید منظور رابطه ای است که مقدمه ی ازدواج به حساب آید. به راستی چرا امروزه برخی از جوانان، بر دوستی و روابط اصرار می ورزند و انگیزه ی اصلی آن ها چیست؟ آیا غیر از این است که در حال حاضر، محرکات جنسی فزونی یافته و جلوه گری و دلبری و بدحجابی ها فراوان شده و نگاه های هوس آلود و حجب و حیا کم رنگ شده است؛ تا حدی که بعضی از جوانان پاك و معصوم و متشرع ما نیز به دنبال راه حل شرعی برای این نوع کامیابی های انحرافی و زودگذرند؟ البته در طبیعت انسان، کشش درونی به جنس مخالف وجود دارد که اسلام برای ارضای صحیح آن، ارتباط قانونی و ضابطه مند را مطرح کرده و خواستار آن است

ص: 118

---

1- از سؤالات ارسالی به مرکز.

که افراد در سطح جامعه، بر اساس احترام متقابل و بر مبنای عواطف پاک و خالصانه و به دور از هوی و هوس با هم ارتباط داشته باشند. در نتیجه، حکم دوستی های قبل از ازدواج، اگر تنها برای کامیابی های جنسی و در اثر غلبه ی شهوانی باشد، معلوم است. و اگر دختر و پسر بعد از شناخت اجمالی با فرد و خانواده ی او، احساس تفاهم نمایند و در ظاهر نیز مانعی بر سر راه ازدواج آنان نباشد و خودشان هم قصد جدی داشته باشند، می توانند به صورت رسمی، به دور از مسائل شهوانی، چند جلسه ای با هم صحبت کنند تا به صورت دقیق با افکار و عقاید هم آشنا شوند و بهتر است برای آشنایی کامل، مدتی به صورت نامزدی شرعی (بعد از عقد موقت یا دائم) با هم ارتباط داشته باشند تا آماده ی زندگی مشترک گردند. جوانی هستم که هر گاه به ارتباط دختر و پسر فکر می کنم، به آن علاقه مندم، اما اجازه ی این کار را به خود نمی دهم؛ چه کنم؟ (1) در بخش نخست و صفحات پیشین، درباره ی نیاز طبیعی دختر و پسر به يك دیگر مطالبی بیان شد. آنچه مهم است زمینه سازی و ایجاد بستری مناسب برای پاسخ به آن است. بنابراین کشش درونی به جنس مخالف و میل به دوستی و مصاحبت با آنان، امری طبیعی است، اما نکته ی مهم در این است که آیا ارتباط و دوستی، نیازهای روحی و روانی شما را به طور کامل ارضا می نماید و یا این که برای حلّ يك مشکل، گرفتار مشکلات متعددی می گردید؟

ص: 119

---

1- از پرسش های رسیده به مرکز.

اگر تا کنون به این کار اقدام نکرده اید و به خود اجازه ی ایجاد رابطه نداده اید، از این تصمیم درست خود، خرسند باشید؛ زیرا جوانانی که به این راه کشیده می شوند، اولین چیزی که از دست می دهند، گوهر ارزشمند عفاف و پاکی است. در پاسخ به پرسش های قبلی درباره ی آثار و پیامدهای منفی این گونه روابط، به اندازه ی کافی سخن گفتیم که از جمله ی آن ها، کاهش آرامش روانی، استواری اجتماع، تزلزل کانون خانواده و افزایش فساد و انحرافات را می توان نام برد. بنابراین درست است که جوانان بعد از بلوغ و بیداری غرایز، به طور طبیعی به جنس مخالف علاقه مند می گردند و خواستار ایجاد روابط دوستانه می شوند تا روح و جسم آنان را آرامش بخشد، اما دوستی های خیابانی و ... پاسخ درستی نبوده، مشکل جوانان را حل نمی کند و همان گونه که گفتیم، ازدواج، صحیح ترین راه است. جوان با پذیرش پیمان زناشویی و با مورد اعتماد قرار گرفتن، پیوسته احساس ارزشمندی می نماید، و شخصیت او تثبیت و استعدادهایش شکوفا می گردد. این تحوّل، جوان را از انحراف در هرزگی و بی برنامگی و اسراف و فرورفتن در لاک خود باز می دارد. پسری که ازدواج نموده است، دیگر در هیچ غروبی دلش نمی گیرد و در روز تعطیل، بی حوصله و سر در گم نمی ماند. بلکه در کنار همسر و فرزند خود، در کنار همه ی عشق و امید و در دنیایی از احساسات پاک، شادمانه پرواز می کند و اگر برای جوانی، شرایط ازدواج فراهم نیامده و یا فرد مورد نظر را نیافته است، باید با عفاف و خویشتن داری و پرهیز از محرکات جنسی، از گوهر طهارت و سلامت پاسداری کند تا به لطف و یاری پروردگار، در زندگی، موفق و سربلند باشد.

گفتار چهارم

آثار ارتباط و پیامدهای آن

ص: 121





4 آثار ارتباط و پیامدهای آن در بخش های پیشین درباره ی دلایل طرفداران روابط دختر و پسر و پاسخ به آن از نظر دین اسلام سخن گفتیم و با برخی از آثار و تبعات آن آشنا شدیم. در این بخش به برخی دیگر از آثار دنیوی و اخروی آن اشاره می کنیم و مسائلی را که به گونه ای با بحث ما در ارتباط است، ذکر می کنیم. روابط نامشروع چه تأثیری در روحیه و ایمان و اعتقادات جوانان دارد؟ (1) اگر انسان به غرایز و شهوات، به عنوان تنها هدف زندگی نگاه کند، دیگر نمی توان راه مخصوصی را برای او پیشنهاد کرد و از چشم چرانی و خودارضایی گرفته تا هم جنس بازی و هرگونه انحراف دیگر در نظر او جایز و پسندیده است؛ هر چند در ستیز با کرامت انسانی باشد و منجر به نابودی جامعه ی بشری گردد. آن چه امروزه جوامع غربی، شاهد پیامدهای منفی آن است معلول اصل لذت جویی و حکومت غرایز و روابط مختلط و آزاد است.

ص: 123

---

1- از پرسش های رسیده به مرکز.

امروزه بعد از اجرای فراگیر نظرات امثال «فروید و راسل» در جوامع غربی و غرب زده، شاهدیم که روز به روز بر آمار بیمارهای روانی و خودکشی اضافه می شود و آنان که عمری را در راه لذت جویی، سپری کرده اند، در نهایت به بن بست و پوچی رسیده و هویت انسانی خویش را از دست داده اند. در بخش دوم درباره ی آثاری نظیر از دست دادن آرامش روانی و افزایش التهاب ها و معضلاتی که دامن گیر اجتماع می شود، سخن گفتیم و اکنون تأثیرات آن را در روح و روان و ایمان انسان از نگاه احادیث معصومین علیهم السلام پی می گیریم: در معارف دینی، زمانی که خواهش های نفسانی از دایره ی شرافت انسانی خارج و هدف زندگی واقع گردد، مورد نکوهش واقع شده، به عنوان عاملی که مخرب دنیا و آخرت انسان است، معرفی شده است. همه ی انسان ها موظفند برای پاسداری از حریم عفاف و پاکی، کمال دقت را بنمایند. با نگاهی به داستان حضرت یوسف، در می یابیم که ایشان نیز در عین برخورداری از مقام والای معنوی، در مقابل وسوسه ای شیطانی و دعوت به شهوت، به خدا پناه برد و از او مدد جست.

آثار و پیامدهای پیروی از شهوات 1. آثار دنیایی حضرت علی علیه السلام می فرماید: قرین الشهوة مريض النفس، معلول العقل (1)؛ کسی که با شهوت همراه است، جان و عقلش مریض و بیمار است. و در حدیث دیگری می فرماید: (و کم من شهوة قد اورث حزنا طویلاً) (2)؛ چه بسیار شهوت (و لذات زود گذری) که حزن و اندوهی طولانی بر جای می گذارد. روزنامه ها و مجلات خانوادگی، مملو از حکایت هایی است که افراد در پی يك نگاه شهوت آلود و یا برای رسیدن به هوی و هوس، عقلشان مغلوب شهوت شده، دست به کارهایی زدند که يك عمر باید تاوان آن را بپردازند و جدای از عذاب اخروی، در دنیا جز بدنامی و تباهی و بدبختی چیز دیگری نصیبشان نشده است. در حدیثی آمده است: کسی که به سوی شهوات گام بردارد و پیشی جوید، آفات و بلاها نیز همان گونه به سوی او می آید. (3) گناهی که آشکارا انجام می پذیرد، تخلفی شدید است و سبب تعجیل در نزول بلاها و نقمات می شود. (4)

ص: 125

---

1- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة

2- همان،

3- همان، 10/375.

4- همان،

2. آثار معنوی و اخروی امام علی علیه السلام می فرماید: هیچ چیزی همانند غلبه ی شهوت، تقوا را نابود نمی سازد(1) و نیز فرمودند: شهوت و حکمت الهی در يك قلب جمع نمی شوند.(2) در این باره روایات بسیاری موجود است که هر کدام اثری از آثار منفی گناهان و پیروی از شهوت را یاد آوری می کند و انسان را از عواقبِ سوء آن آگاه می سازد و آن چه در همه ی روابط و دوستی های نامشروع پیدا می شود، نگاه شهوت آلود و غلبه ی شهوت و هیجان های نامشروع است و اگر این روابط از حدّ دوستی های معمولی خارج شده، به روابط نامشروع زناشویی منجر شود، جدای از عواقب بسیار زیانبار فردی و اجتماعی، عذاب دردناک اخروی را نیز به دنبال دارد که در قرآن کریم به آن تصریح شده است.(3) و در حدیثی از پیامبر، آلوده شدن به گناه زنا را همانند کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله

و نابود کردن خانه ی کعبه و از بزرگ ترین گناهان بنی آدم ذکر می کند.(4) در حدیثی دیگر، آثار شوم دنیایی آن را از بین رفتن آبرو، تعجیل در نابودی و فنا و قطع رزق، و در آخرت، حسابرسی دقیق و سخت و گرفتار شدن به قهر الهی و خلود در آتش جهنّم می شمارد.(5) زشتی و قباحت این پدیده ی شوم به حدّی است که امروزه همه ی اندیشمندان عالم به آن اعتراف نموده و از آثار هولناک اجتماعی آن نگرانند.

ص: 126

1- همان،

2- همان،

3- سوره ی اسراء، آیه ی 32 و نور آیه ی 33.

4- میزان الحکمة 4/238.

5- همان،

تأثیرهای منفی روابط از جهت اجتماعی چیست؟ پروردگار، دختر و پسر را برای ازدواج خلق کرده و جامعه این نقش را از آنان پذیرفته است. لیکن باید توجه داشت که عجله کردن در این راه و بی توجهی به واقعیت های اجتماعی، می تواند لطمه های جبران ناپذیری به تشکیل خانواده و خوش بختی آینده بزند و از آن جا که نوجوانان و جوانان از لحاظ شرایط روانی و عاطفی در برهه ای حساس از زندگی خویش به سر می برند که میل به دگرخواهی و احساس نیاز به جنس مخالف شدید است و تمام فکر و آرزوهای جوانان را در بر گرفته و تنها هدفشان دست یابی و وصال به طرف مقابل است، چه بسا از آثار و تبعات اعمال خود غافل گشته، به گونه ای رفتار می کنند که با جامعه ی پیرامون آن ها هماهنگ نبوده، برای همیشه باید تاوان کارهایشان را بپردازند. «ویل دورانت» تصریح می کند: جوان که پس از سال ها ناز پروردگی، از خانواده به اجتماع قدم می نهد، خود را آزاد می یابد و جام لذت آزادی را تا جرعه ی آخر سر می کشد، ... عاشق برترین چیزها و مبالغه ها و نامحدودیت هاست ... زندگی او در زمان حال است و افسوس گذشته را نمی خورد و از آینده نمی ترسد و با خوش دلی و سبک روحی، از تپه ای بالا می رود که قلّه، طرف دیگر آن را از چشم او پنهان داشته است. (1) در این باره «ریموند بیچ» می گوید: یکی از ویژگی های جوانان این است که هر وقت هر چه دلشان می خواهد می کنند، بدون آن که نگران نتایج کار خود باشند؛ اما قوانین اخلاقی انعطاف ناپذیرند. قراردادهای اجتماعی بر اساس تمییز خوب

ص: 127

از بد ایجاد شده اند، نه از روی هوس و دل خواه. و به همین دلیل، زمان هم قادر نیست آن ها را تغییر دهد؛ رعایت این قرار دادها موقّیّت و خوش بختی افراد را تضمین می کند. کسانی که به هواداری از تمایلات آنی خود، از این راه، منحرف می شوند، بعدها - هنگامی که دیگر خیلی دیر است -، پی می برند که از منبع خوش بختی خود برداشت بیهوده ای کرده اند و هرگاه به سیاهه ی اعمال خویش رسیدگی کامل کنند، متوجّه می شوند که زندگی آن ها هرگز نیازمندی های عمیق قلبشان را برنیاورده است؛ در حالی که دسته ی دیگر که همواره پایه ی زندگی را محکم می کنند، نه تنها از شادی های قلبی لذّت سرشاری می برند؛ بلکه از دوران جوانی که مقدّمه ی زندگی حقیقی است، نشاط و حظّ وافری می گیرند. (1) چه دوستی هایی که در آغاز از روی صداقت و پاکی و برخاسته از نیاز به محبّت شروع شده، اما به سبب تحریک پذیری بسیار و غلبه ی غرایز، جز بدنامی، ارمغانی به بار نمی آورد. به عنوان مثال، دختری که در شهری کوچک، نامه ای از پسری دریافت کرده بود، در حالی که منحصرًا يك نامه به پسر داده بود، به علّت بروز اختلاف خانوادگی، پسر نامه ی وی را در پانصد نسخه تکثیر و در سطح شهر پخش می کند. دختر بعد از آن واقعه، در وضعیتی قرار می گیرد که حتی از خانه نیز نمی تواند خارج شود. (2) چه بسیار دخترانی که تنها به خاطر معشوقه بودن و به پاس آن که دلی دلداده ی او شده است و به احترام وعده های دروغین ازدواج، پا در این میدان نهاده و مهر پسر را به حریم دل خویش راه داده است؛ اما بعد از

ص: 128

---

1- ما و فرزندان ما، ص 83. ر.ک: همت سهراب پور، جوانان در طوفان غرایز، ص 25.

2- سید علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط ...، ص 7.

آن که لطافت روح و عفت و پاکی او خدشه دار شد و از زمره ی دختران خویشتن دار، خارج گردید، پسر، دل در گرو دیگری نهاده و او را در عرصه ی بدننامی، با دنیایی از غم و اندوه و ناکامی رها نموده و به دنبال طعمه ی پاك و زلال دیگری است تا قسم ها و وعده های دروغین او را باور کند و به قطرات خونی که از قلب کاغذی او جاری است، ایمان آورد. چنین جوانی به هنگام ازدواج، به هر دختری برسد، با شك و تردید به او می نگرد و انتخاب همسر برایش مشکل می شود. و با این که ده ها گل را بوییده است، به دنبال غنچه ی تازه شکفته ای است که لطیف و پاك باشد. به ویژه در جامعه ای که بافت سنتی دارد و در عمق وجود افرادش وجدان و اخلاق حاکم است، بیش تر افراد، حتی کسانی که اهل رعایت ضوابط اخلاقی نیستند، دخترانی را که سابقه ی روابط و دوستی دارند، فاقد عفت و وجاهت لازم دانسته، آنان را برای ارضای شهوات و چشم چرانی خویش شایسته تر می دانند؛ تا شريك زندگی و محرم اسرار؛ در نتیجه دخترانی که با این عنوان معرفی شوند، بد نام شده، دچار آسیب های روانی و اجتماعی می گردند و آینده ی آن ها به خطر می افتد. جوانی در گفت و گویی درباره ی چگونگی روابط دختر و پسر، علی رغم اصرار بر رفع محدودیت های موجود در جامعه و خانواده می گوید: من هیچ وقت امکان نداشت با دختری که دوست هستم ازدواج کنم ... [و ازدواج طبق معمول و باهمراهی خانواده پسندیده است ...] شما اگر معنای ازدواج را بدانید، آن وقت حساسیت مردهای ایرانی را می فهمید. اگر دختری با چند پسر دوست بوده باشد، حاضر نیستم با او ازدواج کنم. (1)

ص: 129

«ویل دورانت» به صراحت می گوید: زنان بی شرم، جز در لحظاتی زودگذر، برای مردان جذّاب نیستند ... مردان جوان به دنبال چشمانِ پر از حیا می باشند و بدون آنکه بدانند، حس می کنند که این خودداریِ ظریفانه (حیا و عفاف) از يك لطف و رقت عالی خبر می دهد. (1)

دختران جوان باید بدانند، آن که هر روز در پی دلداری است و عاشقِ هزار معشوق است، همچون صیّادی است که با دانه های رنگارنگ خود، در پی شکار صید است؛ نه عاشق دل داده. عاشق، خانه ی دلش را تنها، مهمان سرای يك دوست می کند. دل بستن به دل هر جایی، غوطه ور شدن در مردابی بیش نیست. نکته ی دیگر آن که: پایه و اساس عشق و محبت، تعهد عمیق به يك دیگر است و در جایی که محرّک های جنسی فزونی یابد، هوس، جانشین عشق شده، تنوع طلبی به جای تعهد و وفاداری می نشیند که در این باره، در بخش های گذشته بحث شده است. آقای دکتر سروش در حرمت شرعی ابراز دوستی میان دختر و پسر نامحرم تشکیک کرده می گوید: در فرهنگ گذشته ی ما، ابراز دوستی بین زن و مرد و دختر و پسر، به هر شکلش تحریم شده بود که همه اش معلوم نیست جنبه ی شرعی داشته باشد؛ بلکه جوانب عرفی و اجتماعی و ایرانی هم دارد. مسئله ی حلیت و حرمت، مال مقام اختیار است. در جبر که مسائل اختیاری نیست؛ نه حلال دارد نه حرام. من نفهمیدم، عشق حرام

ص: 130



یعنی چه؟ اصلاً عاشقی، ترك اختیار است. (1) گفتیم که صرف ارتباط و صحبت کردن و برخورد زن و مرد با هم در زندگی روزمره بدون اشکال است؛ اما دوستی ها و روابط عاشقانه ای که آقای دکتر در این سخنرانی به آن پرداخته است و بر ترویج آن تأکید می ورزد، به هیچ وجه قابل توجیه نیست و جدای از مشکلات و معضلاتی که گفته شد، امنیت و سلامت نسل جوان را به خطر می اندازد. این نوع دوستی ها و روابط در فرهنگ و فقه اسلامی نیز مورد تأیید قرار نگرفته، تشکیک ایشان در حرمت این گونه روابط، مستند فقهی ندارد. در بخش دوم، مسئله ی عشق و عاشقی را مطرح نمودیم و چنین نتیجه گیری می شد که ارتباط آزاد، با پاسداری از حریم عشق، منافات دارد و هوس و شهوت را جایگزین آن می نماید. اما در مورد مسئله ی غیر اختیاری بودن عشق و حلال بودن آن، باید بگوییم که اگر بپذیریم، پیدایش عشق و سلطه ی آن بر جان و روان آدمی، غیر اختیاری و خارج از اراده ی انسان است، اما به خوبی روشن است که مقدمات پیدایش آن، که از نگاه و ارتباط به وجود می آید، اختیاری است. هم چنین در صورت پیدایش عشق، دنبال آثار و تبعات آن رفتن و تماس و نامه نگاری های بعدی و ایجاد و حفظ ارتباط با نامحرم، همه تحت اراده و اختیار آدمی است. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده اند: من عشق فکتم و عف فمات، مات شهیدا؛ کسی که عاشق شود، پس آن را پنهان کرده و عفت پیشه کند و در این حالت بمیرد، شهید از دنیا رفته است. (2)

ص: 131

---

1- مجله ی صبح، 16/4/1374.

2- کنز العمال، ج 3، ص 373، شماره ی 7000.

بر این اساس، رابطه‌ی دوستانه و عاشقانه، با غیر همسر قانونی، در فرهنگ قرآن کریم مردود است؛ برای روشن شدن ریشه‌های این تفکر به مطالب ذیل توجه فرمایید. مرحوم «طبرسی» در تفسیر مجمع البیان می‌گوید: در دوران جاهلیت، رسم بر این بود که زنان، علاوه بر شوهر خود با یک مرد دیگر رابطه‌ی عاشقانه برقرار می‌کردند که در مسائل زناشویی در اختیار شوهرشان بودند اما لمس و بوسه را از عاشق و دلداره‌ی خویش دریغ نداشتند.<sup>(1)</sup> «برتر اندر اسل» می‌گوید: چیز غریبی است که نه کلیسا و نه افکار جدید اجتماعی، هیچ‌کدام معاشقه‌های جنسی را به شرطی که از حد کوتاه معین پیش تر نروند، سرزنش نمی‌کند. این که گناه از چه حدی به بعد شروع می‌شود؛ امری است که صاحب نظران در آن اختلاف دارند. یکی از بزرگان و مقدّسین کاتولیک ارتدکس را عقیده بر این است که یک پیرو مسیح، بدین شرط که یت شیطانی نداشته باشد، حتی می‌تواند برجستگی‌های سینه‌ی یک خواهر مقدس را نیز نوازش نماید.<sup>(2)</sup> این است مکتب حیات بخش غربی که کعبه‌ی آمال برخی از اندیشمندان ما شده است! استاد شهید «مطهری» می‌فرماید: پس از آن که قرن‌ها علیه شهوت پرستی، به عنوان امری منافی اخلاق و عامل برهم زدن آرامش روحی و منحلّ به نظم اجتماعی و

ص: 132

---

1- طبرسی، مجمع البیان، ج 8، ص 155.

2- پروفیسور رابرت اگنر، برگزیده‌ی افکار راسل، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، ص 123.

به عنوان نوعی انحراف و بیماری توصیه و تبلیغ شده بود، یکباره ورق برگشت و صفحه عوض شد. جلوگیری از شهوت و پابند بودن به عفت و تقوا و تحمّل قیود و حدود اخلاقی و اجتماعی، عامل بر هم زدن آرامش و مخلّ به نظم اجتماعی و از همه بالاتر، امری ضدّ اخلاق و تهذیب نفس معرفی شد... بدیهی است که این چنین فرضیه‌ی به ظاهر شیرین و دل‌پذیری، به عنوان اصلاح مفاسد اخلاقی و اجتماعی، طرفداران زیادی - خصوصاً در میان جوانان مجرد - پیدا می‌کند. اما در کشور خودمان، می‌بینیم چه کسانی از آن طرفداری می‌کنند و چه از این بهتر که خود را در اختیار دل، و دل را در اختیار هوس قرار دهیم و در عین حال، عمل ما اخلاقی و انسانی شمرده شود. (1)

«مراجع دینی ما معتقدند که ارتباط دو جنس مخالف و با هم بودن آن‌ها در مکان خلوت، که احتمال گناه می‌رود، حرام است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، این ارتباط در جای غیر خلوت، مباح و بدون اشکال شرعی باشد.» (2) در این جا دو مسئله با هم خلط شده است: یکی صرف با هم بودن و دوّم، ارتباط و دوستی. مسئله‌ی ذکر شده، درباره‌ی با هم بودن در يك مکان است؛ در متون دینی ما، بیان شده که اگر زن و مرد نامحرمی در جای خلوتی باشند که نفر سومی نباشد و احتمال گناه برود، صرف با هم

ص: 133

---

1- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی، ص 65 و 66.

2- مجله ایران جوان، ش 135، ص 36.

بودنشان در آن مکان، حرام است (1) زیرا حدیثی داریم که شیطان گفته: نفر سومشان من هستم و آن‌ها را وسوسه کرده، به گناه می‌اندازم. در این صورت مفهوم عبارت «با هم بودن در مکان خلوت حرام است»، این خواهد بود که اگر مکان، خلوت نبوده، یا عمومی باشد و یا به صورتی باشد که شخص سومی بتواند وارد شود، صرف با هم بودن و قرار گرفتن در یک مکان حرام نیست؛ اما این ربطی با مسئله‌ی ارتباط و دوستی ندارد. این مسئله‌ی دینی نمی‌رساند که ارتباط در جای غیر خلوت مباح است.

در ضمن، نظر اسلام درباره‌ی دختر و پسر و دوستی آن‌ها روشن است و واقعا اگر شخصی، به دور از هوی و هوس و جاذبه‌های کاذب، به دنبال حکم شرعی و الهی باشد، می‌فهمد که اسلام، این گونه روابط را نمی‌پسندد.

مطلب دیگر، بیان مسئله‌ی درباره‌ی چگونگی ازدواج و ارتباط است که چنین ذکر شده: می‌گوید باید عقد کنید بعد یک درجه پایین می‌آید و می‌گوید صیغه کنید. بعد می‌گوید می‌توانید فارسی بگویید. بعد می‌گوید با اشاره و نهایتاً، در قضیه‌ی ارتباط فی مابین، به رضایت بسنده می‌شود و اگر کسی نتواند اسلام را خوب ترویج کند، اسلام را بد انتقال می‌دهد و خود به خود جامعه آن را طرد می‌کند. (2) ازدواج در اسلام به دو صورت ممکن است: عقد دائم و عقد

ص: 134

---

1- برای اطلاع بر نظرات مراجع عظام رجوع شود به بخش پنجم.

2- مجله‌ی ایران جوان، ش 135، ص 34.

موقت. ازدواج دائم و موقت، در ماهیت باهم فرقی ندارند و در هر دو، تعهد رسمی و خواندن عقد خاص، لازم است. پیمانی که زن و مرد با هم می بندند یا برای همه ی عمر است و یا برای مدت معینی، که هر کدام دارای شرایط خاص خود است. پس این طور نیست که اسلام اول عقد دائم را گفته، بعد پایین آمده و گفته است صیغه و ... بلکه از ابتدا، ازدواج به دو صورت جایز بوده است و طرفین مطابق با شرایط و نیازی که دارند، پیمان زناشویی را منعقد می نمایند. در ادامه مطلب آمده است: بعد می گویند عربی بودن صیغه لازم نیست. فارسی کافی است و بعد به اشاره و ارتباط ختم می شود. در هر گونه عقد (دائم یا موقت) شرایط خاصی لازم است که یکی از آن شرایط، عربی بودن است. در حقوق اسلامی، این بحث مطرح است که آیا صیغه ی عقد باید عربی باشد یا خواندن آن به فارسی کافی است؟ فقها بر مبنای دلایل موجود در متون روایی، احتیاط نموده و به خاطر اهمیت ازدواج و لوازمی که دارد، چنین عقیده دارند که: اگر عقد، فارسی خوانده شد، احتیاطاً صیغه ی عربی آن نیز باید خوانده شود؛ خواه عقد دائم باشد یا موقت. اما مسئله ی اشاره و رضایت، در فقه اسلامی و رساله های عملیه موجود نیست. مشهور فقهای شیعه، خواندن صیغه ی عقد را لازم می دانند و هیچ فقیهی این روابط نامشروع را جایز ندانسته است و این جملات، ناشی از عدم اطلاع کافی از فقه اسلامی است که اگر گوینده ی محترم این کلام، سری به کتاب های دینی بزند، اثری از آن چه گفته است نمی یابد!

تأثیر چشم چرانی بر ایمان و اعتقادات و دوری از خدا چگونه است؟ و چگونه می‌توانیم چشم خود را از نگاه به حرام باز داریم؟ چشم، دریچه‌ی دل و اندیشه‌ی انسان است، اگر چگونه نگریستن را یاد بگیریم و چگونه دیدن را تجربه کنیم، چشم ما چشمه‌ی امید و ایمان می‌شود و نگاه ما، عبادت و سبب رشد و تکامل خواهد شد؛ و اگر آن را رها کنیم تا به هر چه هوی و هوس دستور داده است، نگاه کند، جز آه و حسرت و تباهی نصیب ما نمی‌شود. به هرچه «دیدنی» است که نباید نگریست. مگر فاصله‌ی «نگاه» تا «گناه» چه قدر است؟ اگر چشم در اختیار خرد و قلب سلیم باشد، به هر چه و هر چیز نگاه نمی‌کند و اگر عقل و دل را در اختیار چشم قرار دهیم، «هر آن چه دیده بیند دل کند یاد.» از آن جا که گام اول در روابط، نگاه‌های آلوده است و گام گذاران در این وادی، چه بسا گرفتار عادت مذموم دائمی خواهند شد، بنابراین چشم چرانی را از دیدگاه روان‌شناسی و معارف دینی بررسی می‌کنیم. روان‌شناسان، چشم چرانی را نوعی بیماری روانی می‌شمارند. بینایی یکی از مهم‌ترین اعضا برای تحریکات جنسی است. اگر فرد تنها از نظر - بازی برای ارضای کشش جنسی استفاده کند، دچار نوعی انحراف شده است. معمولاً شخص نظر باز با مشاهده و نگاه، ارضا نمی‌شود و به همین دلیل دست به استمنا می‌زند. افراد نظر باز، کنج‌کاوی شدیدی نسبت به دیدن اندام برهنه‌ی جنس مخالف دارند و این امر، گاهی باعث برخوردهایی بین آنان و مردم می‌شود. آنان گاهی ساعت‌ها پشت پنجره‌ها یا روی بالکن‌ها یا کنار کوچه و خیابان به نظاره‌گری می‌پردازند تا شاید به

کام دل برسند. (1) این امر به ویژه در مردان، بیش تر به چشم می خورد؛ زیرا مردان بالغ به محرک های بینایی شهوانی حساسیت بیش تری دارند. این نقطه ضعف مرد، در زندگی روز مره اش همواره به چشم می خورد و به صورت های گوناگون از جمله تهیه ی عکس و مجلات مبتذل مورد بهره برداری قرار می گیرد. زنان به محرک های لمسی، حساسیت بیش تری دارند. این تفاوت از همان اوایل، تحت تأثیر اندروژن ها شکل می گیرد. اصطلاح «چشم چرانی» که برای این ویژگی مردان به کار می آید، زائیده ی حساسیت مردان نسبت به محرک های بینایی شهوانی است. چون بُرد حسّ بینایی زیاد است، مردان به صورتی گسترده تر تحت تأثیر محرک های شهوانی قرار می گیرند و از این نظر فعال ترند (2). اسلام چون از مفسد چشم چرانی، این بیماری روانی و تأثیر آن بر سلامت روان و ایمان انسان، اطلاع داشته، به کلی آن را ممنوع کرده است؛ از طرفی چون مردان در این باره حسّاس ترند، به زنان دستور حجاب و پوشش کامل داده است. چه بسیارند جوانانی که در اثر نگاه های آلوده، از راه عفت خارج شده، در وادی فساد سقوط می کنند. وقتی چشم دید، دل می خواهد. مگر چقدر می توان مقاومت نمود و بالاخره عنان نفس از دست می رود و دنبال دل خواه روانه می شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و

ص: 137

---

1- دکتر احمد احمدی، روان شناسی نوجوان و جوانان، ص 125.

2- دکتر محمود بهزاد، تفاوت های زن و مرد از نظر روان شناسی و ...؛ ر. ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 63.

عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آن چه انجام می دهند آگاه تر است. و به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویشان را حفظ کنند. (1) در این آیه به صراحت بیان شده است که برای طهارت دل و ایمان، باید نگاه را تحت اختیار در آورد. در تفسیر این آیه احادیث بسیاری وارد شده که در یکی از آنها درباره ی علت حرمت نگاه به نامحرم آمده است: حرمت نگاه به نامحرم، به سبب تهییج و تحریک شهوانی است که در نگاه نهفته است. این تحریک سبب فساد و ورود در محرمات است. (2)

در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس چشم را از نگاه حرام و هوس آلود پر کند، خداوند در روز قیامت آن را از آتش پر می نماید؛ مگر توبه کند و از این راه (نادرست) باز گردد. (3) و هم چنین حضرت علی علیه السلام می فرماید: هر کس چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه اعصابش ناراحت خواهد بود و به آه و حسرت دائمی گرفتار می شود. (4) از آیه و احادیث فوق استفاده می شود که چشم چرانی تأثیرات مخربی بر روح و ایمان انسان می گذارد؛ از جمله: 1. طهارت و پاکیزگی روح را از بین می برد؛ 2. سبب خشم الهی و عذاب اخروی است؛

ص: 138

---

1- سوره ی نور، آیه ی 30 و 31.

2- میزان الحکمة، ج 10، ص 74.

3- همان، ج 10، ص 77.

4- همان، ج 10، ص 71.



3. در این دنیا نیز با شعله ور شدن آتش شهوت، انسان را در فساد و تباهی غوطه ور می سازد(1)؛ 4. آرامش روحی - روانی را نابود ساخته، انسان را گرفتار اضطراب و تشویش می نماید(2)؛ زیرا هر چه دیدنی است دست یافتنی نبوده، نگاه به آن، جز آه و حسرت حاصلی ندارد. در نتیجه اگر می خواهیم با طهارت و سلامت، زندگی کنیم و دل و اندیشه ی خود را از حرام باز داریم، باید حریم نگاه را پاس داشته، برای آن محدوده ای قائل شویم و چشم را از محرّمات و صحنه های گناه فرو بندیم.

اگر چشم جوانی به نامحرم بیفتد، باید حرمت خدای ناظر آگاه را نگه داشته، از این لذت زود گذر چشم فرو بندد. چشم پوشی از محرّمات الهی ممکن نیست؛ مگر آن که بیننده با چشم دل، عظمت و جلال الهی را مشاهده نماید. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: چگونه می توان چشم از حرام فرو بست؟ در پاسخ فرمود: با اطاعت و فرمان برداری از سلطانی که مطلع بر اعمال مخفی توست.(3)

پس اولین راه تقویت اراده و چشم پوشی از حرام، تفکر در ناظر آگاهی

ص: 139

---

1- ابراهیم امینی، آیین همسررداری، ص 281.

2- ناصر مکارم شیرازی، مشکلات جنسی جوانان، ص 167.

3- میزان الحکمة، ج 10، ص 81.

است که بر همه ی اعمال آشکار و نهان ما احاطه دارد و از سرّ ضمیر ما مطلع است و هم اوست که فردای قیامت، حسابرس و حاکم است. خداوند در قرآن می فرماید: «تعلم خائنة الأعین»<sup>(1)</sup>؛ خدا از خیانت چشم ها آگاه است. در حدیثی در تفسیر این آیه آمده است: منظور نگاهی است که شخص، در حال نگاه، وانمود کند که نگاه نمی کند. خدا از این نگاه (آلوده) نیز با خبر است.<sup>(2)</sup> نکته ی دیگر آن که با دوری گزیدن از صحنه های محرّک و با مطالعه ی کتاب های مذهبی و اعتقادی، خود را از این مهلکه نجات دهد. جوانی که طالب طهارت و پاکی و به دنبال سعادت دنیا و آخرت است، چشم از گناه باز می دارد و خود را از آلودگی نجات می دهد؛ زیرا به فرموده ی امام صادق علیه السلام: نگاهِ پی در پی، در قلب شهوت ایجاد می کند و همین برای انحرافِ بیننده کافی است...<sup>(3)</sup> بدیهی است فساد و انحرافات، دوری از خدا را در پی داشته، سبب محرومیت از فیض الهی است. اما جوانی که با نفس مبارزه می کند و از این لذّت زود گذر چشم می بندد و به پاس حرمت و پاکی و سلامت، چشم از گناه فرو می بندد، خداوند نیز به او پاداش داده، از رحمت خویش بهره مند می سازد. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: نگاه، تیر مسمومی از تیرهای شیطان است و هر کس به پاس

ص: 140

---

1- سوره ی مومن، آیه ی 19.

2- میزان الحکمة، ج 10، ص 76.

3- همان، ص 80.

عظمت و جلال و خوف الهی از آن چشم پوشی کند، خداوند در قلب او ایمانی قرار می دهد که حلاوت و شیرینی آن را می چشد. (1)

نشان دادن فیلم های عاشقانه و صحنه های روابط دختر و پسر، چه اشکالی دارد؟ بعضی از فیلم سازان می گویند: ما حقایق جامعه را نشان می دهیم همچون سرقت و اعتیاد و یا معضلات دیگر اجتماعی؟ (2) و هم چنین دکتر «سروش» گفته است: اگر به خرق عادت، عادت می کردیم، دیگر مخالفتی نبود. فرهنگ ما، ادبیات ما، به شعر عاشقانه عادت کرده است؛ اما به رمان ها و سینمای عاشقانه عادت نکرده ... حالا چه اشکالی دارد کسی فیلم عاشقانه بسازد؟ (3)

سینما و تلویزیون، از وسایل مؤثر ارتباطی است و می تواند نقش سازنده ای در اعتلای فرهنگ عمومی داشته باشد و اگر نقش واقعی خود را ایفا کند، تأثیر مثبت آن در سطح جامعه به خوبی مشاهده می گردد و روشن است که اقشار مختلف جامعه، خواستار سینمایی سازنده و پویا و هدفمند می باشند و هنرمندانی که در عرصه ی سینما فعالیت دارند نیز مدعی چنین مطلبی هستند. حال باید دید فیلم هایی که ساخته می شود، در همین راستا گام بر می دارند یا خیر؟ یکی از وظایف سینما، بیان مشکلات و معضلات اجتماعی است تا عموم مردم، به ویژه مسئولین، بیش تر به فکر افتاده و در صدد رفع آن ها بر

ص: 141

1- همان، ص 78.

2- از پرسش های رسیده به مرکز.

3- ماه نامه صبح

آیند. گفتنی است که ساخت فیلم هایی که به این موضوعات می پردازند و دست مایه ی آن ها مشکلاتی از قبیل وقوع جنایات، قتل و سرقت و اعتیاد و ... می باشد، بسیار ظریف و حسّاس است؛ زیرا از طرفی موضوع اصلی فیلم، ارائه ی این نوع مشکلات و واقعیّات جامعه است که گریزی از آن نیست و از طرف دیگر، وجود بار منفی در نوع این اعمال است و چه بسا با نمایش و پردازش آن ها، سبب ترویج اعمال خلاف و وقوع جرم دیگری شود.

بنابراین در تهیّه ی این فیلم ها، دو نکته باید رعایت شود: 1. تأثیراتی که فیلم از لحاظ محتوا بر بیننده می گذارد؛ 2. در نشان دادن صحنه ها و تصاویر افراد. بنابراین در نگارش فیلم نامه و چگونگی ساخت و تصویربرداری آن، باید دقت کرد تا بیان معضلات و واقعیّات تلخ، آثار مخرّبی بر جای نگذارد؛ زیرا هنر را به خدمت می گیریم و از ابزاری همانند سینما و تلویزیون استفاده می کنیم تا با زبان تصویر با مردم سخن گفته، جامعه ی بهتری بسازیم. و اگر به خدمت گرفتن این ابزار، سبب نابودی فرهنگ سالم اجتماع گردد از هدف اصلی بازمانده ایم. و فیلمی که درباره ی قتل و سرقت و اعتیاد هم ساخته می شود، از این قانون کلیّی خارج نیست و اگر در ارائه ی آن ها به جای تبیین مسائل منفی و آگاه نمودن مردم، سبب بد آموزی و ترویج اعمال خلاف شود، قابل قبول نیست و اشکال دارد. درباره ی فیلم های عاشقانه و صحنه هایی که روابط دختر و پسر را نشان می دهد، جدای از مطالب فوق، باید بگوییم: در فرهنگ اسلامی هر

چیزی که موجب تهییج و تحریک شهوانی شود و خارج از چارچوب قانون و شرع باشد، حرام است. انواع التذاذهای جنسی، چه لمسی و چه بصری و ... تنها در محدوده‌ی ازدواج قانونی صحیح است.<sup>(1)</sup> و در غیر این صورت، در حرمت تحریک و تهییج جنسی شکی نیست.<sup>(2)</sup>

### سخن آخر: چگونگی ارتباط «اصل حریم»

خواه در چگونگی بیرون آمدن زن باشد، یا در پوشش و لباس و یا در انتشار تصویرها و صحنه‌های حرام؛ همان گونه که در مجلات و روزنامه‌های مبتذل یا در رمان‌های مهیج جنسی و یا فیلم‌های عاشقانه متداول است. با توجه به قانون کلی حرمت تهییج شهوانی، روشن می‌شود که به بهانه‌ی نشان دادن واقعیات، نمی‌توان صحنه‌های مهیج را نشان داد و روح جوانان را متلاطم نمود و احساس آن‌ها را تحریک کرد. از این جافرق ادبیات عاشقانه و عارفانه با فیلم‌های عاشقانه روشن می‌شود و تأثیر فیلم با شعر و ادبیات، قابل قیاس نیست و جدای از آن اگر شعر و ادبیات و رمان نیز به گونه‌ای مبتذل درآید، از مصادیق کتب ضالّه بوده، مطالعه و انتشار آن حرام می‌باشد. در پایان شایان ذکر است که سازندگان فیلم‌هایی که دست‌مایه‌ی آن‌ها، عشق و ارتباط است، با نشان دادن صحنه‌های کذایی و چهره‌های کلوزآپ دختران و زنان آرایش کرده، چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا هدف، مطرح ساختن وجود یک معضل اجتماعی به نام فساد است؟ اگر چنین است کدامشان راه حلی مؤثر ارائه داده‌اند؟ آیا جز عنایت به گیشه هدف دیگری مطرح است؟ پس این گونه فیلم‌ها رسالت اجتماعی خود را از دست داده‌اند.

ص: 143

1- مرتضی مطهری، مسئله‌ی، ص 83.

2- ر.ک: بازی‌گری زن در سینما و تئاتر، فصل‌نامه‌ی فقه‌اهل‌بیت، شم 23/1379، ص 93.

نکته ی دیگر آن که روی آوردن فیلم سازان به «فیلم فارسی» و به تصویر کشیدن صحنه های عشق جنسی، فریاد بسیاری از فیلم سازان را نیز در آورده است و آن را خطری برای آینده ی حرفه ای سینما تلقی نموده، نوعی سطحی نگری و قشری شدن سینما به حساب می آورند. (1)

سخن آخر: چگونگی ارتباط «اصل حریم» گفتیم که غریزه ی جنسی همانند سایر غرایز، نیازهای طبیعی خویش را طلب می کند و انسان ناچار از پاسخ گویی و تسلیم در برابر آن است؛ اما آن چه انسان را از حیوان ممتاز می سازد، حکومت عقل بر اعمال انسانی و تنظیم غرایز و به خدمت گرفتن آن هاست و سعادت و خوش بختی و نیل به آرامش واقعی در گرو پاسخ گویی متوازن و متعادل به همه ی غرایز است تا انسان به رشد و کرامت انسانی دست یابد. بنابراین در انتخاب راه آن باید منزلت و شأن انسانیّت و رشد و تعالی او در نظر گرفته شود و خواست طبیعی و نیاز غریزی، با خواسته های عقلانی و فطری هماهنگ و همسو گردد. از آن جا که انسان در ایام جوانی از حساسیت ویژه ای برخوردار است و نقش غرایز، به ویژه غریزه ی جنسی، در این دوران پررنگ تر جلوه می کند، بنابراین مراقبت های ویژه ای می طلبد. و جوان برای پاسداری از عفاف و طهارت و دوری از گناه، باید با احتیاط بیش تری رفتار نماید؛ چرا که سهل انگاری در مسائل جنسی و برخوردهای مختلط، زمینه ساز انحراف و کجروی دل و دیده ی انسان است.

حال به حدود و روابط زن و مرد و چگونگی آن می پردازیم:

ص: 144

---

1- مهدی فخیم زاده در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری، 14/10/79، ص 10.

چگونگی برخورد و رفتار در روابط اجتماعی زن و مرد با مروری بر داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن، به خوبی باکیفیت رفتار آشنا می شویم.

## 1. چگونگی روابط اجتماعی زن و مرد

ایشان در عین برخورداری از مقام والای معنوی، در مقابل وسوسه های شیطانی به خدا پناه برده، از او مدد می جوید و می گوید:

پروردگارا، زندان برایم محبوب تر است از آن چه (هوس بازان) مرا به آن فرا می خوانند و اگر حیله ی ایشان را به لطف و عنایت خود از من دفع نکنی، به آن مایل شده، از جاهلین و بی خردان خواهم بود. (1) در آیات قبل از این نیز می خوانیم: «...آن زن که یوسف در خانه ی او بود، از او تمثای کام جویی کرد و درها را بست و گفت: «بیا [به سوی آن چه برای تو مهیا است].» یوسف گفت: «پناه می برم به خدا! او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است. مقام مرا گرامی می داشت (به او خیانت نمی کنم) مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند.» آن زن قصد او کرد؛ و یوسف نیز - اگر برهان پروردگار را نمی دید - قصد وی می نمود، این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم.» (2) در این آیه، به خوبی روشن است که آنچه حضرت یوسف را نجات داد، ایمان و اعتقاد او بود؛ و گرنه به طور طبیعی او نیز قصد زلیخا کرده، نمی توانست خویشتن داری کند. در نتیجه، برخورد با نامحرم، به ویژه در فضایی که شرایط گناه فراهم است، بسیار خطرناک است و جوانان باید از آن محیط دوری گزینند. نکته ی دیگر، پرهیز از تحریک و جلوه گری است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ص: 145

---

1- سوره ی یوسف، آیه ی 34.

2- سوره ی یوسف، آیه ی 23 و 24.

(زنان) هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود [و صدای خلخال که به پا دارند به گوش رسد. (1)] این آیه مبارکه، زنان را از حساس نمودن مردان و جلب نظر آن‌ها به زینت‌های پنهان نهی می‌کند تا سبب تحریک غریزه‌ی آن‌ها نشود. و هم‌چنین در داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب می‌خوانیم: زمانی که حضرت موسی علیه السلام با دیدن دختران شعیب - که به سبب حیا و عفاف (2)، از ازدحام جمعیتِ چوپانان فاصله گرفتند - بعد از پرسش و صحبت با ایشان، به کمکشان شتافت و گوسفندانشان را سیراب نمود. بعد از مدتی یکی از دختران، در حالی که با نهایت حیا گام بر می‌داشت، به دنبال موسی آمد و به دعوت پدر، او را فرا خواند. (3) به هنگام رفتن، حضرت موسی به او گفت: من جلو می‌روم و تو پشت سر من راه بیا، من از قومی هستم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم (4). بعد از رسیدن به نزد شعیب علیه السلام، دختر، از موسی به قدرت و امانت یاد نمود، که «امانت» به عفاف و حیای حضرت موسی در سخن گفتن و رفتار با آنان و به شیوه‌ی آمدن او تفسیر شده است. (5) زمانی که جوانان پاك ما، بر رفتارِ اولیای الهی آگاه شوند که در موارد لازم، با کمال حیا و عفاف و تقوا برخورد می‌نمودند و از هم‌دوشی و اختلاط پرهیز داشتند، به خوبی راه خود را می‌یابند و اگر با نوشته‌های خوش آب و رنگ، به شك و شبهه و ابهام گرفتار نشوند، به درستی به تعالیم دینی تمسک جسته و «اصل حریم» را مطابق با عفاف و سلامت و

ص: 146

- 1- سوره ی نور، آیه ی 31.
- 2- تفسیر المیزان، ج 16، ص 25.
- 3- سوره ی قصص، آیه ی 23 - 25.
- 4- المیزان، ج 16، ص 29.
- 5- همان، ص 26 - 29.



## 2. کیفیت سخن گفتن در روابط اجتماعی

به راستی اگر در زمان های گذشته که هنوز جوانان همانند امروز، گرفتار جلوه گری ها و جذابیّت های جنسی نبودند، این گونه حریم ها را پاس می داشتند، جوان امروزی باید چگونه رفتار کند؟ آیا غیر از این است که حداقل باید به اندازه ی آنان اصل حریم را پاس داشت؟ کیفیت سخن گفتن در روابط اجتماعی در حدیثی آمده است: حضرت علی علیه السلام کراهت داشت تا به زنان جوان، آغاز به سلام کند و درباره ی حکمت آن فرمود: ترس از آن دارم که تحت تأثیر صدای او واقع شوم و ضرر آن، از ثوابی که از سلام می برم، بیش تر باشد. (1)

دختران و پسران جوان باید توجه داشته باشند که در مهمانی ها و محیط جامعه و دانشگاه، از حریم چشم و دل خود محافظت نموده، به بهانه ی فامیل و هم کلاسی بودن و سؤالات درسی، به گفت و گوهای احساسی و شوخی ها و مزه پرانی ها و ... نپردازند. در این باره در حدیث دیگری می خوانیم: ابوبصیر می گوید: به زنی درس روخوانی قرآن می دادم؛ کمی با او شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم، به من فرمود: چه چیزی به زن گفتی؟ رنگم پرید و خجالت کشیدم. بعد فرمود: دیگر به طرف آن زن نرو و به او درس مده. (2) هم چنین در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

ص: 147

1- میزان الحکمة، ج 4، ص 540.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 144 حدیث 5، ب - 106، مقدمات نکاح.

اگر کسی با زن نامحرم شوخی کند، خداوند در روز قیامت در ازای هر کلمه که با او سخن گفته، هزار سال حبسش می کند. (1) زن باید در جامعه و بیرون منزل، با وقار و عفاف و متانت ظاهر شود و در عین رسیدگی به کار و تحصیل خود، به گونه ای رفتار نماید که از نگاه های آلوده دور بوده، سبب تحریک و جلب توجه شهوانی دیگران نشود.

خداوند در قرآن کریم، در خطابی به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: ای همسران پیامبر، شما همچون زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند؛ و سخن شایسته بگوئید. (2) به حکم این گونه آیات و احادیث، برای سلامت فرد و جامعه، سخن گفتن با ناز و کرشمه، و رفتار و اعمال تحریک کننده و شوخی ها و خوش طبعی ها و بگو و بخندهای افراد نامحرم باهم جایز نیست. جوانان باید حدود روابط در اجتماع و چگونگی آن را در پوشش، نگاه، سخن و رفتار رعایت نمایند تا ضامن سلامت و طهارت جسم و جانشان باشد. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، بیان شیوا و جامعی در این زمینه دارد و روش برخورد اجتماعی دختران و زنان را روشن می کند و می فرماید: زنان و دختران مؤمن باید سه صفت را که برای مردان بد است داشته باشند: 1. تکبر، 2. ترس، 3. بخل. تکبر؛ یعنی در مقابل نامحرم با قاطعیت و وقار صحبت کنند و از حرف زدن با عشوه و تبسم که دیگران را تحریک می کند، پرهیزند.

ص: 148

---

1- همان، ص 143 حدیث 4، ب - 106.

2- سوره ی احزاب، آیه ی 32.

وترس به این معنی که: بترسند از تنها بودن و تنها ماندن با شخص نامحرم. زنان باید از زمینه‌هایی که عفت و آبروی آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد و باعث بدنامی خانواده یا شوهرشان می‌گردد، دوری نمایند. و بخل؛ یعنی در حفاظت مال خود و شوهر، کمال دقت و وسواس را به خرج دهند و امانت دار اموال همسر و خانه و پیام‌آور قناعت و صرفه‌جویی باشند<sup>(1)</sup>. در نتیجه، عادی‌سازی روابط و رواج بی‌حد و مرز آن با روح تعالیم دینی و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام سازگار نیست و همیشه باید «اصل حریم» رعایت شود و برای تضمین سلامت و پاک‌ی هر چه بیش‌تر جوانان، باید با هدایت و جهت‌دادن‌غریزه، آنان را یاری نمود که یکی از عوامل مؤثر، گسترش میدان‌های فعالیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ورزشی است. با ایجاد میدان‌های سالم، پاک و مطابق با موازین اخلاقی، در کنار زمینه‌سازی مناسب برای ارضای صحیح‌غریزه‌ی جنسی، همچون پایین آوردن سن ازدواج و ... می‌توان گام مؤثری در حلّ این مشکل برداشت و به سوی رشد و تعالی پیش رفت؛ البته باید از مظاهر فساد و بی‌بندوباری و مسائلی که به گونه‌ای سبب تحریک جنسی و انحراف جوانان می‌شود جلوگیری نمود. توجه همه‌ی صاحب‌نظران و کارشناسان را به نقش مؤثر معنویات و فضایل اخلاقی در حل این مشکل جلب می‌کنیم.

ص: 149

---

1- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت 226 و نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، حکمت 234. با توضیح آیت الله مظاهری، ر.ک اخلاق و جوان، ج 2، ص 175.

آشنایان ره عشق در این بحر عمیق

غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

بیاییم به جوانان درس عفاف و خویشتن داری دهیم و سلامت و سربلندی آنان و جامعه را تضمین کنیم تا عطرِ پاکی و طهارت و اعتماد فراگیر شود.

ص: 150

گفتار پنجم

احکام روابط

ص: 151



5 احکام روابط زین و مرد یکی از مسائلی است که شناخت صحیح احکام و آداب اسلامی در این زمینه و عمل به آن ها ضامن سلامت فرد و جامعه است. در این بخش برای تعیین وظیفه ی هر يك از خوانندگان گرامی، سعی شده است، پرسش هایی پیرامون روابط و مسائل جانبی آن که از اهمیت ویژه ای برخوردار است انتخاب شود و نظرات مراجع عالی قدر در ذیل آن درج گردد. احکام مطرح شده در این بخش عبارتند از: 1. احکام صحبت کردن؛ 2. احکام نگاه ها؛ 3. احکام تماس ها؛ 4. احکام ازدواج.

ص: 153

## احکام صحبت کردن صحبت کردن مرد با زن نامحرم چه حکمی دارد؟

مردها می توانند با نامحرم با شرایط ذیل صحبت کنند: (1) به قصد لذت و ریبه نباشد؛ 2. با این صحبت کردن، به گناه آلوده نشوند.

آیات عظام: فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی 39. امام: تحریر الوسیله، نکاح، مسئله ی 29. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 1936. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده مسئله ی 29. فاضل: جامع المسائل، ج 1، سؤال 1718. خامنه ای: با استفاده از استفتانات، ج 1، س 1095، ص 342، استفتانات ج 2، ص 85، مسئله ی 240. صحبت کردن مرد با نامحرم بدون لذت و احتمال گناه چگونه است؟ صحبت کردن با نامحرم در غیر مورد ضرورت، مکروه است، خصوصا اگر مخاطب، جوان باشد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه؛ نکاح، مسئله ی 39. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی 29 و استفتا. گلپایگانی: مجمع المسائل، ج 2، با استفاده از سؤال 645.

ص: 154

---

1- مسائل این بخش از کتاب احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، نقل گردیده که به تأیید دفاتر استفتانات مراجع نام برده رسیده است. نظرات مقام معظم رهبری به آن اضافه گردید. (سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آن،)



اگر انسان با رعایت موازین اسلامی، باز هم در شرایطی به واسطه ی صحبت کردن با نامحرم، مثل دانشجوی هم کلاسی، در خودش احساس تغییر و لذت کند اشکال دارد؟

اگر مردی بداند چنانچه با نامحرمی صحبت کند به گناه خواهد افتاد، نباید با او صحبت کند؛ خواه زن به گونه ای صحبت کند که مرد را به گناه بیندازد یا درباره ی مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. آیات عظام: امام، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم، با استفاده از مدارك مسئله ی قبل. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله 1936. خامنه ای: با استفاده از استفتائات ج 1، ص 342، مسئله ی 1095، و استفتائات ج 2، مسئله 240. آیا سخن گفتن و شوخی نمودن با زن نامحرم حرام است؟ صحبت کردن با هر کسی درباره ی هر چیزی از روی شهوت و لذت جایز نیست (مگر با همسر). آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه نکاح، با استفاده از مسئله ی 39. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی 29. اراکی: استفتاء. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی 29. سخن گفتن زن ها با مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ خانم ها می توانند با نامحرم صحبت کنند؛ مشروط بر آن که: 1. به قصد لذت و ریبه نباشد؛ 2. صدای خود را ترقیق و تلطیف

ص: 155

نکنند؛ 3. خوف افتنان(1) نباشد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی، مکارم، عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی 39. امام: تحریر نکاح مسئله ی 29. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی 29. خامنه ای: با استفاده از استفتانات، ج 1، ص 342، مسئله ی 1095. آیا هم صحبت شدن زن ها با مرد نامحرم بدون قصد لذت اشکال دارد؟ صحبت کردن خانم ها با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است. آیات عظام: امام، فاضل گلپایگانی و مکارم، مدارك قبل. برخی از خانم ها در صحبت با دیگران بسیار با نرمی صحبت می کنند؟ لطفاً حکم آن را بیان کنید؟ خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم، صدای خود را رقیق و نازک کنند؛ به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد، او را به خود جلب کند. اگر چه درباره ی مطالبی عادی صحبت کنند. آیات عظام: امام، اراکی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم، مدارك مسئله ی قبل. نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل عشقی یا شهوانی در نامه چه حکمی دارد؟ آیات عظام: اراکی: از هر کاری که موجب مفسده است اجتناب شود. گلپایگانی: جایز نیست.

ص: 156

## احکام نگاه به نامحرم نگاه مرد به زن مسلمان با چه شرایطی جایز است؟

اگر خانم مسلمان کاملاً حجاب خود را رعایت کرده باشد نگاه کردن به وجه و کفین او برای مرد با شرایط ذیل اشکال ندارد: 1. وجه و کفین زینت نشده باشد؛ 2. نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد. آیات عظام: امام: عروه، نکاح، مسئله ی 31؛ تحریر، نکاح، مسئله ی 18؛ استفتاء و توضیح المسائل، مسئله ی 2433. اراکی: توضیح المسائل، مسئله ی 2447 و استفتاء. بهجت: استفتاء. آیه الله تبریزی: زینت در وجه و کفین، اگر از قبیل انگشتر متعارف و اصلاح صورت (بند انداختن) و سرمه ای باشد که حتی در زن های پیر متعارف است، پوشاندن آن بر زن واجب نیست و نگاه کردن مرد به آن هم اگر التذاذی نباشد. مانع ندارد. استفتاء. آیه الله سیستانی: به طور کلی اگر نامحرم مسلمان است و حجاب خود را رعایت کرده است یا رعایت نکرده و در صورتی که او را امر به حجاب کنیم رعایت می کند، نگاه کردن به وجه و کفین او بدون لذت و ریبه اشکالی ندارد. اگر چه بنا بر احتیاط مستحب بهتر است از نگاه کردن به وجه و کفین پرهیز کرد. منهاج الصالحین، نکاح، مسائل 14 و 26؛ توضیح المسائل، مسائل 2442 و 2443.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب، جایز نیست حتی به وجه و کفین نامحرم نگاه کرد؛ چه زینت داشته باشد چه نداشته باشد. در نتیجه مردان نمی توانند به صورت و دست زنانی که به طور کامل

حجاب خود را رعایت نکرده اند، نگاه کنند؛ مانند آن که زنی مقداری از مویش پیدا باشد و یا این که لباس آستین کوتاه پوشیده باشد و یا بازو یا مچ دست او پوشیده نباشد. نگاه مرد به دست و صورت زن نامحرم، حرام است؟ نگاه کردن به نامحرم به قصد لذت و شهوترانی حرام است؛ اگر چه وجه و کفین و یا به حجم بدن او باشد. آیات عظام: امام، اراکی، فاضل، گلپایگانی، و مکارم: عروه، نکاح، مسئله ی 31. بهجت: توضیح المسائل، مسئله ی 1931. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی 2442. سیستانی: توضیح المسائل، با استفاده از مسائل 2442 و 2443؛ و منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی 14. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی 2501. بعضی مردان مؤمن در دبیرستان ها و یا غیر آن به زنان مسلمان درس می دهند، طبیعتاً مرد مجبور است مطالب درس را بر روی تخته سیاه بنویسد و خانم ها نیز همان گونه که معمول است به دست و صورت استاد خود نگاه می کنند، البته بدون قصد لذت و ریبه. آیا این نگاه کردن جایز است؟ نگاه کردن خانم ها به وجه و کفین و مواضعی که مردان به طور متعارف نمی پوشانند، بدون لذت و ریبه اشکالی ندارد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی 51. امام: تحریر، نکاح با استفاده از مسئله ی 19؛ توضیح المسائل،

مسئله ی 2433 و استفتاء. اراکی: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 2447 و استفتاء. آیه الله بهجت: نگاه کردن زن به بدن نامحرم، بنابر احتیاط واجب حرام است، اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست؛ مگر این که این نگاه کردن، کمک به معصیت باشد. توضیح المسائل، مسئله ی 1933. آیا زن می تواند به بدن مردی که کاملاً پوشیده نیست، مثل آن که با لباس آستین کوتاه و یا ورزشی است، نگاه کند؟ نگاه کردن زن ها به بدن مرد نامحرم به استثنای وجه و کفین و مقداری که بطور معتاد مردان نمی پوشانند، حرام است. آیات عظام: امام: عروه، نکاح با استفاده از مسئله ی 31؛ تحریر، نکاح مسئله ی 19؛ و توضیح المسائل، مسئله ی 2433؛ و استفتاء. اراکی: توضیح المسائل، مسئله ی 2447 و استفتاء. تبریزی: استفتاء. سیستانی: توضیح المسائل، مسئله ی 2442. گلپایگانی: توضیح المسائل، مسئله ی 2442؛ مجمع المسائل، ج 2، سؤال 644؛ و استفتاء. مکارم: توضیح المسائل، مسئله 2080. بهجت: توضیح المسائل، مسئله ی 1933. فاضل: نگاه کردن زن به مرد نامحرم به استثنای وجه و کفین حرام است. عروه، نکاح، مسئله ی 31؛ و توضیح المسائل مسئله ی 2501.

در نتیجه: دیدن موی سر و صورت، دست‌ها تا میچ و پاها تا قوزک و گردن مردان نامحرم برای زن‌ها اشکالی ندارد، مشروط به آن‌که به قصد لذت و ریبه نباشد. هم‌چنین خانم‌ها نمی‌توانند برای تماشای مسابقات ورزشی که آقایان در آن‌ها پوشش کافی ندارند، مانند شنا، کشتی، وزنه‌برداری، فوتبال و... به اماکن ورزشی بروند. نگاه زن به دست و صورت مرد نامحرم چگونه است؟ نگاه کردن به بدن نامحرم حتی به وجه و کفین او به قصد لذت و یا با ترس به مفسده افتادن حرام است. آیات عظام: امام، اراکی، فاضل و مکارم: عروه، ستر و ساتر، قبل از مسئله ی 1. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 1932. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی 2442. سیستانی: توضیح المسائل، مسئله ی 2442. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی 2501. اراکی و گلپایگانی: استفتاء. توجه: بین عدم جواز نگاه به بدن مرد نامحرم با وجوب پوشش مرد هیچ ملازمه‌ای نیست؛ یعنی اگر چه بر مرد واجب نیست خود را بپوشاند، اما بر خانم‌ها واجب است نگاه نکنند.

## نگاه به عکس و فیلم آیا نگاه کردن به عکس کسانی که برای انسان جالب است اشکال دارد؟

نگاه کردن به هر عکسی به قصد لذت حرام است؛ خواه عکس مرد باشد یا زن، محرم باشد یا نامحرم، عکس انسان باشد یا غیر آن (از این حکم عکس همسر استثنا است). آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: استفتاء. اراکی: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 2453. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی 27. آیا خرید و فروش عکس های مبتذل حرام است؟ اگر کسی تعدادی را داشته باشد چه کار کند؟ خرید و فروش و نگهداری عکس های مبتذل حرام است و باید آن ها را از بین برد. آیات عظام: امام، اراکی و گلپایگانی: استفتاء. نگاه به تصویر زن ها و مردها که از تلویزیون و سینما پخش می شود چگونه است؟ فیلمی که به طور مستقیم پخش می شود، حکم انسان زنده را دارد و اگر به طور غیر مستقیم پخش می شود حکم عکس را دارد. امام: استفتاء در کتاب احکام بانوان، محمد وحیدی، سؤال 42، ص 32. آیات عظام: اراکی فاضل و گلپایگانی: فیلم اعم از مستقیم یا غیر مستقیم حکم عکس را دارد. استفتاء.

ص: 161

بنابراین، بنابر فتوای آقای اراکی دیدن فیلم زنان نامحرم برای مردان اشکالی ندارد، اگر چه آن‌ها را بشناسد؛ مشروط به آن که به قصد لذت و ریه نباشد و انسان نترسد که به گناه بیفتد (با همان تفصیلی که گذشت). و بنابر فتوای آقای گلپایگانی دیدن فیلم زنان نامحرم برای مردان در صورتی که آن‌ها را نمی‌شناسند، بنابر احتیاط مستحب و اگر می‌شناسد بنابر احتیاط واجب جایز نیست. به همان تفصیلی که گذشت. آیه الله بهجت: دیدن نامحرم از طریق تلویزیون و شنیدن صدای آن‌ها، اگر مقرون به فساد و ریه باشد اشکال دارد. توضیح المسائل، مسائل متفرقه، مسئله ی 2. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب در پخش مستقیم به زنان بی حجاب نگاه نشود. استفتائات ج 2، مسئله 102. در نتیجه: اگر فیلمی به طور مستقیم پخش شود، نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه کردن به انسان زنده را دارد؛ بنابراین مردان نمی‌توانند به غیر از وجه و کفین زنان نامحرم - آن‌هم با شرایطی که ذکر شد - نگاه کنند و هم چنین خانم‌ها نمی‌توانند به بدن مردان که در فیلم‌های ورزشی یا غیر آن که به طور مستقیم پخش می‌شود، نگاه کنند.



آیا نگاه کردن به عکسهای زنان برهنه و یا فیلمهای جنسی بدون شهوت جایز است؟ آیه الله گلپایگانی: جایز نیست؛ زیرا نگاه کردن این عکس ها و فیلم ها غالبا دارای آثار فتنه و فساد اخلاق است. ارشاد السائل، سؤال 462. آیه الله خامنه ای: از آن جا که نگاه به تصویرهای مبتذلی که محرك شهوت است، غالبا از نگاه شهوانی جدا نیست؛ لذا به عنوان مقدمه ی ارتکاب گناه، و حرام می باشد. استفتائات، ج 2، مسئله ی 107. آیا نگاه کردن به فیلم های مستهجن و ماهواره ای برای مردان و زنان، بدون لذت و ریبه، جایز است؟ آیه الله تبریزی: نگاه کردن به این گونه فیلم ها جایز نیست. صراط النجاة، سؤال 901. آیه الله فاضل: استفاده کردن از فیلمهای فوق که به منظور انحراف، تدارك دیده شده، جایز نیست. جامع المسائل، ج 1، سؤال 1729. استفاده از ماهواره و برنامه هایی که توسط دولت های غربی و سایر کشورها تهیه می شود، برای اطلاع از برنامه های علمی و قرآنی چگونه است؟ آیت الله خامنه ای: استفاده ی مذکور گرچه فی نفسه منعی ندارد، مگر آن که برنامه هایی که به واسطه ی ماهواره پخش می شود - که محصول

کشورهای غربی و یا اکثر کشورهای مجاور است - غالباً مشتمل بر تعلیم افکار ضالّه و وارونه جلوه دادن حقایق است؛ علاوه بر آن که مشتمل بر برنامه های لهو و فساد می باشد؛ حتی مشاهده ی برنامه های علمی و یا قرآنی آن هم چه بسا سبب وقوع در فساد و ابتلا به حرام می شود؛ لذا شرعاً استفاده از گیرنده ها برای مشاهده ی این نوع برنامه ها حرام است؛ مگر آن که برنامه های علمی محض و یا تماماً قرآنی و مانند آن باشد و دیدن آن ها مستلزم فساد و یا ابتلا به هیچ عمل حرام دیگری نباشد. استفتائات، ج 2، مسئله ی 135، ص 48.

### **احکام تماس ها تماس بدنی زن و مرد نامحرم چه حکمی دارد؟**

هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه لمس کردن بدن با هر عضوی باشد، حرام است و باید از آن اجتناب کرد، مگر از روی لباس؛ بدون قصد لذت و ریبه. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه، نکاح، مسئله ی 47. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی 20. اراکی: استفتاء. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 1934. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسئله ی 16. خامنه ای: با استفاده از استفتائات، ج 1، ص 89، مسئله ی 252، و مسئله ی 221.

ص: 164

آیا دست دادن با نامحرم جایز است؟ در صورتی که بدون قصد لذت و ریبه باشد؟ جایز نیست مگر از روی لباس؛ و در این صورت، بنا بر احتیاط، نباید دست او را بفشارد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه نکاح، با استفاده از مسئله ی 47. اراکی: استفتاء. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی 1934. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسئله ی 16. ما در محیط دانشگاه کشورهای غربی، هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر، ناگزیر از مصافحه (دست دادن) هستیم؛ و گرنه حمل بر سوء ادب دانشجویان مسلمان می شود، تکلیف چیست؟ لازم است به آن ها تفهیم کنید که عدم مصافحه با زن نامحرم، ناشی از سوء ادب نیست؛ بلکه معلول عقیده ی اسلامی و تعهد به احکام آن است.

آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: با استفاده از مدارك مسئله ی قبل. راه رفتن با نامحرم چه حکمی دارد؟ اگر به قصد لذت و ریبه باشد جایز نیست. آیات عظام: امام، اراکی، گلپایگانی، استفتاء.

ص: 165

در برخی از محافل زن ها و مردها يك جا نشسته و به صحبت می پردازند و موازین شرعی نیز رعایت می شود آیا اشکال دارد؟ اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است، مگر آن که پیرمرد یا پیرزن باشند.

آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، مسئله ی 49. توجه: این مکروه بودن در صورتی است که حضور به صورت مختلط، منجر به حرام نشود، در غیر این صورت اختلاط حرام است. به طور مثال، اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماس های حرام بین زن و مرد واقع شود، اختلاط حرام خواهد بود. اگر زن و مرد نامحرم تنها در مکان خلوتی مشغول صحبت باشند حرام است؟ اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی آن جا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن جا بیرون بروند مانند آنها در آن مکان حرام است. آیات عظام: امام، توضیح المسائل، مسئله ی 2445. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی 2454. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی 25111. خامنه ای: استفتانات با استفاده از ج 1، س 1095، ص 342.

ص: 166

آيا نشستن در کنار نامحرم در تاكسي و يا وسايل نقليه ي ديگر جايز است؟ (در صورتي كه تماس بين اين دو از روي لباس باشد). اگر به قصد لذت و ريبه نباشد و بر آن مفسده اي مترتب نباشد، مجرد نشستن به نحو مذكور اشكال ندارد. آيات عظام: امام، فاضل، گلپايگاني و مكارم، عروه، نكاح، با استفاده از مسئله ي 47. تبريزي، سيستاني و گلپايگاني: استفتاء. اگر تماس با كسي يا چيزي براي انسان لذت بخش باشد اشكال دارد؟ هرگونه تماسي با هر يك از اعضاي بدن با هر چيز و هر كسي به قصد لذت و ريبه حرام است (به استثنای همسر).

ص: 167

---

1- اراكي و گلپايگاني: بودن مرد و زن نامحرم در محل خلوتي كه كسي در آن جا نيست و ديگري هم نمي تواند وارد شود حرام است؛ چه به ذكر خدا مشغول باشند يا به صحبت، خواب باشند يا بيدار نمازشان هم در آن جا صحيح نيست؛ ولي اگر طوري باشد كه شخص ديگري بتواند وارد شود يا بچه اي كه خوب و بد را مي فهمد در آن جا باشد اشكال ندارد. اراكي: توضيح المسائل، مسئله ي 2459. گلپايگاني: توضيح المسائل، مسئله ي 2454. سيستاني: مانند مرد و زن نامحرم در محل خلوتي كه كسي در آن جا نيست، در صورتي كه احتمال فساد برود حرام است؛ هر چند طوري باشد كه كسي ديگر بتواند وارد شود. ولي اگر احتمال فساد نرود، اشكال ندارد. توضيح المسائل، مسئله ي 2454. مكارم: احتياط واجب آن است كه مرد و زن نامحرم در محل خلوتي كه كسي در آنجا نيست و ديگري هم نمي تواند وارد شود؛ حتي اگر در آن جا نماز بخوانند، نماز آن ها اشكال دارد. توضيح المسائل، مسئله ي 2095.

آیات عظام: امام، اراکی و گلپایگانی: استفتاء. فاضل: استفتاء. آیه الله تبریزی: اگر چیزی را از روی شهوت لمس کند ولی انزال صورت نگیرد، حرمتی ندارد و اگر انزال صورت بگیرد استمنا حساب می شود و استمنا نیز حرام است. و اگر انسانی را با شهوت لمس کند، چه مرد چه زن، چه بالغ چه غیر بالغ، حرام است و لو انزال صورت نگیرد. البته به استثنای همسر. برخی از افراد به قصد جلب توجه دیگران به خودنمایی می پردازند، آیا این کارشان حرام است؟ خودنمایی کردن به منظور به گناه انداختن دیگری حرام است. چه در پوشیدن لباس باشد و چه در حرف زدن و نگاه کردن و یا اعمال و رفتار دیگر.

آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، فاضل و گلپایگانی: استفتاء. احکام ازدواج و نامزدی آیا ازدواج از نظر اسلام امری لازم است؟ کسی که به واسطه ی نداشتن زن به حرام می افتد، واجب است زن بگیرد.

آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه نکاح، مسئله ی 4. امام: توضیح المسائل، مسئله ی 2443. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی 2452. سیستانی: توضیح المسائل، مسئله ی 2452.

فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی 2509. مکارم: توضیح المسائل، مسئله ی 2023. بعضی از پدران می گویند: تا تحصیلات دختر تمام نشود، نباید ازدواج نماید، آیا تأخیر در ازدواج کار خوبی است؟ مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است؛ یعنی مکلف شده، عجله نکنند. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، مسئله ی 14. امام: توضیح المسائل، مسئله ی 2459. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی 2468. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی 2525. گاهی دختر و پسر قبل از ازدواج، مدتی را برای آشنایی، به صورت نامزدی می گذارند؛ آیا این نامزدی اشکال دارد؟ اگر مراد از نامزدی این باشد که زن و مردی قصد داشته باشند با یک دیگر ازدواج بکنند ولی هیچ گونه صیغه ی مَحْرَمِیّی بین آنان منعقد نشده باشد، زن و مرد به یک دیگر نامحرم هستند و هیچ گونه فرقی با دیگر نامحرم ها ندارند. آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: استفتاء. در نتیجه نگاه کردن به قصد لذت به یک دیگر، دست دادن و یا هرگونه تماس بدنی، خلوت کردن در محیط در بسته (با همان شرایطی که در صفحات قبل گفته شد)، عدم رعایت حجاب و پوشش کافی در مقابل یک دیگر، مراوده کردن و اختلاط به گونه ای که معمولاً زن و شوهرها با

يك ديگر دارند و خلاصه هرگونه روابطی كه بين دو نامحرم حرام باشد از مواردی است كه هر يك از دختر يا پسر بايد از آن پرهيز كنند. آيا دختر و پسر می توانند برای محرمیت صيغه بخوانند؟ خواندن صيغه ی موقت بين زوجين با اجازه ی ولی دختر اشكال ندارد.

آيات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، فاضل، گلپایگانی و مكارم: استفتاء. سيستانى: توضيح المسائل، مسئله ی 2385؛ و منهاج الصالحين، نکاح، با استفاده از مسائل 67 و 68. برای جلوگیری از شهوت چه بايد کرد و در اين صورت آیا استمناء جایز است يا نه؟ آية الله گلپایگانی: روزه گرفتن و در صرف غذا افراط نکردن و ترك خوردن بعضی غذاهای مقوی، غریزه جنسی را تضعیف می کند و از شدت آن می كاهد؛ ولی استمناء، به هر نحو كه باشد، حرام است و بهترین راه برای این كه غریزه ی جنسی سبب آلودگی به حرام نشود، ازدواج دایم یا موقت است كه ثواب بسیار هم دارد. مجمع المسائل، مسائل متفرقه، سؤال 89. بنا بر فتوای همه ی مراجع عظام، استمناء یا هر عمل شهوانی ديگر حرام است (مگر با همسر شرعی).

ص: 170



1. قرآن کریم

2. نهج البلاغه

3. آل احمد، جلال، غرزدگی، نشر رواق، چاپ دوم، 1356.

4. احمدی، سید احمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: نشر مشعل، چاپ چهارم، 1373.

5. احمدی، علی اصغر، تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ پنجم 1378.

6. استادان طرح جامعه و آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ هشتم، 1379.

7. احمدی، علی اصغر، کندوکاو (پاسخ به پرسش های نوجوانان)، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ پنجم، 1378.

8. امین زاده، محمد، اسلام و ارضای غریزه ی جنسی، قم: موسسه در راه حق، چاپ اول، 1377.

9. امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهل و سوم، 1377.

10. اینگلهارت، رونالد، تحوّل فرهنگی در جامعه ی پیش رفته ی صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر، 1373.

11. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، 1374.

12. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه ی جلال و جمال، قم: نشر اسراء، چاپ اول، 1375.

36. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ هفتم، 1376.

13. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه 20 جلدی، انتشارات اسلامیه.

14. طوسی، خواجه نصیر الدین، شرح اشارات، ج 3، قم: نشر البلاغه، چاپ اول، 1375.

15. دبس موریس و هانری، پیرون، روان شناسی اختلافی، ترجمه ی محمد حسین سروری، تهران:

16. دورانت، ویل، لذات فلسفه ترجمه ی عباس زریاب، تهران: نشر دانشجویی، چاپ هشتم، 1373.
17. راسل، برتراند، جهانی که می شناسم، ترجمه ی روح الله عباسی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، 1357.
18. روشندل، جلیل، و قلی پور، رافیک، سیمای زن در جهان، ایالات متحده، تهران: نشر زیتون، چاپ اول، 1377.
19. سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرایز، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، 1379.
20. شریعتی، علی، مجموعه آثار، ج 21، زن، انتشارات چاپخش، چاپ نهم، 1376.
21. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، 1373.
22. شفیعی سروستانی، ابراهیم، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، قم: موسسه فرهنگی طه، چاپ اول، 1379.
23. صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی زن مسلمان در جامعه ی اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، 1374.
24. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، 20 ج، قم: دار الکتب اسلامی، چاپ دوم، 1393 هـ-.
25. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، بیروت: چاپ اعلمی.
26. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی، جوان، ج 1 و 2، چاپ 15، نشر معارف، سال 1344.
27. فیاضی، سجاد، همگام با سروش عشق، قم: نشر الهادی، چاپ اول، 1377.
28. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات امیری، چاپ پنجم، 1370.
29. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج 1 و 2، بیروت: مؤسسة الوفاء.
30. مترلینگ، موریس، عقل و سرنوشت، ترجمه ی موسی فرهنگ، تهران: مطبوعاتی فرخی، چاپ

31. محدثی، جواد، نگاه تا گناه، تهران: نشر نهال، چاپ اول، 1376.
32. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
33. محمودی، عباسعلی، زن در اسلام، تهران: موسسه تحقیقاتی فیض کاشانی، چاپ چهارم، 1368.
34. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام و جهان غرب، قم: انتشارات صدرا.
35. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات الزهراء، چاپ دهم، 1366.
36. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه ی علی علیه السلام، قم: انتشارات صدرا.
37. مطهری، مرتضی، حق و باطل، قم: صدرا، چاپ چهارم، 1364.
38. مطهری، مرتضی، مسئله ی حجاب، قم: صدرا، چاپ چهل و دوم، 1374.
39. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، چاپ بیست و هفتم، 1377.
40. مظاهری، حسین، اخلاق و جوانان، ج2، قم: انتشارات شفق، چاپ دوم، 1379.
41. مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم: چاپ انتشارات پارسایان.
42. مکارم شیرازی، ناصر، مشکلات جنسی جوانان، قم: انتشارات نسل جوان.
43. مکنونی، ثریا و صانع پور، مریم، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، 1374.
44. موریش، ایور، درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه ی غلامعلی سرمد، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، 1373.
45. موکی یلی، روزبه، عقده های روانی، ترجمه ی شجاع رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، 1374.
46. نوابی نژاد، شکوه، مشاوره ی ازدواج و خانواده درمانی، سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم.
47. هاشمی کاوندی، سید مجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن از دیدگاه... قم: انتشارات

شفق، چاپ اول، 1370.

48. هورنای، کارن، عصبانی های عصر ما، ترجمه ی ابراهیم خواجه نوری، تبریز: کتاب فروشی امید، 1347.

49. هیئت تحریریه ی در راه حق، جوانان و ازدواج، انتشارات در راه حق، چاپ اول، 1377.

ص: 174

## روزنامه ها و مجلات

50. آبان (هفته نامه)، ش 112.
51. اطلاعات (روزنامه)، 48/7/29.
52. ایران جوان (هفته نامه)، ش 80، 134، 135 و 156.
53. ایران فردا (هفته نامه)، ش 66.
54. پیام هامون (هفته نامه)، ش 53.
55. جمهوری اسلامی (روزنامه)، 64/4/13.
56. حیات نو (روزنامه)، 80/6/18.
57. دیدگاه (هفته نامه)، پیش شماره ی آبان 71.
58. صبح (ماه نامه)، 74/4/16.
59. فقه اهل بیت (فصل نامه)، ش 23 سال 79.
60. کیان (ماه نامه)، 77/11.
61. کیهان (روزنامه)، 80/5/10.
62. معرفت (فصل نامه)، ش 32.
63. نوروز (روزنامه)، 80/5/1 و 80/6/7.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109